پیشگفتار

نامه به رومیان

در بین تمام نامه های پولس رسول، نامه به رومیان بدون تردید مهمترین نامه بشمار می رود. این نامه نه فقط طولانی تر از دیگر نامه ها است بلکه از نظر محتوای اصول دین یکی از غنی ترین آنها است تا جایی که اغلب آن را رسالهٔ تحقیقی و کتابی آموزشی بشمار آورده اند که بهتر از سایر نامه ها تهیه و تنظیم گردیده است. کالوین تأکید می کرد که این نامه به طرز منظمی تهیه شده است. بالاخره از لحاظ تاریخی هیچ نامهٔ دیگری چنین تأثیر و نفوذی نداشته است. حتی یکی از دانشمندان علوم الهی پروتستان اخیراً مدعی شده بود که تاریخ کلیسا با تاریخ تفسیر این نامه درهم آمیخته است (که البته تا حدی اغراق آمیز است). در حقیقت این نامه همواره محل و موقعیت مخصوصی در تاریخ تفاسیر داشته، کسانی چون اوریجن، کریسوستوم، تئودوره، آمبروزیاستر، پلاجیوس، آگوستین، آبلار و آکویناس و غیره این نامه را به طور منظم یا جسته گریخته تفسیر کرده اند. اما بویژه در دو مرحله از تاریخ کلیسا تفسیر این نامه نقشی طبیعی داشته؛ یکی در قرن پنجم میلادی به هنگام بحران پلاجیانیسم و بحث و جدالهایی که دربارهٔ رایگان بودن امر نجات درگرفته بود و دیگری در قرن شانزدهم، هنگامی که نهضت پروتستان آغاز گردید.

به نظر بسیاری از مورخان، تفسیر نامه به رومیان بوسیله لوتر که در سال ۱۵۱۶ انجام گردید درحقیقت نقطهٔ آغاز نهضت پروتستان بوده است. کالوین نیز به هنگام تفسیر نامه به رومیان که نخستین تفسیر او دربارهٔ کتاب مقدس است در سال ۱۵۳۹ دومین چاپ کتاب خود را به نام «نهاد دین مسیح» تهیه کرده، در آن نکات اصلی عقاید و نظریات خود را تصریح کرد. پروتستانها برای این نامه ارزش خاصی قائل بوده، لوتر در این باره می گفت: «این نامه در حقیقت قلب و چکیدهٔ همه کتابها است.» کالوین نیز اظهار می کرد: «هرکس به درک واقعی آن دست یابد مثل این است که دری بر روی او گشوده شده تا به مخفی ترین گنجینهٔ نوشته های مقدس وارد شود.» به نظر ملانکتون که بزرگترین اثرش «کلیات علوم الهی» در حقیقت توضیحی دربارهٔ نامه به رومیان است، این نامه «خلاصهٔ آموزه مسیحی را دربر دارد». بنابراین نوشته لوتر دربارهٔ اصول مسیحیت، در حقیقت اصول مندرج در نامه به رومیان است.

از آن تاریخ به بعد مفسران و دانشمندان علوم الهی پروتستان مرتباً این نامه را تفسیر کرده اند. در این مورد بویژه از تفسیر کارل بارت (۱۹۱۹) یاد می کنیم که بر اندیشهٔ علم الهی معاصر تأثیر قاطع داشته است.

دانشمندان علوم الهی پروتستان که برای این نامه امتیاز قایل شده‌اند بدون تردید به نوعی «یک سو نگری» کشانیده شده‌اند. مفسر پروتستان بنام لِنارد تردیدی نکرده که آن را «عدم تعادل» بخواند. از سوی دیگر دانشمندان علوم الهی کاتولیک نیز به صورتی اغراق‌آمیز دربارهٔ آموزش نخستین نامه به قرنتیان اصرار کرده‌اند.

به علت نقشی که نامه به رومیان در تاریخ کلیسای چهار قرن اخیر ایفا کرده است می‌توان دریافت به چه سبب مسئولان «ترجمه بین الکلیسائی کتاب مقدس» (TOB) تصمیم گرفته باشند کار خود را از ترجمه نامه به رومیان آغاز نمایند. به نظر آنان ممکن بود ترجمهٔ این نامه همچون تجربه و آزمایشی بشمار رود زیرا معتقد بودند اگر ترجمه این نامه به صورت متن قابل قبول همگان ارائه شود ترجمهٔ بین الکلیسائی کتاب مقدس با موانع لاینحلی برخورد نخواهد کرد. و مخصوصاً معتقد بودند که این اقدام از نظر علم الهی دارای اهمیت است. برابر عبارت مناسبی که یک کشیش پروتستان به نام بوگنر در این مورد بیان کرده است: «متنی که موجب تفرقهٔ ما بود بایستی متن تفاهم و نزدیکی ما گردد.»

جایگاه این نامه در زندگانی پولس

وقتی پولس این نامه را بر طرتیوس تقریر می‌کرد (۲۲:۱۶) محتملاً در قرنتس نزد غایوس «میزبان خود و همهٔ کلیسا» بسر می‌برد (۲۳:۱۶؛ ر.ک ۱-قرن۱:۱۴-۱۵) وی در شرف حرکت به سوی اورشلیم بود (برخی گمان می‌کنند که قبلاً حرکت کرده بود) تا اعانه‌ای را که در مقدونیه و اخائیه جمع کرده بود برای مقدسین اورشلیم که در فقر بسر می‌بردند ببرد (۲۵:۱۵-۲۶). در این موقع سه ماه را در قرنتس گذرانده (اع ۳:۲۰)، در پایان سومین سفر رسولی خود بود. چند ماه پیش در طی این مسافرت نامه‌های خود را به قرنتیان، غلاطیان و شاید به فیلیپیان نوشته بود و بنابر این در پایان دورانی پر جنب‌وجوش از فعالیت نامه نگاری و آموزش علم الهی بود. چنین برآورد می‌کرد که وظیفهٔ خود را در شرق به پایان رسانیده (۱۹:۱۵-۲۰)، از آن پس قصد داشت نوید (انجیل) را به غرب ببرد. پیشاپیش روحش به سوی روم و اسپانیا متوجه بود (۲۴:۱۵). با این همه از نتیجهٔ سفر خود به اورشلیم نگران بود و مشکلاتی را که بر سر راهش پیدا خواهد شد پیش بینی می‌کرد (۳۰:۱۵-۳۱). در کتاب اعمال رسولان به این ترس‌ها اشاره شده در جایی که آمده است: «اینک پای بند روح القدس بدون آنکه بدانم چه بر سرم خواهد آمد به اورشلیم می‌روم. روح القدس از شهری به شهری به من شهادت داده می‌گوید که بندها و مرارتها در انتظار من است...» (اع ۲۲:۲۰-۲۳).

هرگونه ترتیبی که برای تاریخ وقوع حوادث پذیرفته شود سال نوشتن نامه به رومیان ۵۷ یا ۵۸ میلادی و به هرحال در آغاز بهار می‌باشد یعنی در موقعی از سال که پس از فصل نامساعد زمستان، مجدداً کشتیرانی منظم از سر گرفته می‌شود. اصالت و انتساب این نامه به پولس هرگز محل تردید نبوده، تنها دو باب آخر از نظر نقد ادبی قابل بحث می‌باشند زیرا نقل و استنساخ نسخه‌های خطی

در مورد این دو باب نامطمئن است (ر.ک باب ۱۵ توضیح g).

هدف و موقعیت نگارش نامه

گرچه اوضاع و شرایط نگارش نامه به رومیان شناخته شده است جوهر و طبیعت این نامه همچنان معما و مبهم است: آیا در برابر ما کتابی تحقیقی و آموزشی به صورت رساله قرار دارد یا واقعاً این نامه نوشته ای است که در مورد اوضاع و مسائل روزانه نگارش یافته است؟ به عبارت دیگر آیا پولس می خواسته است با تقریر این نامه حقیقت انجیل را به کلیسای روم آموزش دهد یا اینکه می دانسته احتیاجهای مخصوصی در آن کلیسا وجود دارد و می خواسته بدواً راه حلهای عملی برای آنها ارائه نماید؟

الف) نوشته ای دربارهٔ اصول دین

تا پایان قرن نوزدهم میلادی بسیاری از مفسران نامه به رومیان را چون یک رساله و کتاب تحقیقی و آموزشی بشمار می آوردند و در نظر آنان نوشته ای به صورت نامهٔ سرگشاده دربارهٔ اصول دین بود. درنظر پولس اعلام مسافرت آینده اش به روم فقط بهانه ای می باشد زیرا وی این جامعه (کلیسا) را نمی شناخته، اقتدار مستقیمی بر آن نداشته است، وانگهی نگران بوده چنان که گفته است «مبادا بر روی پی هایی که دیگری نهاده بنا کنم.» (۲۰:۱۵) بنابراین نیازی نداشته است مسائل عینی و واقعی آن جامعه را مطرح سازد یا در دفاع از شخص خود در بحث و مجادله ای درگیر شود. بلکه از فرصت مغتنمی که پیش آمده استفاده نموده است تا نوشته ای به کلیسای روم بفرستد و به رومیان و از ورای آنان به همهٔ ایمانداران، مسائل مهمی را که در آن موقع درنظر داشته است مطرح ساخته با خیال راحت و به طرز منظم تری پیام نامهٔ به غلاطیان را آغاز کند.

درواقع مقایسه این دو نامه ضرورت دارد. مضامین مهم نظریات پولس در علم الهی در هردو نامه وجود دارد مثلاً عادل گردانیدن انسان، رستگاری، تورات موسائی، ایمان مسیحی، ارزش رسالتی تصویر ابراهیم و غیره. ولی تفاوت بین این دو نامه هم چشمگیر می باشد. هرقدر احساس می شود که نامه به غلاطیان تحت تأثیر شور و هیجان نوشته شده است به همان اندازه مشاهده می شود که در نامهٔ دوم لحن سخن آرام، آموزنده و بی پیرایه است و حاوی نظریات والایی می باشد. این همان پیام است ولی به صورتی مشروح تر، گسترده تر، بدون بحث و جدال و با آرامش نگاشته شده است. حتی گفته شده است نامهٔ به غلاطیان همچون سیلابی کوهستانی است که جوشان و خروشان به پیش می تازد و نامه به رومیان همان سیلاب پس از رسیدن به بستر خود در دشت است که با عظمت و آرامش به پیش می رود.

شکی نیست که پولس در سراسر نامه کسی را به شدت مورد خطاب قرار می دهد بدون اینکه او را به طور مشخص تعیین نماید. کافی است این نامه با توجه و دقت خوانده شود تا از کثرت مواردی که رسول نکات علم بیان را بکار برده، کلمات ندا، تعجب، جملات معترضه و یا مطالب بین هلالینی که آورده است حیرت کنیم. پولس در هیچ یک از نامه هایش به این اندازه روشهای

سخن پردازی و بلاغت را بکار نبرده است. مثلاً عباراتی نظیر: «پس چه خواهم گفت؟»، «آیا نمی دانید؟» «ای انسان، هرکه هستی...». اما فراوانی همین عبارات و جمله های سخنوری ثابت می کند که پولس به مخاطبی فرضی خطاب می نماید چنانکه در روشهای فلسفی آن دوران معمول بوده است.

این نامه که بیشتر جنبهٔ معنوی و عقیدتی دارد و فرا زمانی، فرا مکانی است نشان می دهد به چه سبب آن را به صورت نوعی «مجموعهٔ علم الهی» ملاحظه کرده اند با این همه نمی توان آن را «خلاصه عقاید مسیحیت» و یا ترکیبی از نظریات پولس در علم الهی بشمار آورد زیرا مطالب بسیاری ناگفته می ماند. آنچه جالب توجه است بین نامه به رومیان و نامه های به قرنتیان تفاوت فوق العاده ای از نظر روش نگارش و حتی موضوع مطالب وجود دارد با این که نامه های مذکور در یک زمان نوشته شده اند. در نامه های به قرنتیان دو موضوع مشابه مورد توجه می باشد بدین معنی که پولس در این نامه ها از اقتدار رسول بودن خود دفاع می کند و برای یگانگی و اتحاد و تهذیب کلیسای قرنت مبارزه می نماید درصورتی که می توان گفت در نامه به رومیان اصولاً صحبتی از کلیسا نیست و یا لااقل به صراحت سخنی دربارهٔ کلیسا گفته نشده است مگر در توصیه های عملی که در بابهای آخر نامه آمده است. آموزش مهمی که در نامه به قرنتیان دربارهٔ راز نان و جام آمده است (۱-قرن ۱۱:۱۷-۳۴) مطلقاً معادلی در نامهٔ به رومیان ندارد. اگر در نامه های به قرنتیان روح القدس سرچشمهٔ موهبت های روحانی جوامع مسیحی و خدمات مقرر می باشد در باب هشتم نامه به رومیان منبع آزادی و نیایشهای فردی است. با این همه نامه های به قرنتیان انعکاسهایی در نامه به رومیان دادند از جمله هم در نامه به رومیان و هم در نامه های به قرنتیان تصویر کلیسا به عنوان تن مسیح ذکر شده (۱-قرن ۱۲:۱۲-۲۷؛ روم ۱۲:۴-۶) و از مسیح، به عنوان آدم ثانی یاد شده است (۱-قرن ۱۵؛ روم ۵).

اگر چه نتوان نامه به رومیان را خلاصه ای از اندیشه های علم الهی پولس بشمار آورد و البته معادل نظریه قطعی مسیحیت به معنای جدید این واژه دانست با این همه همان طور که پولس دوبار از «انجیل من» نام برده است شاید بتوان نامه به رومیان را بیان انجیل پولس خواند (۲:۱۶؛ ۱۶:۲۵) آنچه را که خودش قلب و کُنه نویدی می داند که به ملت ها اعلام می نماید.

ب) نوشته ای به اقتضای وقایع روزانه

جنبهٔ کلی و معنوی نامه به رومیان مانع از آن نیست که این نامه در تاریخ معینی نگارش یافته و به مسائل مهمی که در برابر کلیسا قرار داشته پاسخ داده باشد. به نظر برخی از مفسران موضوع کلیسا با این که واژهٔ آن در نامه وجود ندارد دورنما و هدفی است که افکار و اندیشه های اساسی نامه به سوی این هدف هدایت می شود. پولس از خطری که در آن اوقات حیات کلیسا را تهدید می کرد آگاه بود بدین معنی که احتمال داشت به دو جامعه مجزی تقسیم گردد: یکی جامعه مسیحیان یهودی تبار که وارث کنشت یهود بودند و دیگری مشرکانی که به مسیحیت گرویده

بودند و پولس خود را رسول آنان می‌دانست و این جامعهٔ مسیحیان غیر یهودی، هم نسبت به جامعهٔ سابق بی ارتباط است و هم از پیوند با گذشته محروم است. بحرانهای جدیدی که کلیساهای غلاطیه و قرنتس را تکان می‌داد پولس را در مورد اهمیت وضعیت متقاعد می‌کرد. هنگامی که پولس این نامه را می نوشت اطمینان نداشت در اورشلیم چگونه از او استقبال خواهد شد بنابراین می‌توان دریافت در نامه‌ای که به عده زیادی از خوانندگان می نویسد وحدت الهام را در عهد عتیق و انجیل یادآوری کرده، وعده‌های قطعی که به اسرائیل داده شده است و نقش آن را در تاریخ نجات ذکر نماید. می‌توان گفت نامهٔ به رومیان از نظر عقیدتی به نوعی نشانه جنبه عملی گردآوری اعانه می باشد، اعانه‌ای که برای رفع نیازهای جامعه مسیحیان یهودی تبار جمع شده بود تا نشان دهد مؤمنانی که از تبار مشرکان می باشند با مؤمنان فلسطینی تعاون و همبستگی دارند.

وانگهی آیا این نکته صحیح است که گفته می‌شود مخاطبان اولیه این نامه بر موضوع اصلی و شکل نامه تأثیری نداشته‌اند؟ در این صورت نامه به رومیان در بین آثار ادبی پولس اثری استثنایی تلقی خواهد شد زیرا تمام نامه‌های دیگرش بنا به مقتضیات و بر اثر نیازهای واقعی کلیسایی نوشته شده که برای آن کلیسا ارسال گردیده است. آیا نمی‌توان گفت که نامه به رومیان هم انعکاسی از وضعیت کلیسای روم در سالهای ۵۷-۵۸ میلادی می باشد؟

بسیاری از پژوهشگران در این طریق تحقیقاتی به عمل آورده‌اند. با این همه وضع دقیق کلیسای روم در موقعی که پولس خطاب به آن می نوشته و ترکیب و گرایشهای آن کلیسا برای ما زیاد روشن نیست بنابراین توضیحاتی که پیشنهاد شده فقط فرضیه‌های پژوهشگران بشمار می‌آیند. در خود نامه هم در این مورد نشانه‌ای روشن و صریح وجود ندارد. در این نامه پولس علت آمدن خود را فقط میل و علاقه شدیدی ذکر می کند که برای «تقویت» ایمان مسیحیان روم دارد. آیا نمی‌ترسد مسیحیان طرفدار آئین یهود عقاید خود را در روم منتشر کنند؟ همچنانکه در غلاطیه و قرنتس پراکنده‌اند؟ آیا می‌خواهد رومیان را در برابر اقدامات آنان حفظ نماید؟ گرچه این موضوع غیرممکن نیست با این همه چیزی در نامه وجود ندارد که دال بر تعقیب این نظر باشد (با این همه خط های۱۶:۱۷-۲۶ را ملاحظه کنید علی‌رغم این که لحن جدی این قسمت با لحن معتدل بقیهٔ نامه متفاوت است).

از میان کلیه فرضیاتی که درنظر گرفته شده یکی شایان توجه است. از آغاز قرن نوزدهم میلادی بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کرده‌اند که آیا منظور و هدف نامه به رومیان مصالحه و آشتی نیست؟ زیرا می‌دانیم تعداد مهاجران یهودی ساکن رُم زیاد بوده تا به جایی که کلودیوس امپراتور روم در سال ۴۱ میلادی فرمانی مبنی بر اخراج آنان صادر کرده بود و شاید این فرمان به علت بروز اغتشاشاتی بوده که بر اثر اعلام انجیل مسیح ایجاد شده بود. همچنین می‌دانیم که مسیحیان یهودی تبار نیز از این فرمان در امان نماندند مثلاً «اکیلا» و «فرسکا» به سوی قرنتس رفتند (اع ۱۸:۲). دیری نگذشت که این فرمان لغو

شده، بسیاری از یهودیان مجدداً به روم بازگشتند و وقتی پولس نامه خود را می نوشت «اکیلا» و «فرسکا» مجدداً در روم بسر می بردند (۳:۱۶). اکنون می توان این پرسش را مطرح نمود آیا مسیحیانی که از تبار مشرکان بودند نسبت به برادران یهودی تبار خود که مراجعت می کردند به نظر تحقیر نگریسته، خود را برتر از آنان می دانستند؟ (ر.ک ۱۱:۱۷-۲۵؛ ۳:۱۴، ۱۰؛ ۱۵:۲۵-۲۷). به این ترتیب آیا کلیسای رُم به دو قسمت تقسیم گردیده، از یکدیگر جدا شده بودند؟ یک گروه گروندگان از شرک و گروه دیگر گروندگان از آیین یهود بودند. ممکن است پولس در برابر چنین وضعی آنان را هدایت کرده باشد که متقابلاً یکدیگر را پذیرفته، از اتحاد و یگانگی اساسی خود آگاه شوند. در این صورت نقطهٔ اوج نامه، خط ۷ باب ۱۵ می باشد در جایی که می گوید: «یکدیگر را بپذیرید به همان گونه که مسیح هم شما را به خاطر شکوه خدا پذیرفته.» و همهٔ شرح و توضیحات قبلی نامه به منظور رسیدن به این نتیجه عملی بوده است.

شواهد مختلفی نشان می دهد که این فرضیه تا حدی محتمل و نزدیک به حقیقت است، مثلاً متوجه شده اند که رسول دائماً «یک چشم به سوی مسیحیان یهودی تبار داشته است و چشم دیگر به سوی مؤمنانی که از میان مشرکان بودند» (فلدرر). در حقیقت کلمات «یهودیان- یونانیان» و مشابه آنها به دفعات در این نامه بکار برده شده است (۱:۱۴-۱۶؛ ۹:۲، ۱۰، ۲۵-۲۷؛ ۳:۹-۲۹؛ ۴:۹-۱۲؛ ۹:۲۳؛ ۱۰:۱۲؛ ۱۱:۱۳-۲۵؛ ۱۵:۸ و خط های بعدی) آنچه شگفت انگیز است این است که نامه به «کلیسای خدا» خطاب نگردیده، در صورتی که در کلیه نامه های پولس این عنوان مخاطب ذکر می شود لذا به سهولت می توان توضیح داد که شاید پولس خود را در برابر جامعه ای متحد احساس نمی کند. بالاخره شرح و بسط مفصلی که در بابهای ۹-۱۱ دربارهٔ قوم خدا و سرنوشت بنی اسرائیل آمده است این نظریه را توجیه و تقویت می نماید. هرگاه این نظریه صحیح باشد نامهٔ به رومیان به طرز والایی جنبهٔ همگانی یا بین الکلیسایی خواهد داشت، به معنی امروز کلمه (œcuménique). ولی این نظر هرچقدر هم جالب و گیرا باشد به صورت فریضه ای ساده باقی می ماند. با توجه به این که پولس هیچ اشارهٔ دقیقی به وضع کلیسای روم نکرده است. نمی توان گفت که این فرضیه قابل اطمینان است با وجود این همین نکته کاملاً نامهٔ به رومیان را خیلی روشن می کند و به این نامهٔ دشوار و معمایی جذابیت نویی می بخشد.

طرح نامه

هیچ یک از نوشته های دیگر پولس به اندازه نامه به رومیان به این خوبی طرح ریزی نشده و ترکیبی چنین دقیق و مستحکم ندارد. گرچه همه مفسران در این نامه و در نامه های دیگر دو بخش را تشخیص می دهند که یکی بخش عقیدتی (۱-۱۱) و دیگری بخش تشویق و اندرزها است (۱۲-۱۶) ولی هنگامی که می خواهند طرح دقیق نامه را تعیین نمایند مفسران با هم توافق ندارند. بدین سبب برخی از مفسران به این نتیجه رسیده اند که این نامه طرح و ترکیب دیگری جز طرح یک گفتگو

ندارد. در این باره گفته شده است نامه به رومیان فقط نامه ای است که از «گفتگوی مداوم با یهودیان» حاصل گردیده است.

با این همه بسیاری از مفسران معتقدند که این نامه دارای طرحی استوار و سنجیده است مشروط بر این که پذیرفته شود که نه از نظر سبک نگارش و نه از نظر تداوم اندیشه ها کاملاً یکدست نیست. اصولاً پولس در ردیف سخنوران نامی بشمار نمی آید و فوران سخنوری او را که تقریر می کرده است نمی توان به عبارات مجزایی تقسیم کرد. به نظر مفسران پولس می خواسته است بدواً به موضوع گناه بپردازد (۱:۱-۳:۲۰) سپس دربارهٔ برائت از گناه و عادل گردانیدن انسان (باب ۳:۲۱ تا ۴:۲۵) و بالاخره در مورد تقدیس (بابهای ۵-۸) بحث نماید اما بنابراین فرضیه پایان نامه ضمیمه هایی است که یکی پس از دیگری آمده، مستقل از بخش عقیدتی می باشد.

برطبق بررسیهای جدید طرح و ترکیب دیگری برای این نامه پیشنهاد شده است که به نظر می رسد به طرح مرکزی پولس خیلی نزدیک تر بوده، بیشتر منطبق با شیوهٔ پیامبران عهد عتیق است و در این روش کمتر به تشریح منطقی موضوع پرداخته می شود و بیشتر تکرار و تمرکز بر موضوع مورد نظر است. اکنون برحسب مثال یکی از طرحهایی را که اخیراً پیشنهاد شده است ذکر می کنیم. برابر این طرح نامهٔ به رومیان پریشانی و درماندگی بشریت را در چهار مرحله تشریح کرده، پیروزی انجیل را بر این درماندگی بیان می کند: ۱- درماندگی مشرکان و یهودیان به سبب محکومیت الهی (۱:۱۸-۳:۲۰) و به فیض یسوع مسیح، برائت و عادل گشتن برای همه کسانی که به وی ایمان دارند (۳:۲۱-۴:۲۵). ۲- درماندگی بشریت که وابسته به آدم نخستین است (۵:۱-۱۴) و نجات انسان به وسیله پیوستگی به یسوع مسیح (۵:۱۵-۶:۲۳؛ در باب ۵ دو موضوع درماندگی و نجات کاملاً به هم آمیخته اند.) ۳- درماندگی انسان که بردهٔ مقررات قانون است (۷:۱-۲۵) و رهایی انسان به وسیله روح القدس (۸:۱-۳۹). ۴- درماندگی قوم بنی اسرائیل در نپذیرفتن یسوع (۹:۱-۱۰:۲۱) و دسترسی نهایی قوم اسرائیل جدید که مرکب از یهودیان و غیر یهودیان است به نجات و رستگاری (۱۱:۱-۳۶). این طرح که البته طرحی فرضی است دارای دو امتیاز می باشد و این نکته را نشان می دهد که توضیح و تشریح درماندگی و نجات در چهار مورد با کلمات و عباراتی که از نوع و منشأ مختلف هستند بیان شده است. در مورد اولی واژه های قضایی بکار رفته، در مورد دوم واژه هایی که جنبهٔ قدوسیت دارند، در مورد سوم کلمات روحانی و در مورد چهارم کلمات تاریخی. ضمناً نشان می دهد که چگونه بابهای ۹ الی ۱۱ از نظر ترکیب تألیفی به اقامهٔ براهین (استدلال) در بابهای ۱ الی ۸ مربوط می گردد. با این همه این طرح در مورد دو نکته قانع کننده نیست زیرا اگرچه باب های ۹ الی ۱۱ با اقامهٔ دلایل درهم می آمیزد ولی نشان نمی دهد که این باب ها نسبتاً مستقل از بقیه نامه بوده، مجموعهٔ جداگانه و به هم پیوسته می باشند به طوری که می توان گفت جداگانه نوشته شده و بعداً در این قسمت از نامه گنجانیده شده باشند. زیر طوری نیستند که الزاماً باید در دنبالهٔ مطالب

باب های ۱ الی ۸ آورده شوند. و اصولاً موضوع اصلی باب های مذکور که در ۱:۱۶-۱۷ اعلام گردیده عدالت نوینی است که مسیح برای آدمیان آورده است. از سوی دیگر در این طرح نقش رابط باب ۵ نشان داده نشده است. زیرا بسیاری از مفسران متذکر شده اند که از آغاز باب ۵ نظریه نسبتاً جدیدی پیدا می شود بدین معنی که از آغاز این باب موضوع برائت و عادل گردانیدن امری متعلق به گذشته و انجام شده می باشد و افعالی که در مورد برائت و عادل گردانیدن بکار برده شده به صورت ماضی مطلق هستند. موضوع ایمان که مجدداً در خط ۲:۵ ذکر شده جای خود را به امید می دهد و موضوع غرور، سربلندی و جلال که با کلمهٔ یونانی Kaukhèsis بیان شده است تغییر یافته و مفهوم مثبتی می گیرد و در اینجا «غرور» فقط توکل به خدا را بیان می نماید. بالاخره موضوع اساسی نامه از خط ۱۱:۵ تا باب ۸ برائت و عادل گردانیدن نیست بلکه زندگانی است؛ بوسیلهٔ تعمید زندگی ما با مسیح آغاز می شود (باب ۶). موهبت و حضور فعال و حیات بخش روح القدس نشانهٔ پیوند ما با مسیح شکوهمند و با زندگانی ربانی مسیح بپاخاسته است (باب ۸).

در استدلالهای بابهای ۱ الی ۸ یک پیشرفت تدریجی وجود دارد و اگر این نکته آشکار و روشن نیست به خاطر آن است که پولس مطالب دشواری را تقریر می کرده است و اکثراً رشته استدلالها و افکار متعدد را تعقیب می نموده که درهم پیچیده و به هم تنیده بودند. به هرصورت طرحی که در چهار مجموعه بزرگ است این مزیت را دارد که نشان می دهد چگونه پولس علاقمند بوده انجیل را نوبت به نوبت به مسیحیان یهودی تبار و آنان که قبلاً مشرک بوده اند خطاب کند و بالاخره اندیشه و اندرز بزرگ اختتامی (۱۲:۱-۲۷:۱۶) را بیان کرده آنان را تشویق نماید در واقعیت محبت روزانه زندگی نمایند و هرگونه ادعائی را به کنار گذارند. این مسیحیان درپی آن خواهند بود که به دیگران نیکی کنند و از آنچه پیوستگی و همبستگی بین آنان و همه آدمیان را تهدید می کند دوری نمایند. بدین سان در مدتی که در این دنیا هستند تحقق تاریخ را اعلام و طراحی خواهند کرد (۱۳:۱۱-۱۴) با این نظر پنجمین قسمت نامه به چهار قسمت نخستین ارتباط داشته، پیوند می خورد.

علم الهی در نامه به رومیان

قبلاً گفته ایم که اگر در نامه به رومیان همه مضامین علم الهی و نظریات پولس مطرح نشده است، مطالبی که بررسی گردیده عمیقاً و با وضوح و قدرتی منحصربه فرد انجام گردیده است. پولس در هیچ جای دیگر چنین آمرانه از قدرت فیض، لعنت گناه، برائت یا عادل گردانیدن بوسیلهٔ ایمان، زندگی با مسیح از مرگ بپاخاسته و عمل روح القدس... سخن نمی گوید. در اینجا صحبت از آن نیست که به طور خلاصه از غنای اندیشه ای بحث شود که اختلافات جزیی هرگز شدت و صحت آن را تضعیف نمی کند و ظرافت و دقت آن در هیچ جا از قدرت آن نمی کاهد. با یادداشت ها و توضیحاتی که مخصوصاً در مورد این نامه به وفور داده شده است خواننده می تواند

همه موضوع های مهم پولس را درجایی که در متن آمده است پیدا کند. این یادداشت ها نوعی واژه نامه و شامل لغاتی است که پولس بکار برده، در ادامه و پیوند با فکر و اندیشه پولس می باشد و آنها را در پایین صفحات این کتاب می توان یافت.

باید بگوییم که برای ما اعم از کاتولیک، ارتدکس یا پروتستان خیلی ارزشمند می باشد که گام به گام به غنای پیام پولس پی ببریم. ما همگی در این امر متحد و مشترک هستیم که یکی از نکات مهم پیام اولیه را مشترکاً درک کرده، تصمیم مشترک داریم امروزه آن پیام را پذیرا بوده، از آن بهره مند باشیم، پیامی که به یمن وجود پولس سراسر حوزهٔ مدیترانه را فرا گرفته است. اکنون با حق شناسی به صدای مفسران بزرگ این نامه درطی قرون گوش فرا داده، با خوشه چینی از خرمن سنتها و روایات مربوطه احساس کرده ایم که امتیاز ترجمه این متن که در گذشته موجب اختلاف نظرها بوده با توضیحاتی که مشترکاً و با اتحاد معنوی عمیق تهیه کرده ایم یک فیض و یک برکت می باشد. به نظر گروه ترجمه شورای بین الکلیسائی ترجمه این نامه به منزلهٔ تجربه و آزمایشی بشمار می رفت که ترجمه بین الکلیسائی کتاب مقدس با موفقیت انجام گردد. گروه ترجمه و تمام کسانی که موجب تشویق بوده اند آرزو دارند که خوانندگان بویژه گروههای شوراهای بین الکلیسائی در این شادی و بهره ای که گروه ترجمه از کار خود گرفته اند با ایشان سهیم باشند.

نامه به رومیان

عنوان و سلام

۱ [۱] پولس[a]، خدمتگر مسیح یسوع[b]، رسول[c] فراخوانده، به کنار نهاده شده برای انجیل خدا[d]، [۲] که آن را از پیش به وسیله انبیایش در نوشته های مقدس[e] وعده داده بود. [۳] دربارهٔ پسرش[f] که برحسب

a- خدمتگر، این واژه در متن اصلی به معنی برده هم به کار برده شده است و در اینجا احتمالاً اشاره به خدمتگران بزرگ عهدعتیق می باشد.

b- مسیح یسوع. در نامه های پولس، یسوع مسیح به صورتهای مختلف نامیده شده است: مسیح، مسیح یسوع ، یسوع مسیح، یسوع مسیح. [کلمه مسیح در این موارد گاهی در متن اصلی با حرف تعریف آمده که در فارسی برابر آن وجود ندارد و گاهی بدون حرف تعریف ذکر شده است]. با توجه به این که در ترجمهٔ این عناوین در روایات فرقه های مختلف مسیحیت روشهای مختلفی وجود دارد (کاتولیکها بیشتر کلمه مسیح را با حرف تعریف و فرقهٔ پروتستان بدون حرف تعریف به کار می برند) لذا حتی المقدور آنچه به معنی و مفهوم متن اصلی یونانی نزدیک تر می باشد ترجمه شده است.

c- ترجمه تحت اللفظی: رسول به وسیلهٔ دعوت. همچنین ر.ک ۱-قرن۱:۱. همین عنوان به قدیسان یعنی مسیحیان نیز نسبت داده شده است مثلاً در روم۱:۷ و ۱-قرن۱:۲: مقدسان فراخوانده.

d- انجیل. این واژه ترجمهٔ کلمه یونانی است که به معنی «خبر خوش» می باشد. از ریشهٔ یونانی این کلمه در نوشته های عهد عتیق زیاد به کار برده نشده و بدین سبب در مواردی که برای اعلام و پیشگویی آمدن مسیح آمده است بایستی مورد توجه قرار گیرد (اش۵۲:۷؛ ۶۱:۱ که در روم۱۰:۱۵ و لو۴:۱۸-۱۹ نقل شده است) مسلماً به همین دلیل نویسندگان عهد جدید این واژه را به معنی دقیق (و تقریباً فنی) به کار برده اند که عبارت از: خبرخوشی است که خدا به جهان اعلام می کند و یسوع مسیح را می فرستد تا ملکوت او را مستقر سازد. (بدین سبب با توصیفهای مختلفی ذکر گردیده مثلاً: نوید خدا روم۱:۱؛ مر۱:۱۴؛ نوید یسوع مسیح: روم۱۵:۱۹؛ مر۱:۱؛ نوید ملکوت: مت۴:۲۳ ...). بدعت کلمهٔ «نوید» بیش از هرچیز مربوط به شخص یسوع مسیح است: بدین معنی که نبوت های عهدعتیق قبلاً محبت و بخشایش خدا را اعلام می کنند که به همهٔ آدمیان ارزانی شده است ولی اکنون این وعده ها در یسوع مسیح تحقق می پذیرد. بدین سبب رسول در بند۲ اصرار می نماید که خدا او یعنی پولس را به کنار نهاده است نوید را که از پیش به وسیله پیامبرانش اعلام شده بود به آدمیان اعم از یهودیان و مشرکان برساند.

e- به طوری که در یادداشت قبلی گفته شد رسول دربارهٔ وحدت اساسی دو عهد اصرار می ورزد و این نکته شایان تذکر است زیرا پولس نامهٔ خود را به مسیحیانی خطاب می کند که برخی از آنان قبلاً یهودی و برخی دیگر مشرک بوده اند و می خواهد که همگی آنان خود را وارث وعده هایی بدانند که در عهد عتیق آمده است.

f- بندهای ۳ و ۴ که بدون تردید به صورت عباراتی از بیان ایمان هستند دقیقاً مطابق و مشابه می باشند (ر.ک لو۳:۲۳ f). یسوع برحسب تن از تبار داود زاده شده و برحسب روح، به وسیله رستاخیز از میان مردگان، با قدرت، پسر خدا تعیین گردیده است. به نظر برخی ممکن است پولس دو سرشت مسیح را متوالیاً در بند ۳ (سرشت انسانی) و بند ۴ (سرشت الهی) درنظر داشته است ولی چنین می نماید که در این دو بند پولس شخصیت یسوع ناصری را در وضعیت و شرایط بشری درنظر می گیرد. پیش از عید گذر، نشانهٔ این وضعیت، ضعف و فروتنی جسم و تن است (بند ۳) و پس از عید گذر نشانهٔ آن آغاز بهره مند از تمامیت مزایای الهی (با قدرت) می باشد. پولس اظهار می کند که یسوع در شرایط زمینی پسر خدا بود (بند ۳: پسرش) و در بند روم۹:۵ الوهیت او را ذکر خواهد کرد. ولی به هنگام رستاخیز به عنوان پسر خدا با عنوان جدید مسیحایی تعیین می شود و مأموریت دارد ایمانداران را در فرزندی خدا سهیم سازد (روم۸:۲۹؛ غلا۴:۵-۷) و وظیفه خود را به عنوان خداوند زندگان و مردگان انجام دهد (روم۱۴:۹). این منظره همان است که در گفتار اعمال رسولان آمده است (اع۲:۳۶).

تن[g] از تبار داود زاده شد، [۴]بر حسب روح در پی رستاخیز[ش][i] از مردگان، یسوع
تقدیس،[h] پسر خدا، در قدرت تعیین شد و مسیح خداوند ما، [۵]که به وسیلهٔ او فیض و

g- «تن» که ترجمهٔ کلمهٔ یونانی sarx می باشد بیش از ۲۰ بار در این نامه به کار برده شده است.
۱- در یک رشته از متنها کلمهٔ «تن» همان طور که اکثراً در عهدعتیق آمده به معنی فرد بشری است که از نعمت های آفریدگار خود سرشار است ولی موجودی شکننده می باشد که همواره مرگ او را تهدید می نماید. هر «تن» یعنی هر بشری نظیر گلی صحرایی است (اش۴۰:۶). در عین حال که تاج عظمت بر سر دارد، قدرت و عمر او محدود است و یسوع به این معنی «برحسب تن از تبار داود زاده شده» (روم۱:۳) یعنی در سرنوشت پادشاهی و دردناک خود کاملاً انسان به شمار می رود و برحسب تن یک فرد اسرائیلی در بین اسرائیلیان می باشد (روم۹:۵). رسول مخصوصاً اصطلاح «هر تنی» را که در عهد عتیق آمده بکار می برد تا نفیاً بیان کند «هیچ تنی» یعنی هیچ کس با اجرای امور شرعی نمی تواند رستگار شود (روم۳:۲۰؛ غلا۲:۱۶) و هیچ کس (هیچ تنی) در حضور خدا مباهات ننماید (۱-قرن۱:۲۹). در این متنها آدمی به صورت موجودی از گوشت و خون ارائه گردیده (۱-قرن۱۵:۵۰؛ غلا۱:۱۶؛ افس۶:۱۲) که در مشکلات زندگی رها شده، از همین منبع، نیرو و کمک می یابد و این امر نه به وسیلهٔ تکیه بر خود بلکه فقط با اتکاء به آفریدگارش می باشد. بدین سان اکثراً در نوشته های پولس کلمه «تن» به معنی جسم رنجور مسیح و یا جسم رسول می باشد (کول۱:۲۲-۲۴؛ ۲-قرن۱۲:۷؛ غلا۴:۱۳-۱۴؛ فی۱:۲۲-۲۴) در متنهای اخیر از سیاق مطلب چنین برمی آید: وقتی «تن» رنج می برد آدمی در قلب و روح و همچنین جسم خود متألم است. بالاخره همین «تنی» که آدمی نمی تواند به آن اعتماد داشته باشد انسان مذهبی است که به دشوارترین انضباط های خود مباهی و سرفراز است. پولس در مقابل فرد فریسی، که خود شخصاً بوده است کسانی را ارائه می کند که به مانند او به جای آن که به «تن» یعنی موفقیت مذهبی خود اعتماد داشته باشند به یسوع مسیح اعتماد می نمایند (فی۳:۳-۷).
۲- در یک رشته متن های دیگر رسول به وسیله این واژه نه فقط حدود طبیعی را که آفریدگار برای وضعیت آدمی تعیین کرده است ارائه می نماید بلکه وضعیت انسان را در زیر سلطهٔ گناه و مرگ و حتی فاقد شایستگی به سبب گناه و مرگ نشان می دهد. پولس نمی گوید که تن (یا جسم) با گناه یکی است. وی هرگز تن را به عنوان اصل مادی در برابر اصل دیگری که روح یا جان باشد قرار نمی دهد. اگر تن یعنی ضعف آدمی موجب ناراحتی و اضطراب می باشد در صورتی است که اسیر یا مسکن نیروهای مخرب نظیر گناه، شهوات و هیجانها و مآلاً مرگ باشد، آموزشی که از فصل۷ نامه برمی آید چنین است: هنگامی که ما در تن بودیم هیجانهای گناهکار از اعضای بدن ما به منظور مرگ استفاده می کردند (روم۷:۱۵) بدین گونه رسول من را با این جسم و تن اسیر شده یکی بشمار آورده، اظهار می کند هیچ چیز خوبی در من یعنی در جسم من جای ندارد (روم۷:۱۸) و به وسیلهٔ تن و جسم، من تابع و مطیع گناه هستم (روم۷:۲۵).
۳- در سومین رشته از مطالب نامه، رسول آزاد شدن جسم را به وسیله روح القدس توصیف می نماید و برمبنای این آزادی که انجام می شود توصیه نموده، اندرز می دهد که مسیحیان نه بر مبنای تن بلکه برطبق روح القدس زندگی کنند و این موضوع اهم مسایل در فصل هشتم نامه می باشد. پولس پس از این که اظهار می کند که خدا در جسم مصلوب مسیح گناه را (و نه جسم را) محکوم کرده است (۳:۸) مخاطبان خود را در برابر انتخاب قاطعی قرار می دهد بدین معنی که اگر اصرار دارند برطبق جسم زندگی کنند خدا از آنان خشنود نخواهد بود و به سوی مرگ خواهند رفت ولی اگر از روح القدس که در آنان است اطاعت نمایند به طرف زندگی خواهند رفت، زندگی که در رستاخیز یسوع آشکار گردیده است (روم۸:۱۱) لازم به تذکر است که در اینجا پولس دو نوع انسان را توصیف نمی نماید که یکی جسمانی و دیگری روحانی باشد بلکه هر فرد مسیحی را در برابر این دو امکان قرار می دهد و بدین سبب در بندهای ۱۲-۱۳ هشدار می دهد. با این همه لحن پیروزمندانه ای که در سرتاسر این فصل وجود دارد نشان می دهد که جسم و روح دو نیروی متساوی نیستند که آدمی در میان آنها دو تکه شده باشد. با محکوم شدن گناه در جسم مصلوب (بند ۳) و رستاخیز یسوع در جسم خود (بند ۱۱) دوران جدید آزادی قطعی آغاز گردیده است و زمان ثمره های جسم جای خود را به زمان ثمره های روح داده است (غلا۵:۱۳-۲۵). اگر هنوز فرد مسیحی در جسم زندگی می کند ولی برطبق جسم زندگی نمی نماید زیرا متعلق به آن کسی است که خود را به خاطر او به دشمنان تسلیم کرده است (غلا۲:۲۰). ولی لازم است کسی که زندگی را با روح القدس آغاز نموده آن را با تن به پایان نرساند و این اخطار اهمیت شایانی دارد.
h- این اصطلاح که ترجمهٔ تحت اللفظی است از عهد عتیق می آید؛ اش۶۳:۱۰؛ مز۱۵:۱۳. گاهی روح قدیس ترجمه می شود.
i- گاهی ترجمه می کنند به وسیله رستاخیزش. به هرصورت در اینجا تأکید در مورد کلمات با قدرت می باشد. یسوع به وسیله رستاخیز پسر خدا نشده است بلکه خدا در رستاخیز او را به مقام ارجمند و والا بلند کرده (فی۲:۹) و به او جلال و افتخار (۱-پطر۱:۲۱) و اقتدار اعلی داده است (افس۱:۲۰-۲۳).

رسالت[j] یافته ایم تا همهٔ امت ها را به خاطر
نامش به اطاعت از ایمان[k] در آوریم. ۶ شما
نیز از جمله آنان فراخواندگان[l] یسوع مسیح
هستید، ۷ به همهٔ محبان خدا که در روم
هستند، به مقدسان فراخوانده[m]، به شما
فیض و صلح از سوی خدا، پدر ما و از
خداوند یسوع مسیح.

پولس و مسیحیان روم

۸ نخست خدای خود را شکر می کنم به
وسیله یسوع مسیح برای همه شما، چون که
ایمان شما در سراسر جهان منتشر شده
است. ۹ زیرا خدا شاهد من است که او را
در روحم[o] در انجیل پسرش خدمت
می کنم[n]، چقدر پیوسته به یاد شما هستم،
۱۰ همواره در دعاهایم تمنا می کنم که شاید

j- ترجمه تحت‌اللفظی: فیض و رسالت به منظور اطاعت از ایمان در بین تمام مشرکان، از این عبارت نبایستی چنین استنباط کرد که از یک سو فیض و از سوی دیگر رسالت دریافته ایم. پولس رسالت خود را عطیه مخصوصی از فیض خدا می شمارد (ر.ک روم۱۲:۳؛ ۱۵:۱۵؛ ۱-قرن۳:۱۰؛ غلا۲:۸-۹).

k- ایمان، در پاسخ به انجیل (روم۱:۱ d) آدمی را کاملاً متعهد می کند بدین سبب همواره اطاعت است (ایمان که اطاعت است). ایمان متضمن آن است که آدمی آزادانه دربرابر خدایی که وفادار و حقیقی است سر فرود آورد، خدایی که با نو کردن آدمی فرصت می دهد تا از ارادهٔ او اطاعت نماید ر.ک روم۶:۱۵-۲۰. برای درک مجموعه نظریات پولس درباره ایمان ر.ک روم۱۰:۹ z.

l- همچنین می توان درک کرد: فراخواندگان به یسوع مسیح یعنی شما که ندای خدا را دریافته به یسوع مسیح تعلق دارید.

m- ترجمه تحت‌اللفظی: به مقدسان فراخوانده یا مقدسان به وسیله فراخواندن. ر.ک روم۱:۱ c؛ خروج۱۹:۵-۶؛ دان۷:۱۸؛ اع۹:۱۳؛ ۱-پطر۱:۱۶؛ ۲:۹-۱۰. برابر نوشته های عهد عتیق مقدس بودن عبارت از تخصیص یافتن و نذر شدن به خدا است. به عقیدهٔ نویسندگان عهد جدید آدمی را نه به سبب این که از نظر مذهبی یا اخلاقی کامل است مقدس می گویند بلکه بر اثر الهامی که خدا او را به عنوان عضوی از ملت متبارک فراخوانده و مأموریتی به او واگذار کند ر.ک ۱-قرن۱:۲. البته بدیهی است که این الهام مستلزم مقدس بودن زندگی است (روم۶:۱۹، ۲۲؛ ۲-قرن۱:۱۲؛ ۱:۷ و غیره). ر.ک روم۶:۱۹ l؛ ۱۵:۲۵ h.

n- ر.ک روم۱۵:۱۶ x.

o- روح. پولس این کلمه را در چهار معنی اصلی و مهم به کار می برد که عبارتند از: روح خدا یا روح القدس (بیش از ۲۰ بار در عبارات نامهٔ به رومیان)، روح انسان (در حدود ۱۵ بار در مجموع نامه های پولس و از جمله در اینجا)، روح دنیایی یا روح بدی که به صورتهای مختلف آمده است (روم۱۱:۸؛ ۱-قرن۲:۱۲؛ افس۲:۲؛ ۲-تیمو۱:۷). نَفَس نابود کنندهٔ خداوند (۲-تسا۲:۸ نقل قول از اش۱۱:۴). در اینجا به نظری اجمالی دربارهٔ اندیشهٔ پولس اکتفا می شود.

۱- گاهی به دشواری می توان تشخیص داد که در بعضی متون منظور از روح مفهوم این کلمه از نوع اول و یا دوم می باشد مثلاً در روم۱۲:۱۱ و حتی به عقیده بعضی از نویسندگان در روم۸:۴ (اطاعت از جسم یا از روح) یا در ۸:۵ (کسانی که برطبق جسم زندگی می کنند و کسانی که برطبق روح زندگی می نمایند؛ همچنین ر.ک ۲-قرن۶:۶؛ افس۴:۳ و غیره). مشکلی که در کار مترجمان غربی وجود دارد این است که کلمه روح به طور مختلف و نامنظم با حروف بزرگ یا حرف کوچک نوشته شده است و این اشکال مشکل بزرگتری ایجاد می کند بدین معنی که در نظر پولس رابطهٔ حقیقی بین روح خدا (یعنی روحی که از خدا می آید و خدا می دهد) و روح آدمی (که به هر فردی تعلق دارد) چیست؟ (روم۱:۹؛ ۸:۱۶؛ ۱-قرن۲:۱۱؛ ۵:۳-۴؛ غلا۶:۱۸؛ فی۴:۲۳؛ ۱-تسا۵:۲۳؛ فیل۲۵، و غیره). در ترجمه فارسی هرگاه این کلمه با حرف بزرگ نوشته شده است به فارسی به صورت روح (القدس) برگردانده می شود برخی از مفسران تأکید کرده اند که بین روح آدمی و روح خدا که آن را برانگیخت و هدایت می کند ارتباط عمیقی وجود دارد. برخی دیگر این نکته را یادآوری می کنند که پولس متوجه بوده است که این دو روح را از یکدیگر مشخص و متمایز نماید (مثلاً در روم۸:۱۶ ر.ک به ترجمهٔ متن). درپی آنچه در عهد عتیق آمده، پولس رسول کمتر دربارهٔ بستگی ذاتی بین روح خدا و روح آدمی اصرار ورزیده و بیشتر به اقتدار و تسلط کامل روح خدا بر روح انسان پرداخته است. وانگهی روح خدا نه فقط روح آدمی (روم۸:۱۶) و یا قلب او (روم۵:۵) را در اختیار می گیرد بلکه تمام وجود او را تصاحب می کند. روح القدس در مسیحیان (روم۸:۹) و حتی در جسم آنان جای گزیده (۱-قرن۶:۱۹) چنان که در کلیسا اقامت دارد (۱-قرن۳:۱۶). فعلی که جای گزیدن و اقامت داشتن ترجمه می شود در جزو کلمات دیگر اصلاً

الآن یا بعد، اگر فرصت مناسبی بیابم، به
خواست خدا نزد شما بیایم. [۱۱]زیرا اشتیاق
شدیدی به دیدار شما دارم تا به شما نعمتی
روحانی برای مقاوم ساختن شما[p] برسانم.
[۱۲]بلکه به وسیلهٔ ایمان یکدیگر که بین
شما و من است[q] در نزد شما با هم دلگرم
شویم. [۱۳]ای برادران نمی‌خواهم که بی خبر
باشید. بارها نیت کرده‌ام به نزدتان بیایم،
و تا کنون منع گردیده است، تا ثمره‌ای
چند از بین شما همچون از امت های دیگر
حاصل کنم. [۱۴]خود را مدیون هم یونانیان[r]
و بربرها، هم حکیمان[s] و جاهلان می‌دانم.
[۱۵]از این رو رغبت شدید من بر آن است
که برای شما نیز که در روم هستید نوید
دهم.

از عهد عتیق گرفته شده، حضور روح القدس را به صورت واقعی و حقیقی توصیف می نماید، (روح القدس خارج از کسی که در او جای گزیده است نمی ماند) ولی همواره از او متمایز است (یعنی هرگز با آنچه در آن اقامت نموده یکی نمی شود) و این نکته به همان گونه که در مورد جسم آدمی صادق است دربارهٔ جسم کلیسا می باشد.

۲- برابر نظریه پولس دامنهٔ عملیات روح خدا (یا روح مسیح: روم۸:۹؛ فی۱:۱۹؛ غلا۴:۶ و غیره) نامحدود است درصورتی که در نوشته های عهد عتیق و در انجیلها، روح القدس بیشتر اوقات در معجزه ها و نشانه های فوق العاده ظاهر می گردد، در اینجا سرتاسر زندگانی عادی کلیسا و ایمانداران را به حرکت درآورده، جان و توان می بخشد. روح القدس که در رستاخیز یسوع حضور داشته (روم۱:۴) چنان که در رستاخیز پایانی حاضر خواهد بود (روم۸:۱۱) در مقابل اسلوب عهد عتیق روش و هنجار عهد جدید را توصیف و مشخص می کند (غلا۳:۳؛ ۴:۲۹؛ حزق۳۶:۲۷)، ایمان را به وجود آورده، آن را تأیید می کند (۱-تسا۱:۵؛ ۸:۴؛ غلا۳:۲؛ ۱-قرن۱۲:۳)، نیایش و دعای فرزندی خدا را برمی انگیزد (غلا۴:۶؛ روم۸:۱۵-۱۶؛ افس۶:۱۸)، زندگانی جدید را در شادمانی (۱-تسا۱:۶؛ روم۱۴:۱۷) و محبت (غلا۵:۱۶-۲۵) به منظور حصول تقدس (۲-تسا۲:۱۳) ایجاد می نماید. به همین گونه در کلیسا تنوع موهبت های الهی و یگانگی آنها تظاهر همان روح القدس را بیان می کنند (۱-قرن۱۲) زیرا فقط یک جسم و فقط یک روح القدس وجود دارد (افس۴:۴) و چون سه نوع خدمات اساسی را که پولس ذکر نموده (رسولان، پیامبران، معلمان) روح القدس داده است می توان گفت که پایه و زیربنای کلیسا و همچنین عملیات اتفاقی و خارق العاده کلیسا (نظیر به زبانهای مخصوص سخن گفتن، نبوت، موهبت شفا دادن و غیره) نیز تظاهرات روح القدس می باشند.

۳- پولس رسول اکثراً مجبور شده بود دخالت کرده، وحدت روحی و معنوی (فی۲:۱-۲؛ ۱-قرن۳:۱-۴) و نظم را در کلیساها مستقر سازد. وی در انجام این عمل یادآوری می کرد که اگر زندگی روحی و معنوی از جریان زندگی یسوع مسیح منفصل گردد اصلیت و واقعیت خود را از دست می دهد. پولس در مرحلهٔ نخست مخصوصاً به قرنتیان یادآوری می کرد که اگر روح القدس آنان را از موهبت های خود سرشار کرده است بدواً برای رسالت داده شده است تا فیض هایی را که در یسوع مسیح به آدمیان عطا شده است شناخته، آنها را به دیگران بشناسانند (۱-قرن۲:۱۰-۱۶) و این امر رابطهٔ بین روح القدس، عمل تاریخی مسیح و خدمات کلیسایی را تصریح می کند. در مرحلهٔ دوم در نامه به رومیان نشان می دهد که روح آزادی، روح پذیرش فرزندی خدا و روح نیایش تضمین های (روم۸:۲۳) دنیای جدید می باشند و مسیحیان به وسیله او در زندگی مسیح برخاسته از مرگ سهیم می باشند (روم۸:۱۱) می توانند و موظفند با بردگی های شرع و جسمانی قطع رابطه نمایند و این امر رابطه بین روح القدس، رفتار کنونی ایمانداران و تجلیل نهایی آنان را تصریح می نماید.

p- همین فعل (مقاومت) در ۱-تسا۳:۲، ۱۳؛ ۲-تسا۲:۱۷، ۳:۳ آمده است.

q- در اینجا تکرار و توضیح اضافی ارادی می باشد.

r- پولس در این اظهارات مجموعهٔ بشریت را درنظر دارد که از امت های متمدن (یونانیان) و سایر امت ها (بربرها) تشکیل می شده است. بالعکس در بند ۱۶ از نظر مذهبی و علم الهی ملاحظه کرده، یهودیان یعنی قوم برگزیده را از سایر اقوام بشریت متمایز می سازد و آنها را (دارای هر درجه از فرهنگ باشند) با کلمهٔ یونانیان مشخص می نماید (رک ۱:۱۶، ۲:۹-۱۰، ۳:۹، ۱۰:۱۲...). یونانیان ملتهای دیگر را بربر می نامیدند و این کلمه ارتباطی با اقوام بربر آسیای مرکزی ندارد.

s- گاهی این کلمه را مردمان تحصیل کرده ترجمه می کنند ر.ک ۱:۲۲؛ ۱-قرن۱:۱۹-۲۰، ۲۵-۲۷.

عدالت خدا

۱۶زیرا از انجیل[t] شرمندگی ندارم، چون که قدرت خداست برای نجات هر ایماندار[u]، اول یهودی و سپس یونانی[v] است. ۱۷زیرا در آن عدالت خدا[w] به وسیله ایمان [و] برای ایمان[x] مکشوف می‌گردد برابر آنچه نوشته شده است: که عادل به وسیلهٔ ایمان خواهد زیست[y].

غلا ۳:۱۱؛ عبر ۱۰:۳۸

گناه مشرکان

۱۸چون که خشم خدا[z] از آسمان ضد هر بی‌دینی و بی‌عدالتی آدمیانی که راستی را اسیر بی‌عدالتی نگه می‌دارند مکشوف می‌گردد[a]. ۱۹زیرا آنچه را از خدا می‌توان شناخت برای ایشان آشکار است[b]: خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است. ۲۰زیرا از زمان آفرینش جهان [صفات] نامرئی او[c] یعنی قدرت جاودانی و الوهیت او به وسیله اعمالش درک و دیدنی شده اند[d]. پس

t- انجیل. ر.ک روم ۱:۱ d.

u- هر کسی که ایمان دارد. این کلمات محدود کننده نیستند بدین معنی که به نظر پولس دعوت به ایمان جنبهٔ جهانی دارد و به وسیله تبلیغ و گفتار هر فرد انسانی ممکن است به ایمان روی آورد ر.ک روم ۱۰:۱۴-۱۶.

v- ر.ک روم فصلهای ۹-۱۱ و مخصوصاً ۱۱:۱۱-۱۴ همچنین روم۲:۹-۱۰؛ اع۱۳:۴۶.

w- منظور عدالتی نیست که برابر اعمال اجر و مزد توزیع نماید بلکه عدالت نجات بخش خداست که وعده ها را بنا به لطف و مرحمت خود به انجام می‌رساند.

x- این عبارت را می توان از ایمان به ایمان ترجمه کرد. عبارتی مبهم می باشد و ترکیب مشابه آن در ۲-قرن۲:۱۶؛ ۳:۱۸؛ ۴:۱۷ آمده است. در مورد این قسمت از عبارت تفسیرهای متعددی پیشنهاد کرده اند مثلاً: از وفاداری خدا به ایمان ایماندار (بارت) (Barth)، از ایمان سخنران به ایمان شنونده، از ایمان کهن به ایمان نو (ترتولیان) (Tertulien)، از ایمان خالص به ایمان شکل یافته (توما آکویناس) یعنی از پیوستن سادهٔ نیروی ادراک تا به ایمانی که در محبت به دیگران شکفته شود. کالوین از پیشرفت مداومی که هر روز در هر ایمانداری به وجود آید سخن می گوید.

y- این جمله از متن یونانی حب۲:۴ نقل شده است و گاهی آن را چنین ترجمه کرده اند: آن که عادل است، به وسیله ایمان خواهد زیست و چنین استدلال می شود که انجیل اظهار عدالت خدا و قدرت خدا برای نجات ایماندار است. در این نقل قول که سخن از زندگی است انعکاسی از سرنوشت آدمی در پایان روزگار وجود دارد؛ برای مجموعه نظریات پولس درباره ایمان ر.ک روم۱۰:۹ z.

z- در عهد عتیق هم خشم خدا و عدالت نجات بخش او با هم آورده شده است (ر.ک میک۷:۹؛ صف۳:۱-۱۰) این دو موضوع در گفتارهای انجیل نیز به هم پیوسته اند. در نوشته های پولس ر.ک ۱-تسا۱:۱۰.

a- این فعل که نظیر بند ۱۷ به صورت زمان حال به کار برده شده آثار دائمی خشم الهی را در میان بشریت گناهکار توصیف می کند و فقط از تظاهر خدا در یسوع مسیح می توان به دامنهٔ آن پی برد.

b- برخی این جمله را چنین ترجمه می کنند: در ایشان آشکار است یعنی به وسیله نیروهای درونی ایشان. ولی با توجه به محتوای بقیه این فصل چنین تفسیری توصیه نمی شود.

c- ترجمه تحت اللفظی: چیزهای نامرئی او.

d- پولس اظهار می کند که اگر مشرکان خدا را شناخته اند (بند ۲۱) در پی این شناسایی رفتاری که نتیجهٔ آن باشد اتخاذ نکرده اند (پرستش، سپاسگزاری) بنابراین عذری ندارند (بند ۲۰) و مورد غضب خدا می باشند (بند ۱۸) سپس چنین استدلال کرده، نتیجه می گیرد (بندهای ۱۹ و ۲۰) که خدا به وسیله اعمال آفرینش خود را بر آدمیان آشکار ساخته است. در نخستین انجمن اسقفها در واتیکان (شورای اول واتیکان) با استناد به همین متن گفته شده بود گرچه ممکن است عملاً خدا را نشناسند ولی قاعدتاً با استدلال بشری مسلماً می توان شناخت (دنزینگر چاپ سی و دوم شماره های ۳۰۰۴-۳۰۰۵) و پروتستانها در اینجا مخصوصاً جنبهٔ جهانی دین را یادآوری کرده، می گویند شناخت واقعی خدای حقیقی در خارج از الهام مسیح غیرممکن است و احساسات طبیعی مذهبی آدمیان آنان را به سوی خرافات و گمراهی روحی می کشاند (ر.ک کالوین، کتاب نهاد I، ۱، ۲ و ۴).

عذری ندارند. ۲۱چون با شناختن خدا، نه او را به عنوان خدای شکوهمند شناخته اند و نه از او شکرگزاری کرده اند. برعکس در استدلالهای خود بیهوده شده و قلب بی ادراکشان تاریک گردیده است[e]. ۲۲با ادعای این که حکیم هستند ابله شده اند. ۲۳شکوه خدای زوال ناپذیر را با تصاویر نمایشگر آدم زوال پذیر، پرندگان، چهارپایان و خزندگان مبادله کرده اند[f].

خروج ۳۲: ۱۶:۴-۱۸؛ تث ۴:۱۶-۱۸؛ ار ۲:۱۱؛ حک ۱۱:۱۵؛ ۱۲:۲۴؛ ۱۴:۲۲-۳۱

۲۴بدین سبب خدا ایشان را به هوس های دلهایشان به ناپاکی رها کرده، [g] که در میان خود به جسمهای خود بی حرمتی کنند. ۲۵ایشان که حقیقت خدا[h] را با دروغ مبادله کرده، آفریده را به جای آفریننده ای خدمت و عبادت کرده اند که تا ابد متبارک است. آمین. ۲۶بدین سبب خدا ایشان را به شهوات ننگین رها کرده است زیرا زنانشان روابط طبیعی را با روابط برخلاف طبیعت مبادله نموده اند، ۲۷و همچنین مردان نیز روابط طبیعی با زن را ترک کرده، در تمایل شدید نسبت به یکدیگر سوخته، روابط شرم آور مرد با مرد داشته اند و کیفر در خور گمراهی خود را دریافت می نمایند. ۲۸و چون آنها شایسته ندانستند تا شناخت خدا را حفظ کنند؛ خدا آنها را به ذهن مردودشان رها کرد تا آنچه را روا نیست انجام دهند. ۲۹آنان که سرشار از هر بی عدالتی، شرارت، طمع و خباثت هستند؛ مملو از حسد، قتل، ستیزه جویی نیرنگ و بد خویی، سخن چینان، ۳۰بدگویان، متنفر از خدا، گستاخ، خودستا، لاف زنان، مبدعان شر، نافرمانان به والدین ۳۱بی ادراک، بی وفا، بی عاطفه و بی رحم هستند. ۳۲و با آن که حکم[i] عادلانه خدا را می شناسند که کسانی چنین اعمالی بکنند سزاوار مرگ هستند نه فقط این کارها را می کنند بلکه کسانی را که مرتکب آنها می شوند تأیید می نمایند.

افس ۴:۱۹

۱۳:۱۳؛ ۱-قرن ۵:۱۰-۱۱، ۹:۶-۱۰؛ غلا ۵:۱۹-۲۱؛ افس ۵:۳-۵؛ ۱-تیمو ۱:۹-۱۰؛ ۲-تیمو ۳:۲-۴؛ تیط ۳:۳؛ ۱-پطر ۴:۳؛ مکآ ۲۱:۸، ۱۵:۲۲

e- علم و دانش و احساسات مذهبی منجر به آن نشده است که آدمیان خدای زنده را تجلیل نمایند. این اظهارات از نوشته هایی گرفته شده که در دفاع از یهودیگری در برابر بت پرستی نگارش یافته است. در حک۱۳:۱-۹ این موضوع به تفصیل تشریح گردیده است: مشرکان که شگفتی های جهان را تحسین می کنند بایستی به این نتیجه می رسیدند که خالق آنها را بشناسند. باری، گنجینه هایی از علم را صرف کردند تا دربارهٔ آفرینش و اسرار آسمانی آن بررسی کرده، آنها را به مقام خدایی بشناسند ولی نخواستند خدای خالق را بشناسند بدین سبب در دیوانگی خود عذر و بهانه ای ندارند. همچنین ر.ک ۱-قرن۱:۲۱. آنچه قابل توجه است وضع پولس در برابر ادیان مشرکان می باشد که کاملاً جنبهٔ منفی دارد. پولس از اشتباهات و مبالغه های فاحش و زننده آنان استفاده می کند تا نشان دهد که مشرکان در برابر خدای انجیل گناهکار می باشند.

f- عطف به مز۱۰۶:۲۰ که اشاره به واقعه گوساله طلایی (زرین) است. پولس موضوع را گسترده و تعمیم داده و بتهای دیگر را ذکر کرده است و هدف او ملتهای دیگر بوده است.

g- این اصطلاح به دفعات در عهد عتیق آمده است (ر.ک داور۲:۱۴، ۳:۲۸؛ مز۱۰۶:۴۱) همچنین در بندهای ۲۶ و ۲۸ نیز می آید. باید دانست نپذیرفتن خدای واقعی و فرو رفتن در بت پرستی فقط وضع روحی و ذهنی نمی باشد زیرا نتایج اخلاقی این وضع به زودی فرا می رسد. هنگامی که بشریت دیگر خالق خود را نمی پرستد مثل این است که از محور اصلی خود منحرف شده باشد و به عقیده پولس این انحراف کیفر منصفانه نشناختن و نپذیرفتن خدا است.

h- منظور حقیقتی نیست که خدا اظهار کرده است بلکه خدای حقیقی است که در مقابل بتهای دروغی می باشد (ر.ک ار۱۰:۱۰-۱۴؛ ۱۹:۱۶-۲۱؛ ۱۵:۵۱-۱۹؛ ۱-تسا۱:۹).

i- احتمالاً منظور پولس قضاوت و داوری وجدان بشری است (ر.ک روم۲:۱۴-۱۶) و ممکن است منظور او قوانینی باشد که مقامات دنیوی وضع کرده اند: آنان در خدمت خدا هستند تا غضب او را نسبت به بدکار اظهار کنند (روم۱۳:۴).

داوری عادلانهٔ خدا

۲ [۱]از این روی ای انسان، هر کسی که
باشی، تو که داوری می کنی عذری
مت ۲:۷ نـداری؛ زیـرا بـا داوری کـردن دربـارهٔ
دیگری خودت را محکوم می کنی، چون تو
که داوری می کـنی همـان کـارهـا را انجام
می دهی. [۲]باری، می دانیم ضد کسانی که
چنین می کنند، داوری خدا بر طبق حقیقت
اعمال می شود. [۳]پس، ای انسان که دربارهٔ
آنان که چنین می کنند داوری می کنی و
خودت همانها را انجام می دهی، آیا تصور
می کنی از داوری خدا فرار خواهی کرد؟ [۴]یا
حک ۱۱:۲۳؛ ۲ـ پطر ۳:۹-۱۵ این که غنای مهربانی، گذشت و شکیبایی
او را حقیر می شماری، نمی دانی که مهربانی
خدا تو را به توبه[j] می کشاند؟ [۵]اما به سبب
سنگدلی تو و قلبی که توبه نمی کند[k] برای
خودت ذخیره ای از خشم جمع می کنی، برای
صف ۱:۱۴-۱۸؛ ۲ـ تسا ۱:۶-۱۰؛ مکا ۱۱:۱۸ روز خشم[l] که داوری منصفانه خدا پدیدار
خواهد شد، [۶]که به هر کس برابر اعمالش[m]
مز۶۲:۱۳؛ امث۲۴:۱۲؛ مت۱۶:۲۷؛ مکا۲:۲۳؛ ۱ـ پطر ۱:۷ باز پس خواهد داد: [۷]زندگی جاودان برای
آنان که با ثبات قدم در کار خیر، در پی
شکوه و افتخار و فسادناپذیری هستند؛ [۸]اما
به مردمان اهل مجادله که در برابر حقیقت
نافرمان و فرمانبردار بی عدالتی هستند،
خشم و غضب [باد]. [۹]اندوه[n] و اضطراب
اش ۸:۲۲ برای جان هر کسی[o] که بد می کند، بدواً
۱:۱۶؛ ۳:۹ بـرای یـهـودی و سـپس بـرای یـونـانی[p]؛
[۱۰]شکوه و افتخار و آرامش بر هر کسی که
نیکی می کند، بدواً بر یهودی و سپس بر
یونانی؛ [۱۱]زیرا پیش خدا[q] تبعیضی وجود
ندارد. [۱۲]زیرا همه آنان که بدون قانون
گناه کرده اند، نیز بدون قانون[r] از بین

j- کلمه یونانی را که به توبه برگردانده شده می توان به مفهوم ندامت، پشیمانی از گناه، تغییر عقیده، تغییر روحیه ... ترجمه کرد. نخستین مسیحیان این کلمه را در موارد زیر بکار می بردند: گاهی (نظیر این مورد) با توجه به اشتقاق کلمه و منحصراً ریشه یونانی آن به معنی تغییر روحیه است ولی هرگز به مفهومی که گاهی در بین یونانیان بکار می رفته یعنی تغییر رأی نمی باشد؛ بلکه به علت روحیه ملت های سامی به معنی حرکتی است که تمام وجود آدمی را شامل می شود. گاهی این کلمه با توجه به اینکه هنوز اثری از ریشهٔ کلمه عبری دارد به معنی برگشتن و عمل تغییر هدف و تغییر مسیر می باشد. بنابراین توبه عبارت از لطف و مرحمتی است که در یسوع مسیح به آدمیان اعطا شده است تا از بدی روی گردان شده، به سوی خدا روی آورند. در این متن نیکی و احسان خدا به سوی توبه هدایت می نماید.

k- در بند قبلی همین کلمهٔ یونانی به توبه برگردانده شده است بنابراین ترجمه تحت اللفظی در اینجا «قلب بی توبه» است.

l- یعنی داوری واپسین. ر.ک حزق۷:۱۹؛ صف۲:۲-۳؛ مکا۶:۱۷.

m- مز۶۲:۱۳؛ ر.ک مت۱۶:۲۷ x.

n- اندوه. برای توضیح دربارهٔ مفاهیمی که این کلمه در نوشته های عهد عتیق دارد ر.ک روم۵:۳ c. در اینجا معنی کلمه نزدیک به مفهومی است که در نوشته های یهودیان معاصر مسیح به کار رفته یعنی مصیبت هایی که در واپسین روزگار برای کافران منظور شده است.

o- ترجمه تحت اللفظی: برای هر نفس انسانی.

p- همین عبارت در روم۱:۱۶ و ۲:۱۰ آمده است. ر.ک اع۳:۲۶؛ ۱۳:۴۶.

q- ترجمه تحت اللفظی: به نزد خدا. یعنی برای کسی رجحان (یا رعایت) وجود ندارد. این عبارت یونانی اصلاً در عهد عتیق به کار برده شده است. ر.ک لاو۱۹:۱۵؛ تث۱۰:۱۷؛ اع۱۰:۳۴؛ غلا۲:۶؛ افس۶:۹؛ کول۳:۲۵؛ یع۲:۱؛ ۱-پطر۱:۱۷.

r- در این قسمت (بندهای ۱۲-۱۴) پولس می خواهد نشان دهد که از نظر مُجرمیت، قانون موسی تفاوت اساسی بین یک فرد یهود و یک فرد مشرک قائل نمی شود و هر دو گناهکار و مورد خشم خدا هستند. یهودیان برطبق قانون موسی داوری و محکوم خواهند شد زیرا از این قانون تخلف کرده اند (بندهای ۱۲؛ ۱۷-۲۴). وقتی که پولس اظهار می کند مشرکان قانون ندارند (بندهای ۱۲، ۱۴) منظورش این است که ارادهٔ خدا را به وسیلهٔ قانونی الهی که نظیر قانون موسی الهام شده باشد نمی شناسند. در این مورد نظر پولس، قانون بشری، اعم از قانونی جزایی یا مدنی نیست بلکه رأی و قضاوت وجدان است که در دل آدمی نوشته شده است و به جای قانون موسی به شمار می آید (بند۱۵). در معنی محدود این کلمه می توان گفت که در اینجا سخن از «قانون طبیعی» است.

خواهند رفت؛ و همهٔ آنان که با قانون گناه
کرده‌اند به وسیله قانون داوری خواهند شد.
[۱۳]درحقیقت آنان که قانون را می‌شنوند به
مت ۷:۲۱؛ یع ۱:۲۲-۲۵ نزد خدا عادل نیستند؛ کسانی عادل خواهند
شد که به قانون عمل می‌کنند. [۱۴]بنابراین،
امت هایی که قانون ندارند و به حسب آنچه
اع ۱۰:۳۵ را قانون مقرر کرده[s] عمل می‌کنند آنان
بدون داشتن قانون، خودشان قانون هستند؛
[۱۵]زیرا نشان می‌دهد، عمل قانون در
۱:۳۲ قلبشان نوشته شده، همچنین وجدانشان نیز
شاهد می‌آورد[t] و افکارشان در میان
یکدیگر متهم یا دفاع می‌کند[u]. [۱۶] در
۱ـ قرن ۵:۴ روزی که بر طبق انجیل من، خدا به وسیله
مسیح یسوع اسرار مردمان[v] را داوری خواهد
کرد.

نافرمانی اسرائیل

[۱۷]اما اگر تو که خود را یهودی[w] می‌نامی
اش ۴۸:۱-۴؛ مت ۳:۸-۹؛ یو ۸:۳۳-۳۹ و بر قانون تکیه داری و به خدا تفاخر
می‌کنی، [x] [۱۸]ارادهٔ او را می‌دانی و به وسیله
قانون آموزش یافته و نیز چیزهای بهترین را
مت ۱۵:۱۴؛ یو ۹:۴۰-۴۱؛ مت ۲۳:۲؛ لو ۱۸:۹-۱۲؛ یو ۳:۱۰ بر می‌گزینی، [۱۹]اطمینان داری خود
راهنمای نابینایان، نور ظلمتیان، [۲۰]مربی
نادانان[y]، آموزگار کودکان، در قانون مظهر
دانش و حقیقت هستی؛ [۲۱]پس تو که
مز ۵۰:۱۶-۲۱ دیگری را تعلیم می‌دهی، خودت را تعلیم
نمی‌دهی؟ تو که موعظه می‌کنی که نباید
دزدی کرد، می‌دزدی؟ [۲۲]تو که می‌گویی
زنا نکنند، زنا می‌کنی؟ تو که از بتان
نفرت داری معبدها[z] را غارت می‌کنی؟
[۲۳]تو که به قانون تفاخر می‌کنی، با تخلف
از قانون، خدا را بی‌حرمت می‌سازی؟ [۲۴]
یع ۲:۷؛ ۲ـ پطر ۲:۲؛ ار ۹:۲۴-۲۶؛ ۱-قرن ۷:۱۹؛ غلا ۵:۳-۶ پس برابر آنچه نوشته شده است: به علت
شما نام خدا در بین امت ها[a] به کفر برده
می‌شود. [۲۵]البته اگر به قانون عمل می‌کنی

s- ترجمه تحت‌اللفظی: چیزهای قانون.
t- می‌توان گفت که وجدانشان به این عمل که قانون مقرر کرده است گواهی می‌دهد. یا این که به خود مشرکان گواهی می‌دهد.
u- تفسیر این متن دشوار است و ممکن است چنین ترجمه و تعبیر کرد: به همان گونه که قضاوت‌های درونی، سرزنش یا ستایشی که بعضی نسبت به دیگران دارند.
v- ترجمه تحت‌اللفظی: چیزهایی که از آدمیان پنهان است. احتمالاً این بند به بند ۱۳ مربوط می‌شود و برای این که این ارتباط نشان داده شود جمله [چنین خواهد شد] را که در متن یونانی وجود ندارد به آن افزوده‌اند.
w- ر.ک غلا۲:۱۵؛ فی۳:۵.
x- ترجمه تحت‌اللفظی: تو در خدا مباهات می‌کنی. ر.ک ۲:۴ d.
y- ترجمه تحت‌اللفظی: بدون شعورها. این کلمه که تقریباً در هریک از صفحه‌های کتب قوانین عهد عتیق آمده در توصیف کسی است که وجود خدا و مخصوصاً اقتدار او را نمی‌پذیرد (مز۱۴:۱) و به همین دلیل به تمایلات ناپسند خود میدان می‌دهد (امث۱۰:۲۳) و بنابراین مقبول خدا نخواهد بود (جا۵:۳). این شخص مشرکی است که از حالت فساد خود آگاه بوده و به آن می‌بالد. کلمه‌ای که در لو۱۲:۲۰ و ۱-قرن۱۵:۳۶ آمده است خیلی نزدیک به این معنی است: آدمی که به هیچ وجه توجهی به قدرت خدای قادر متعال ندارد، خدایی که قادر است مژده را دوباره جان بدهد. در این مورد پولس این صفت را در معنایی به کار می‌برد که اندکی تفاوت دارد زیرا در مورد اشخاصی است که نیاز به آموزش دارند. بدین سبب کلمهٔ «نادانان» پیشنهاد شده است. ضمناً عبارت طولانی بندهای ۱۷-۲۰ ناتمام مانده است.
z- بدون شک منظور تجارت یا خرید و اختفای بُتها یا اشیاء نذری است که مشرکان به معابد خود تقدیم می‌کردند. در ورای مطالبی که پولس خطاب می‌کند می‌توان اشارهٔ به تث۷:۲۵ را تشخیص داد.
a- ترجمه از متن یونانی اش۵۲:۵ که موضوع اظهارات پیامبرانه معروفی است. ر.ک حزق۳۶:۲۰-۲۲.

ختنه کردن مفید است[b] ولی اگر از قانون تخلف می کنی ختنهٔ تو نامختونی می شود. ۲۶پس اگر [شخص] ختنه نشده‌ای دستورات قانون را رعایت کند آیا نامختون بودن او ختنه شدن به شمار نخواهد رفت؟ ۲۷و آن کسی که جسماً* ختنه نشده نیز قانون را به کار می بندد[c]، دربارهٔ تو قضاوت خواهد کرد، تو که با وجود نوشته و ختنه شدن، متخلف از قانون هستی. ۲۸زیرا یهودی آن کسی نیست که چنین به نظر می‌آید و ختنه آن چیزی نیست که در جسم به نظر می‌رسد. ۲۹بلکه آن کسی یهودی است که در درون خود چنین است و ختنه قلبی است، چیزی که مربوط به روح است نه به لفظ[d]. و این شخص ستایش خود را نه از مردمان بلکه از خدا دریافت می کند.

اع ۷:۵۱؛ افس ۲:۱۱؛ فی ۳:۲-۷؛ کول ۲:۱۱

۶:۷؛ ۲ـ قرن ۳-۶

جنبهٔ همگانی نافرمانی

۳ ۱پس برتری یهودی چیست؟ یا فایدهٔ ختنه چیست؟ ۲بسیار از هرجهت؛ نخست زیرا پیامهای[e] خدا به ایشان سپرده شده است. ۳پس چگونه است: اگر بعضی از آنان بی وفا شده‌اند، آیا بی وفایی ایشان وفاداری خدا را زایل خواهد کرد؟ ۴هرگز! بلکه خدا راستگو شناخته شود[f] و هر انسانی دروغگو، چنان که نوشته شده است: تا در سخنانت عادل شناخته شوی و چون تو را داوری می کنند[g] پیروزمند باشی. ۵ولی اگر بی عدالتی ما عدالت خدا را ثابت می کند، چه خواهیم گفت؟ آیا خدا که خشم می گیرد بی عدالت است؟ (بسان آدمیان سخن می گویم[h].) ۶هرگز چنین نیست! در این

۵-۴:۹

تث ۴:۶-۸، ۳۲:۷-۱۱؛ مز ۱۴۷:۱۹-۲۰، ۱۰۳:۷؛ یو ۴:۲۲

۹:۶؛ ۱۱:۲۹؛ مز ۸۹:۳۱-۳۸، ۱۰۰:۵، ۱۱۹:۸۹-۹۰؛ هو ۱-۳؛ ۱ـ یو ۱:۹؛ مکا ۱۹:۱۱

مز ۱۱۶:۱۱؛ یو ۳:۳۳؛ ۶:۱۹؛ غلا ۳:۱۵؛ روم ۱:۱۷-۱۸

b- ختنه کردن که نشانهٔ پیمان اتحاد بین خدا و قوم اوست موجب افتخار مشروع یهودیان بوده است. ضمناً نبایستی اشتباه کرد تصور بر این که ختنه کردن تضمین مسلم نجات است و مباهات کردن به آن نشانهٔ تعلق به ملت برگزیده است امری متفاوت است که به سهولت ممکن است چنین تصوری پیش آید. پولس اکثراً هموطنان خود را ملامت می کند که این نکته را درک نکرده، به جسم اعتماد می کنند (فی۳:۳-۷). در اینجا استدلال به طریق دیگری است و مفهوم دیگری دارد و پولس مخصوصاً در مورد بی منطقی و مجرمیت یهودیان اصرار می نماید که با وجود ختنه شدن از خدا اطاعت نمی کنند.

c- در اینجا منظور فرد مسیحی نیست که قبلاً مشرک بوده است چنان که تعداد زیادی از مفسران پیشنهاد کرده‌اند بلکه با توجه به اوضاع و احوال این متن، موضوع دربارهٔ فرد مشرکی است که طبیعتاً اعمالی را که تورات مقرر داشته انجام می دهد (ر.ک ۱۴:۲). همین نظریه در انجیلها ذکر شده است مت۱۲:۴۱؛ لو۱۱:۳۲.

d- ر.ک مت۶:۴، ۶، ۱۸. در عهد عتیق نیز در تشریح این نظریه که ختنهٔ واقعی موجب وفاداری به خداست از ختنهٔ قلبی سخن گفته شده است (ر.ک ار۴:۴؛ ۹:۲۵؛ تث۱۰:۱۶؛ ۳۰:۶) این نظریه که برای ختنه جنبهٔ روحانی قایل شده باشند در بین دستجات زیادی از یهودیان تعلیم داده می شد. مخصوصاً یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می کردند (دان۳:۳۸-۴۰؛ بنسی۳۵:۱-۱۰، به گواهی فیلون در قرن اول میلادی و گواهی ژوستین در قرن دوم میلادی مراجعه کنید).

e- کلمهٔ یونانی که در این مورد به کار رفته است و پیام ها ترجمه کرده‌ایم در حقیقت به معنی سخنان کوتاهی است که از غیب می‌رسد و در نوشته های یونانی بیشتر به همین مفهوم به کار می‌رود ولی با توجه به ریشه و اشتقاق کلمه می توان «سخنان» ترجمه کرد و به مفهوم آن چه خدا گفته است یعنی فرمانها، وعده های خدا و آنچه از زبان پیامبران گفته است می باشد. ر.ک اع۷:۳۸؛ عبر۵:۱۲؛ ۱-پطر۴:۱۱.

f- در اینجا راستی و راستگوئی به معنایی است که در کتاب مقدس آمده است و بیشتر به مفهوم پایداری خدا در وفای به عهد و پیمان است و برخلاف سستی و عدم وفاداری آدمیان می باشد. ر.ک مز۱۹:۱۰؛ دان۴:۳۷؛ مکا۳:۷؛ ۶:۱۰.

g- مز۵۱:۶ ترجمه یونانی.

h- ترجمه تحت اللفظی: بنابر انسان.

* ترجمه تحت اللفظی: و آن کسی که به طبیعت ختنه نشده است.

صورت خدا دنیا را چگونه داوری خواهد
کرد؟[i] ۷ ولی اگر به وسیله دروغ من راستی
خدا برای شکوه او افزون می شود، پس
چرا من همچون گناهکاری داوری خواهم
شد؟ ۸ چنانکه به ما افترا زده و برخی ادعا
می کنند ما چنین می گوییم که آیا بدی
۱:۶، ۱۵ نمی کنیم تا خوبی حاصل گردد؟ محکومیت
ایشان رواست[j]. ۹ پس چگونه است؟ آیا ما
۱۸:۱-۲۴:۲، برتری داریم[k]؟ به هیچ وجه[l]! زیرا پیشتر
۱۱:۳۲؛ غلا ۳:۲۲ ادعا کردیم که یهودیان و یونانیان همگی
بنسی ۱۷:۲۰؛ زیر گناه هستند. ۱۰ چنان که نوشته شده
۱- یو ۱:۸-۱۰ است:

هیچ فرد عادلی وجود ندارد، حتی یک
نفر،
۱۱ کسی نیست که دریابد، کسی نیست
که خدا را بجوید
۱۲ همه گمراه شده اند، همه با هم فاسد
شده اند.
کسی نیست که خوبی بکند حتی نیست
یک نفر[m]
۱۳ گلویشان قبر گشوده!
با زبانهای خود نیرنگ به کار می برند.
زهری از افعی ها به زیر لبهای ایشان
است،[n]
۱۴ دهانشان انباشته از نفرین و تلخی[o]
است.
۱۵ پاهایشان برای ریختن خون چالاک امث ۶:۱۸
هستند؛
۱۶ در راههایشان ویرانی و بیچارگی
است.
۱۷ و راه صلح را، ایشان نمی شناسند[p]. لو ۱:۷۹
۱۸ در برابر چشمانشان ترس خدا
نیست[q].
۱۹ باری می دانیم که آنچه قانون ۲:۱۲؛ ۳:۹؛
می گوید[r]، به کسانی خطاب می کند که پید ۶:۱۱-۱۲
تابع قانون هستند، تا هر دهانی بسته شود و
همه دنیا تحت داوری خدا درآید. ۲۰ زیرا ۴:۱۵؛ ۷:۷؛
بر طبق اعمال قانون [تورات] هیچ تنی در غلا ۲:۱۶

i- بنا بر منطق بشری چنین برمی آید که خدا نمی تواند بر گناهکاری خشم گیرد زیرا شخص گناهکار با گناه خود عظمت عدل الهی را آشکار می کند. بنابراین نتیجه گرفته می شود که خدا نمی تواند داور مطلق دنیا باشد ولی به نظر پولس چون این نتیجه گیری را نمی توان پذیرفت مقدمه های این استدلال هم اشتباه است. در این که گناه موجب ظهور عدالت خدا شود مانع از آن نیست که گناه تابع خشم خدا و داوری او باشد.

j- این عبارت اشاره به ایراداتی است که مسیحیان یهودی الاصل به تعبیری که پولس از انجیل داشت می گرفتند که برمبنای لطف و فیض الهی می دانست. این دو ایراد مجدداً در روم۱:۶ و ۱۵:۶ ذکر شده و دربارهٔ آنها بحث گردیده است.

k- البته در این جا منظور از «ما» یهودیان است.

l- در نخستین بندهای فصل سوم، پولس موضوع امتیاز و برتری یهودیان را مطرح ساخته، برتری که واقعی است زیرا خدا آنان را در طرح نجات خود متمایز نموده است. حتی بی وفایی ملت برگزیده موجب شده است نشان داده شود چه عطایای عالی دریافت کرده بودند ولی قوم بنی اسرائیل به سبب این بی وفایی گناهکارانه در ردیف مشرکان قرار می گیرد. همهٔ آدمیان تحت تسلط گناه هستند و درنظر خدا تعلق یا عدم تعلق به ملت برگزیده موجب امتیاز و برتری نمی باشد. ترجمه دیگر مطلقاً نخیر.

m- مز۱۴:۱-۳ ترجمه یونانی = مز۵۳:۲-۴ ترجمه یونانی.

n- مز۵:۱۰ ترجمه یونانی؛ ۴:۱۴۰.

o- مز۱۰:۷ ترجمه یونانی.

p- اش۵۹:۷-۸.

q- مز۳۶:۲.

r- در اینجا منظور از کلمه قانون مجموعهٔ عهد عتیق است چنان که در ۱-قرن۱۴:۲۱، ۳۴ نیز به همین مفهوم می باشد. به نظر پولس رسول قانون [تورات] به عنوان پیام انبیا ارزش داد. محکومیت مشرکان قبلاً پذیرفته شده بود و اکنون موضوع محکومیت یهودیان است و چنین نتیجه گرفته می شود: تمام دنیا در مقابل خدا مجرم است.

برابر او تبرئه نخواهد شد[s]؛ زیرا از قانون [فقط] شناخت گناه می‌آید[t].

تحقق عدالت به‌وسیلهٔ ایمان

۱:۱۶-۱۷؛ ۱-یو ۴:۹-۱۰

[۲۱]ولی اکنون بدون قانون [تورات] عدالت خدا ظاهر شده است که قانون و انبیاء به آن شهادت می‌دهند، [۲۲]اما عدالت خدا به وسیلهٔ ایمان دریسوع مسیح[u] برای کلیه کسانی است که ایمان دارند. زیرا تفاوتی وجود ندارد؛ [۲۳]چون همگی گناه کرده اند و از شکوه[v] خدا محروم هستند. [۲۴]به فیض او به رایگان تبرئه[vv] شده اند[w]

۱:۵؛ ۲-قرن ۵:۱۹؛ افس ۲:۴-۱۰

s- مز۱۴۳:۲.

t- ترجمه تحت‌اللفظی: زیرا به وسیله قانون شناخت گناه (ر.ک روم۷:۴ q).

u- برخی ترجمه می کنند: به وسیله ایمان به یسوع مسیح. ر.ک غلا۲:۱۶ b.

v- شکوه و جلال به معنایی که در کتاب مقدس آمده به عنوان تظاهر و ابلاغ تقدس و جلال الهی است. حضور او در میان قوم در درون خیمه مخصوص در صحرای سینا (خروج۴۰:۳۴-۳۵) و در معبد بیت‌المقدس (۱-پاد۸:۱۱) یکی از امتیازات قوم بنی اسرائیل می باشد (روم۹:۴). قوم بنی اسرائیل به سبب گناه از حضور این شکوه محروم شده بوده (حزق۱۰:۱۸-۱۹؛ ۱۱:۲۲-۲۳) ولی در دوران مسیحایی این شکوه باز خواهد گشت (حزق۴۳:۱-۹) و یکی از ویژگی های جامعهٔ جدید، مقدس و تطهیر شده خواهد بود (اش۶۰:۱)؛ این شکوه همه ملت‌ها را جلب خواهد کرد که به سوی او براه خواهند افتاد. (اش۶۰:۳) پولس موضوع محرومیت از این شکوه و عطای آن را در مورد همهٔ آدمیان تعمیم می‌دهد و آن را به شخص مسیح و عمل او مربوط می سازد. یسوع صاحب شکوه است (۱-قرن۲:۸). شکوه خدا بر روی چهره مسیح است (۲-قرن۴:۶) زیرااو تصویر خدا است (۲-قرن ۴:۴)همهٔ مردمان به وسیلهٔ گناه خود از این شکوه محروم هستند (روم۳:۲۳) ولی آن به وسیله یسوع مسیح به ایمانداران ابلاغ شده است و در انتظار شکوه کامل که در پایان روزگار می باشد (روم۸:۱۸، ۲۱، ۳۰) از هم اکنون پیشاپیش از آن بهره مند می باشند زیرا به تصویر مسیح تغییر یافته اند (۲- قر۳:۱۸).

vv- این کلمه که گاهی به عدالت شناختن، عادل شناختن، ... ترجمه می شود از ریشه یونانی کلمه عدل مشتق می گردد ولی در حقیقت به معنی عبور یک فرد از مرحلهٔ گناه و محکومیت به مرحله رستگاری می باشد و در این متن به کلمات تبرئه و برائت برگردانده شده است.

w- کلمهٔ یونانی که به صورت فعل است و در اینجا به تبرئه کردن ترجمه شده است، همچنین مشتقات این کلمه به صورت اسم لااقل چهل بار در نامه به رومیان به کار برده شده است. ضمناً در سایر نامه ها مخصوصاً نامه به غلاطیان و نامه به فیلیپیان نیز آمده است. پولس رسول موضوع را در چهار جهت مهم و اساسی تشریح می کند:

۱- خدا عادل است (روم۱:۱۷؛ ۳:۵، ۲۱، ۲۶؛ ۱۰:۳؛ ۲-قرن۵:۲۱) بدین معنی که نسبت به خود و مشیتی که دربارهٔ نجات آدمیان داشته وفادار است: بنابراین بیش از آنکه جنبهٔ توزیعی داشته باشد عدالتی مطلق، فرمانروایانه و نجات بخش است، و عامل ثابت و دائمی عمل تاریخی خدا می باشد، و بدین گونه نشان می دهد که چیست؛ این عدالت در یسوع مسیح به انسان متظاهر (پدیدار) شده و به وسیله انجیل ابلاغ گردیده است (روم۱:۱۷).

۲- این عدالت عملاً دربارهٔ انسان گناهکار انجام می شود (روم۳:۲۳-۲۴) انسانی که به سبب گناه خود مورد خشم خدا است (روم۱:۱۸؛ ۲:۵). این عدالت در داوری ملاطفت‌آمیز خدا به نقطه اوج خود می رسد و ایجاب نمی کند مگر اینکه آدمی با فروتنی آن را بپذیرد، یعنی اطاعت از ایمان(روم۱:۵). بنابراین هرگونه تبرئه ای که منشأ آن خود آدمی باشد مردود است (روم۳:۱۹-۳۰؛ ۴:۲-۱۰؛ ۹:۳۰-۳۱؛ ۱۰:۳-۴؛ غلا۲:۱۶؛ فی۳:۶-۹).

۳- با این همه عمل رایگان خدا که آدمی را تبرئه می کند در او زندگی تازه‌ای ایجاد می نماید و مسیح که این عدالت رایگان را به انسان ابلاغ می کند در وجود او زندگی روح‌القدس (روم۸:۲) وتقدس را (۱-قرن۱:۳۰) افتتاح می نماید. کسی که به عدالت شناخته شده به خدمت عدالت درمی‌آید که عبارت از زندگی کردن به نوعی است که مورد تصویب خدا (روم۶:۱۳-۲۰) است و ثمره های شکوه خدا را دربر دارد (روم۷:۴؛ فی۱:۱۱).

۴- نکته دقیق تر موضوع ارتباط این تبرئه رایگان و نخستین با داوری نهایی است. از یک سو رسول اکثراً دربارهٔ اهمیت اعمال، تبعیت از قانون محبت و داوری اصرار می کند که در آن هرکسی برطبق کارهای خود داوری خواهد شد (روم۲:۵-۶، ۱۲-۲۷؛ ۱۴:۱۰-۱۲؛ ۲-قرن۵:۱۰). از سوی دیگر در موارد اساسی که از این داوری، یاد کرده است اعتماد خود را برپایه و مبنای اعمال قرار نداده بلکه بر خدایی اعتماد می کند که تبرئه می نماید و بر مسیح که مرده و برای همه شفاعت می نماید (روم۸:۳۰-۳۹؛ فی۳:۸-۱۴).

به موجب بازخریدی[x] که در مسیح یسوع
است، [۲۵] که خدا [او را] به عنوان مقام
آمرزش[y] به وسیله خون او و به طریق ایمان
عرضه نموده است. بدین گونه عدالت خود
را آشکار کرد زیرا در تحمل خویش،
گناهان قبلی را بی کیفر گذاشت. [۲۶] [یعنی]
در زمانی که خدا چشم پوشی می کرد؛
بنابراین عدالت خود را در حال حاضر نشان
می دهد درحالیکه هم خودش عادل است و هم
کسی را که به یسوع ایمان دارد[z] تبرئه

لاو ۱۶:۱۲-۱۶؛ عبر۹:۱-۵،۱۵؛ ۱-یو۲:۲؛ ۴:۱۰؛ افس ۱:۷

اع ۱۷:۳۰

x- واژه یونانی که به صورت اسم در این مورد بکار رفته نُه بار در عهد جدید آمده است. و فعلی که از همین کلمه مشتق می شود بارها در نوشته های عهد عتیق بکار برده شده است و به معنی آزادی، خلاصی و رهایی است که خدا به قوم خود عطا کرده است: مثلاً رهایی از بردگی در مصر (تث۷:۸؛ ۱۵:۱۵ و غیره) آزادی از اسارت در بابل (اش۴۱:۱۴؛ ۴۳:۱ و غیره) و یا به معنی عمیق تر رهایی از گناه (مز۱۳۰:۸). این آزادی مسیحایی در یسوع مسیح تحقق پذیرفته است (۱-قرن۱:۳۰؛ کول۱:۱۴) و عبارت از بخشایش گناهان است (کول۱:۱۴؛ افس۱:۷) و هدف آن تشکیل ملتی جدید است که به خدا تعلق دارد (افس۱:۱۴؛ ر.ک خروج۱۹:۵) درصورتی که قبلاً بردهٔ گناه و مرگ بوده است (روم۶:۶، ۲۰، ۲۱) این رهایی هدیه رایگانی است که خدا به آزادی مطلق در یسوع مسیح عطا می کند (افس۱:۷). فرد ایماندار به وسیله مرگ و رستاخیز مسیح از هم اکنون از این بخشایش بهره مند می باشد (روم۳:۲۴؛ کول۱:۱۴؛ افس۱:۷؛ ۱-قرن۱:۳۰) ولی این رهایی فقط در پایان روزگار به صورت قطعی و کامل درخواهد آمد. (افس۱:۱۴) و شامل جسم آدمی خواهد شد (روم۸:۲۴) چنانکه کلیه آفرینش را دربر خواهد گرفت (روم۸:۲۲). در واژه ای که پولس برای رهایی بکار می برد کلمه فدیه یعنی بهایی که برای آزادی زندانی یا برای بازخرید اسیر می پردازند مستقر است و در ریشهٔ آن وجود دارد و این نکته از فکر و اندیشهٔ رسول بیرون نیست ولی برای جنبه های مختلف آن ارزشهای متفاوتی قائل است. پولس اکثراً اظهار می کند که فرد مسیحی خریداری یا بازخرید شده است (۱-قرن۶:۲۰؛ ۷:۲۳؛ غلا۳:۱۳؛ ۴:۵) ولی این اصطلاح بیش از هرچیز بدان معنی است که فرد مسیحی به خدا تعلق دارد و از بردگی و اسارت گناه و مرگ رها شده است. اگر بهای این بازخرید را یادآوری می کند (۱-قرن۶:۲۰؛ ۷:۲۳) برای آن است که در مورد گرانبها بودن این بازخرید اصرار کند به طوری که خدا در محبت خود تردیدی نداشته و پسر خودش را تسلیم کرده است (روم۵:۸؛ ۸:۲۳): بدین معنی که بهای این بازخرید خون یسوع یعنی زندگی او است که به وسیله محبت تسلیم گردیده است (افس۱:۷؛ ر.ک ۱-پطر۱:۱۹). ولی در این تشبیه فراتر نرفته است: بدین معنی که جنبه معامله و کسی که به او فدیه پرداخته می شود در ابهام باقی مانده است. اما در این که خدا چگونه بازخرید ما را در مسیح انجام می دهد، پولس آن را هم به کمک عبارات قضایی بیان می کند (روم۸:۳ با فرستادن پسر خود در موقعیت جسم گناهکار ما خدا گناه جسمانی را محکوم کرده است؛ ر.ک همچنین به ۲-قرن۵:۲۱ و غلا۳:۱۳) و هم با اصطلاحاتی که در قربانیها به کار می رود (۳:۲۵؛ کفاره ۸:۳: قربانی برای گناه) و بالاخره با کلماتی که در مشارکت بکار برده می شود (۶:۴-۱۰: اگر ما کاملاً سهیم و مشابه در مرگ او بوده ایم به همان گونه در رستاخیز او سهیم خواهیم بود، بند۵). در اینجا موضوع این نیست که از بین این سه نوع عبارت کدام را انتخاب نمود، بلکه ارزش هرسه نوع را تشخیص داده، شاید آنهایی را که جنبهٔ قربانی دارند ترجیح داده است مثلاً اینکه می گوید: مسیح به وسیله قربانی خود با بشریت گناهکار شریک و وابسته گردیده، سرور بشریت جدیدی می شود که در زندگی او شریک است درحالی که خود را به خدا تقدیم نموده، به سبب محبت به خدمت آدمیان درآمده است. (ر.ک افس۵:۱-۲؛ روم۱۲:۱) ر.ک یادداشت های مربوط به روم۳:۲۵؛ ۶:۷، ۱۰؛ ۷:۴؛ ۸:۳، ۴).

y- ترجمه تحت اللفظی: که خدا قرار داده است آمرزشی. کلمهٔ یونانی که در اینجا وسیلهٔ آمرزش ترجمه شده است در ترجمه یونانی عهد عتیق وسیله اجرای مراسم مذهبی در معبد بیت المقدس، محل پاشیدن خون قربانی ها در عید سالیانه کفاره می باشد. درطی این مراسم گناهان قوم اسرائیل بخشیده می شده است (لاو۱۶). بنابراین پولس در این مراسم تمثیلی (تصویری) از قربانی مسیح را می بیند. مسیح به وسیلهٔ خون خود یعنی تقدیم قربانی خود، بخشایش خدا به وسیله ایمان را به ما ابلاغ می نماید و فقط به وسیله ایمان می توانیم از این بخشایش و از این نجات بهره مند شویم. مفسران دیگری این کلمه را به صورت اسم معنی (وسیله استغفار) و بدون اشاره به وسیله آمرزشی معبد بیت المقدس تعبیر می نمایند.

z- صلیب مسیح نشان می دهد که عدالت خدا در دوران گذشته چه بوده است (عدالتی نجات بخش که به فیض خود وعده ها را تحقق می بخشد ر.ک روم۱:۱۷ w). پولس با تکیه به یکی از نکات عهد عتیق اظهار می کند که خدا در دوران گذشته با رحمت از خشم خود جلوگیری می کرد و گناهان را بدون کیفر می گذاشت (خروج۳۴:۶-۷؛ مز۱۰۳:۸؛ اش۴۸:۹؛ ار۱۵:۱۵). این شکیبایی مفهومی نداشت مگر اینکه در نظر داشته باشیم بخشایش قطعی در مسیح انجام خواهد شد. اکنون این عدالت در صلیب مسیح متظاهر (پدیدار) شده است. که به وسیله آن خدا از راه لطف انسان گناهکار را تبرئه می کند.

می کنند. ۲۷پس چه جای لاف زنی است؟
۲:۱۷؛ ۴:۲-۳، ۵:۲؛ ۱۱:۱۸؛ ۱-قرن۱:۲۹-۳۱؛ افس ۲:۹؛ غلا ۶:۱۳-۱۴ موردی ندارد. به وسیلهٔ کدام قانون؟ [قانون] اعمال؟ خیر، بلکه به وسیله قانون ایمان[a]. ۲۸زیرا ما معتقدیم که آدمی به وسیله ایمان[b] و بدون اعمال قانون [تورات] تبرئه می شود. ۲۹یا این که [خدا] ۱۲:۱۰ فقط خدای یهودیان است؟ آیا از آن امت ها هم نمی باشد؟ آری از آن امت ها هم هست، ۳۰زیرا خدا یکی است، که مختون را بنا بر ۱۱:۴ ایمان و نامختون را از طریق ایمان تبرئه ۴-۳:۸؛ مت ۱۹-۱۷:۵ خواهد کرد. ۳۱پس آیا قانون [تورات] را از طریق ایمان از بین می بریم؟ هرگز! بالعکس قانون [تورات] را تأیید می نماییم.

ابراهیم ایماندار

۴ ۱پس در اینکه جد جسمانی ما اش ۵۱:۱-۲؛ مت ۳:۷-۱۰ ابراهیم چه یافته است[c] چه خواهیم گفت؟ ۲البته اگر ابراهیم به سبب اعمال برائت یافته است، دلیلی برای تفاخر[d] دارد، اما نه در نزد خدا. ۳زیرا نوشته [مقدس] چه ۲ـ مک ۲:۵۲؛ پید ۱۲:۱-۵؛ غلا ۳:۶-۹؛ یع ۲:۲۰-۲۴ می گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او همچون عدالت[e] به حساب آمد.

a- گاهی ترجمه می کنند: آیا جای به خود بالیدن هست؟ چنین چیزی مردود است! وانگهی به چه عنوان؟ اعمال؟ به هیچ وجه بلکه به نام ایمان.

b- مارتین لوتر هنگامی که نامهٔ به رومیان را ترجمه می کرد یک کلمه در اینجا افزوده و نوشته بود انسان فقط به وسیله ایمان تبرئه می شود. الحاق این کلمه در آغاز نهضت پروتستان موجب بحث و جدالهای شدیدی شده بود با این همه برخلاف اندیشه و فکر پولس نیست زیرا منظور وی در این قسمت آن است که در تبرئه فرد گناهکار اعمال او هیچ نقشی ندارند و در نظر پولس تنها راه وصول به رحمت خدا ایمان است. ضمناً از نظر زبانشناسی، هم الحاق این کلمه لازم می باشد زیرا پولس به مانند یک فرد سامی می اندیشد و در زبان آرامی کلمه «فقط» را حذف می کنند درصورتی که در زبانهای غربی ذکر این کلمه ضروری است.

c- متن این بند در نسخه های دست نوشته مشخص نیست. در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: چه خواهیم گفت از ابراهیم جد جسمانی (تنی) ما؟ وقتی که پولس از ابراهیم جد ما سخن می گوید اجباراً فقط خطاب به مسیحیان یهودی الاصل نیست بلکه می توان تصور کرد همبستگی خود را با ملت یهود نشان می دهد و یا اینکه ابراهیم را به عنوان پدر تمام ایمانداران از هر ریشه و تباری که باشند به حساب می آورد که موضوع اصلی این فصل می باشد. با ارائه چهره ابراهیم هدف پولس این نیست که کوچکترین مخالفتی با نوشته های عهد عتیق داشته باشد بلکه برائت بوسیلهٔ ایمان را موضوع اساسی عهد عتیق معرفی می نماید. و بدین وسیله از نظر علم الهی وحدت عهد عتیق و عهد جدید را ثابت می کند. چهرهٔ ابراهیم قبلاً در غلا۳:۶-۹ ارائه شده است.

d- این کلمه را که پولس بکار می برد میتوان به فارسی: تفاخر، مباهات، افتخار کردن و غیره ترجمه کرد (ر.ک روم۲:۱۷، ۲۳؛ ۳:۲۷؛ ۵:۲، ۳، ۱۱؛ ۱۵:۱۷). این موضوع اکثراً در نوشته های پولس می آید چنانکه بعضی آن را موضوع اصلی افکار و نظریات او می دانند. رودلف بولتمن دانشمند علوم الهی آلمانی (۱۹۷۶-۱۸۸۴) می نویسد: «جوهر و ریشه گناه عبارت از ادعایی (تفاخر) است که آدمی در برابر خدا به سبب درستی عدالت در اعمال خود (در نزد یهودیان) و یا به اتکای حکمت خود (در مورد یونانیان) برای خود ارزش قائل گردد... در این صورت آدمی فراموش می کند که آنچه هست و آنچه دارد، همه را مرهون فیض خدا می باشد... و ایمان، دقیقاً پی بردن به این نکته و دریافت و پذیرفتن همه چیز از طریق این فیض و از این خدا است.» از یک سو عمل خدا در یسوع مسیح هرگونه تکبری را در آدمی از بین می برد مخصوصاً هنگامی که تکبری مذهبی باشد (روم۳:۲۷؛ ۱-قرن۱:۲۹، ۳۱؛ غلا۶:۱۳). از سوی دیگر در عمل یسوع مسیح به آدمی اعتماد جدیدی (تفاخر) داده شده است (روم۵:۲؛ غلا۶:۱۴ و غیره) چنانکه در رنجها و شادیهای رسالت انجیل داده شده است (فی۱:۲۶؛ ۲:۱۶؛ ۲-قرن۱:۱۲؛ ۴:۷؛ ۱۱:۳۰؛ ۱۲:۹؛ ۱-تسا۲:۱۹). ضمناً در تمام این متون کلمه یونانی بکار برده شده یکی است که در ترجمه های جدید به کلمات و اصطلاحات مختلفی برگردانده شده است.

e- پید۱۵:۶. ترجمه تحت اللفظی: ایمان به حساب ابراهیم گذاشته شده است. ولی بدان معنی نیست که ایمان به عنوان عملی قانونی مستحق عدالت است. زیرا محتوای مطالب نشان می دهد این کلمات که شکل و جنبهٔ قضایی و مالی دارند برای آنست که موافقت مستقل خدا را نسبت به یک فرد ایماندار بیان کنند که عدالتی مخصوص به خود ندارد (روم۹:۲۲-۲۳؛ غلا۳:۶؛ یع۲:۲۳). به طوری که از بندهای ۷و۸ برمی آید به نظر پولس ایمانی که به حساب ابراهیم گذاشته شده بوسیله بخشایش خدا است. این بخشایش نافذ و مؤثر است و کسی را که مشمول بخشایش می شود تغییر داده، در او زندگی توأم با عدالت آغاز و افتتاح می نماید (ر.ک روم۳:۲۴ w).

۴ باری برای کسی که عملی می‌کند، دستمزد، چون فیضی به حساب نیامده
۶:۱۱؛ مت ۲۰:۱-۱۶؛ لو ۱۷:۷-۱۱ است، بلکه یک بدهی است. ۵ اما برای آن
غلا ۲:۱۶ کسی که عملی نمی‌کند[f] ولی ایمان دارد به
آن کسی که بی‌دین را تبرئه می‌نماید
ایمانش همچون عدالت[ee] به حساب می
آید. ۶ و اما داود خوشبختی انسانی را که
خدا، بدون اعمال، او را عادل به حساب
آورده،[g] بیان می‌کند:
۷ خوشا به آنان که خطاهایشان بخشیده و
گناهان پوشیده[h] شده است!
۸ خوشا بر مردی که خدا گناهی بر او
به حساب نمی‌آورد![i]
۹ اما آیا این خوشبختی برای مختون
است؟ یا همچنین برای نامختون؟ زیرا ما
می‌گوئیم: ایمان[j] برای ابراهیم عدالت
به حساب آمد. ۱۰ ولی چگونه به حساب
آمد؟ وقتی که مختون بود، یا نامختون؟
مختون؟ خیر، بلکه نامختون[k]. ۱۱ و نشانهٔ
پید ۱۷:۹-۱۴؛ غلا ۳:۷-۹ مختون بودن را به عنوان مُهر عدالت ایمان[l]
دریافت کرد، و آنچه را که وقتی هنوز
نامختون بود دریافت کرده بود. بدینسان
پدر همهٔ نامختونانی شد که ایمان دارند و
بدین وسیله عدالت به حساب ایشان
می‌آید، ۱۲ همچنین پدر مختونان، آنان که
نه تنها مختون هستند بلکه در همان رد
پاهای ایمان پدر ما ابراهیم قدم برمی‌دارند
وقتی که هنوز نامختون بود[m].
۱۳ زیرا بوسیلهٔ قانون [تورات] نبوده
پید ۱۲:۲-۳؛ ۱۵:۲۲-۱۸؛ عبر ۱۱:۸-۱۲؛ غلا ۳:۱۵-۱۶ است که به ابراهیم یا تبارش وارث بودن
جهان وعده داده شده است بلکه بوسیلهٔ
عدالت به ایمان[n]. ۱۴ زیرا اگر آنان به
غلا ۳:۱۸ موجب قانون [تورات] وارث هستند ایمان
پوچ و وعده باطل می‌شود؛ ۱۵ چون که
۳:۲۰؛ ۵:۲۰-۲۱؛ ۷:۷-۱۳؛ غلا ۳:۱۰،۱۹-۲۲ قانون [تورات] موجب خشم می‌باشد. در
جائی که قانون [تورات] نیست، تخلف هم

ee- کلمه یونانی که در اینجا عدالت ترجمه شده و با توجه به ترکیب عبارت گاهی به برائت، تبرئه، عادل، به عدالت شناختن و غیره برگردانده می‌شود کلمهٔ مخصوص مذهبی است و به مفهوم «عبور یک فرد از مرحلهٔ گناه و محکومیت به مرحلهٔ توبه و درستی و صحت عمل» می‌باشد، بنابراین در فارسی نمی‌توان واژه‌ای بکار برد که تمام مفاهیم مذکور را دربر داشته باشد. ضمناً در ترجمهٔ کتاب مقدس به زبان عربی کلمهٔ بِر به جای آن گذاشته شده که در فارسی نیز بکار برده می‌شود و ابرار به معنی نیکان از آن مشتق می‌گردد.

f- این بدان معنی نیست که در ایمان، آدمی غیرعامل باقی می‌ماند. بلکه ایمان تمام وجود آدمی را برانگیخته و تشویق به فعالیت در محبت می‌کند (غلا۵:۶) ولی به هیچ وجه عمل شرعی بشمار نمی‌آید.

g- پولس با یادآوری از مقصری که بخشیده شده است ثابت می‌کند که بدون اعمال می‌توان عادل به حساب آمد.» (لاگرانژ La-grange دومینیکن ۱۹۳۸-۱۸۵۵).

h- برابر کلمات و اصطلاحاتی که معمولاً در عهد عتیق بکار می‌رود این کلمه بدان معنی است که نه تنها گناهان «پوشیده شده‌اند» به طوری که خدا یا آدمی آنها را نمی بینند، بلکه به کلی از بین رفته‌اند و دیگر وجود ندارند (ر.ک مز۳۲:۱؛ ۸۵:۳؛ امث۱۰:۱۲؛ یع۵:۲۰؛ ۱-پطر۴:۸) و چنانکه در اینجا با مفهوم بخشایش نزدیک است.

i- مز۳۲:۱-۲.

j- پیدایش۱۵:۶.

k- گاهی ترجمه می‌کنند: ولی در چه شرایطی بود؟ پیش از مختون یا پس از آن؟ نه، پس از آن بلکه پیش از آن.

l- ترجمه دیگر: به عنوان مُهر عدالت که بوسیله ایمان دریافت شده. ر.ک روم۴:۳ e.

m- ترجمهٔ دیگری که با توجه به اوضاع و احوال این متن نمی‌توان توصیه کرد: پدر مختونان، یعنی نه تنها آنان که به امت مختونان تعلق دارند بلکه آنان که قدم برمی‌دارند بر روی ردپای... . در این صورت کسانی که بر روی ردپا قدم برمی‌دارند مشرک هستند درصورتی که برابر ترجمه ای که پذیرفته شده است این افراد یهودی می باشند.

n- «بدین ترتیب رایگان بودن عطیه و عظمت مقام بخشایشگر حفظ شده است» (لیونه Lyonnet)

نیست[o]. ۱۶ بدین سبب از ایمان [همه چیز
غلا ۳:۲۳-۲۹ می‌آید][p] تا بر طبق فیض باشد و وعدهٔ
[خدا] برای همهٔ تبارها، نه تنها آنانی که
در قانون، بلکه آنانی که در ایمان ابراهیم
هم استوارند، باشد؛ او که پدر همهٔ ما
تث ۳۲:۳۹؛ حزق ۳۷:۱-۱۰؛ عبر ۱۱:۱۹ است. ۱۷ برابر آنچه نوشته شده است: تو را
پدر تعداد زیادی از ملت‌ها ساخته ام[q]،
[پدر ما] در مقابل آن [خدایی] که به او
ایمان آورد، خدایی که مردگان را زنده
می‌کند و نیستی‌ها را همچون هستی
می‌نامد[r]. ۱۸ او که برخلاف هر امیدی،
امیدوار بوده،* ایمان آورد چنانکه پدر
امت‌های بسیاری شد برابر آنچه گفته شده
پید ۱۷:۱، ۱۵-۲۲؛ عبر ۱۱:۱۱-۱۲؛ مر ۹:۲۳-۲۴ است: تبار تو چنین خواهد بود[s]. ۱۹ و بدون
اینکه در ایمان خود ضعیف شود ملاحظه
کرد که جسمش مرده، در حدود یک صد
عبر ۶:۱۵، ۱۱:۳۲-۴۰؛ یو ۸:۵۶ سال داشت و بطن سارا هم مرده است[t].
۲۰ اما در وعدهٔ خدا، تردیدی بر اثر
بی‌ایمانی نکرد، بلکه بوسیله ایمان تقویت
ار ۳۲:۱۷-۲۴؛ پید ۱۸:۱۴؛ لو ۱:۳۵-۳۸ شده خدا را شکوه داد[u]. ۲۱ و کاملاً یقین
داشت آنچه را وعده داده است، قادر به
۴:۱۵؛ ۱ـ قرن ۱۰:۶ انجام آن نیز می باشد. ۲۲ بدین سبب این
برای او عدالت به حساب آمد[v]. ۲۳ باری
تنها دربارهٔ او نوشته نشده است: این برای
۴:۱؛ ۱ـ پطر ۱:۳، ۲۱ او عدالت به حساب آمد. ۲۴ بلکه برای ما
نیز باید به حساب آید، ما که ایمان داریم به
آن که عیسی خداوند ما را از میان مردگان
۱ـ قرن ۱۵:۱۷؛ کول ۲:۱۱-۱۳ برخیزانده است، ۲۵ آن که به خاطر
خطاهای[w] ما تسلیم کرده شده و برای
برائت ما رستاخیز کرده است[x].

o- پولس تاریخ نجات را طوری درک و تعبیر می‌کند که نقش هر یک از عوامل: وعده، ایمان و قانون در آن معین و مشخص است؛ میراث بوسیله ایمانی که برمبنای وعده‌ها است دریافت گردیده است: قانون بعداً می‌آید (غلا۳:۱۷). وانگهی این قانون هم، در طرح مشیت نجات خدا وارد و منظور خواهد شد زیرا تخلف و تخطی را آشکار می‌کند و گناه را که موجب خشم الهی است افشا می‌نماید (ر.ک روم۳:۲۰) تمام این نکات مشروحاً در روم۷:۸-۱۲ توضیح داده خواهد شد: قانون آدمی را مجبور می‌کند که خود را گناهکار بشناسد و بدین‌گونه صلیب یسوع مسیح را اعلام می‌نماید (در مورد خشم الهی که در این نامه ذکر شده است ر.ک به روم۱:۱۸؛ ۲:۵؛ ۳:۵؛ ۴:۱۵؛ ۵:۹؛ ۹:۲۲؛ ۱۲:۱۹ و غیره.)

p- گاهی ترجمه می‌کنند: بوسیله ایمان وارث می‌شوند.

q- پید۱۷:۵. اشاره به قدرت خلاقیت خدا است که نه تنها در آفرینش ملاحظه گردیده بلکه در عمل نجات در ابراهیم و سارا آغاز می‌شود (ر.ک بندهای ۱۸ الی ۲۲).

r- گاهی ترجمه می‌کنند: آنچه را وجود ندارد به هستی می‌خواند.

s- پید۱۵:۵.

t- دچار مرگ: ابراهیم و سارا به سنی رسیده بودند که نمی‌توانستند فرزندانی بیاورند. بنابراین پولس به این معنی حقاً جسم آنان را همچون مرده می‌بیند.

u- جمله اخیر اصطلاحی «مختص به کتاب مقدس است (یوشع۷:۱۹؛ ۱-سمو۶:۵ و غیره) تا وضعیت آدمی را توصیف نماید که می‌پذیرد هرآنچه دارد مدیون خدا است و فقط بر او تکیه دارد» (لیونه).

v- پید۱۵:۶.

w- اش۵۳:۶، ۱۲ ترجمهٔ یونانی؛ روم۸:۳۲.

x- ارتباط بین رستاخیز یسوع و برائت به طُرق مختلفی درک و استنباط شده است. لیونه Lyonnet می‌نویسد: «عدالت، نخستین شرکت (مشارکت) در زندگی یسوع برخاسته از مرگ است.» لنهارت Lennhardt نوشته است: «ما، نظیر ابراهیم بوسیله ایمان به خدای وعده‌ها برائت یافته‌ایم؛ به نظر ما وعده‌ها در رستاخیز مسیح آشکار و خلاصه شده است.» کلمه‌ای که در بند ۲۴ «برخیزانده» و در بند ۲۵ «رستاخیز کرده» ترجمه شده در یونانی به معنی «بالا بردن» بالا رفتن، بیدار کردن و بیدار شدن هم آمده است.

* به این معنا: او در نا امیدی، امیدوار بوده است (این توضیح آورده شده است زیرا که ترجمه تحت اللفظی بسیار مبهم است.)

انسان برائت یافته، آشتی کرده و نجات یافته

۵ ۱ما که بوسیله ایمان برائت یافته‌ایم با خدا در صلح[y] بسر
می‌بریم به توسط خداوند ما یسوع مسیح.
۲که از طریق او به وسیلهٔ ایمان به فیضی[z]
دسترسی یافته‌ایم که در آن ایستاده‌ایم و به
امید[a] به جلال خدا افتخار کنیم[b]. ۳نه تنها
این؛ ما به مصیبت‌ها نیز افتخار می‌کنیم[c]
زیرا مصیبت پایداری ایجاد می‌کند،
۴پایداری، تجربه[d] و تجربه امیدواری
[ایجاد می‌کند]. ۵و امیدواری موجب
شرمساری نیست زیرا محبت خدا[e] در
دلهای ما افشانده شده به وسیله
روح‌القدس که به ما عطا گردیده است. ۶
هنگامی که هنوز ناتوان بودیم[f]، در زمان
مقرر، مسیح به خاطر بی‌دینان جان سپرد.
۷البته به سختی به خاطر عادلی، کسی
حاضر به مردن است؛ شاید به
خاطر[فرد]خوبی، کسی جرأت کند که
بمیرد. ۸ولی خدا بدین‌گونه محبت خود را
به ما تأیید می‌کند که وقتی هنوز گناهکار
بودیم مسیح به خاطر ما مُرد. ۹پس چقدر
بیشتر، اکنون که به وسیلهٔ خون او برائت
یافته‌ایم به وسیلهٔ او از خشم نجات خواهیم
یافت. ۱۰زیرا اگر وقتی دشمنان بودیم
به وسیلهٔ مرگ پسرش با خدا آشتی
کرده‌ایم چقدر بیشتر پس از آشتی به وسیله

۳:۲۴-۳۰؛ ۳۰:۹؛ فی ۳:۹
اش ۵۳:۵؛ افس ۲:۱۴-۱۷؛ کول ۳:۱۵؛ افس ۲:۱۸؛ ۳:۱۲؛ یو ۱۴:۶
۸:۱۷-۱۸؛ کول ۱:۲۷؛ تیط ۲:۱۳؛ ۸:۱۸؛ ۲ـ قرن ۴:۱۷، ۱۲:۹-۱۰؛ یع ۱:۲-۴؛ ۱ـ پطر ۱:۶-۷
عبر ۶:۱۸-۱۹؛ مز ۲۲:۶؛ ۲۵:۳؛ ۸:۹-۱۶

غلا۴:۶؛ تیط ۳:۵-۷؛ ۱- یو۴:۱۳؛ ۳:۲۵؛ غلا ۱:۴؛ تیط ۲:۱۴؛ ۱ـ پطر ۳:۱۸
۸:۳۲؛ غلا ۲:۲۰؛ افس ۵:۲؛ ۱ـ تیمو ۲:۶؛ تیط ۳:۴-۷؛ یو ۳:۱۶؛ ۱۵:۱۳؛ ۱ـ یو ۳:۱۶؛ ۴:۱۰
۱:۱۸؛ ۵:۲، ۸؛ ۱ـ تسا ۱:۱۰؛ ۵:۹
۲ـ قرن ۵:۱۸-۱۹؛ افس ۲:۱۶؛ کول ۱:۲۰-۲۲

y- در برخی از نسخه‌های خطی نوشته شده است. در صلح بسر بریم. ولی این جمله متن با محتوای سایر مطالب تطبیق نمی‌کند. پولس کمتر به فکر آن است که ایمانداران را تشویق کند تا در جستجوی صلح باشند بلکه بیشتر می‌خواهد به آنان بگوید که هم‌اکنون در یسوع صلح به ایشان عطا شده است (افس۲:۱۴) صلح نعمت بزرگی است که با آمدن مسیح به آدمیان عطا می‌شود و فقط حالت روحی ساده‌ای نیست(۱-پاد۵:۲۶ k؛ لو۱:۷۹ j؛ افس۲:۱۴ l).

z- فیضی که در آن قرار گرفته‌ایم وضعیت جدید ایمانداری می‌باشد که به رایگان در یسوع مسیح برائت یافته است. (روم۳:۲۴). مخلوق جدیدی بشمار می‌رود (۲-قرن۵:۱۷) کلمات: با ایمان در تعدادی از نسخه‌های خطی حذف شده است.

a- اگر آدمی هیچ مُجوزی نمی‌تواند ارائه کند تا او را شایستهٔ برائت نماید (روم۳:۲۷؛ ر.ک لو۱۸:۹-۱۴) فرد ایماندار نمی‌تواند به اعمال خود افتخار نماید، در عوض می‌تواند به امیدواری افتخار کند زیرا امید به مانند ایمان فقط به رحمت خدا و وفاداری او در انجام وعده‌هایش متکی است ر.ک روم۴:۲ d.

b- تحقق یافتن وعدهٔ خدا که در عمل بازخرید یسوع آغاز شده کاملاً به تمامیت نخواهد رسید، مگر در جلال و افتخار یعنی در نجات نهایی (روم۸:۱۱، ۱۸-۲۵). برائت یافتن مقدمه این نجات است و نجات نهایی به صورتی که در پایان روزگار فرا می‌رسد موضوع و هدف امید می‌باشد (روم۸:۲۴).

c- مصیبت در عهد عتیق این کلمه مخصوصاً سختی‌ها و مرارت‌های قوم و مردمان پرهیزگار را توصیف می‌کند، چنان‌که در مزامیر منظور از این کلمه بدبختی‌های فرد عادل است (مز۳۷:۳۹؛ ۵۰:۱۵). در یهودیگری مصیبت‌ها یکی از نشانه‌های پایان روزگار بشمار می‌رود (دوران مسیحایی برقرار نمی‌شود مگر پس از دردهای زایمان)، و این سختی باز هم باید فرا رسد. به نظر مسیحیان این مصیبت و دوران پایان روزگار فرا رسیده است: در نوشته‌های عهد جدید و مخصوصاً در نامه‌های پولس این کلمه نقش مهمی دارد. موقعیت ایمانداران و مخصوصاً رسولان بر آنست که با سختی آشنا شوند (ر.ک اع۱۱:۱۹؛ ۱۴:۵-۶؛ ۲-قرن۱:۴-۵؛ فی۱:۲۹) و حتی وضعیتی است که مأموران تبلیغ وپیروان را از آن گریزی نیست (یو۱۶:۳۳؛ اع۱۴:۲۲؛ ۱-تسا۳:۳). در نوشته‌های عهد جدید اشاره به پایان روزگار به موضوع مصیبت‌ها می‌پیوندد که در تعدادی از متن‌ها می‌توان ملاحظه کرد (مت۲۴:۹-۲۸؛ مکا۱:۹؛ ۷:۱۴). پولس می‌گوید که فرد ایماندار مسیحی مباهات خود را نه در خود مصیبت‌ها قرار می‌دهد و نه در کوششهایی که برای فایق شدن بر آنها باشد؛ بلکه تمام اعتماد خود را در فیض خدا می‌گذارد که مخصوصاً در ضعف آدمی بیشتر نمایان می‌شود (۲-قرن۱۲:۹-۱۰).

d- گاهی ترجمه می‌کنند: وفاداری که آزمایش شده است. منظور آزمایشی است که به وسیلهٔ آن می‌توان دریافت آیا شخصی یا چیزی بعضی صفات یا صلاحیت‌ها را دارا می‌باشد یا خیر؟ (۲-قرن۸:۲؛ ۱-پطر۱:۶-۷).

e- منظور محبتی است که خدا نسبت به ما دارد و نه محبتی که ما نسبت به خدا داریم. و این بند در بین تمام نوشته‌های عهد جدید بندی است که صریح‌تر ارتباط بین محبت و روح‌القدس را بیان می‌نماید.

f- یعنی قدرت نداشتیم که خود را از گناه خلاص کنیم.

زندگی[g] او نجات خواهیم یافت. ۱۱ و نه
این تنها، ما نیز به خدا افتخار می کنیم
به وسیلهٔ خداوند ما یسوع مسیح که اکنون
به وسیله او آشتی کرده ایم.

آدم و یسوع مسیح

پید ۲:۱۷؛ ۳:۱۹؛ حک ۲:۲۴؛ ۱-قرن۱۵:۲۱-۲۲، ۴۵؛ روم ۶:۲۳؛ غلا ۶:۷-۹؛ یع ۱:۱۵

۱۲ زیرا[h] همان گونه که گناه به وسیله یک
انسان در دنیا وارد شد و به وسیلهٔ گناه[i]،
مرگ و بدینسان مرگ به همهٔ انسانها
رسیده چون همگی گناه کرده اند[j]...

g- ایمانداران از هم اکنون به وسیله خون یعنی مرگ مسیح (بندهای ۹-۱۰) برائت یافته (بند۹)، با خدا آشتی کرده (بند های ۱۰-۱۱) سرشار از امید در انتظار نجات در واپسین روزگار هستند که آخرین ثمرهٔ رستاخیز مسیح است (بند ۱۰). پولس هرگز مرگ مسیح را از رستاخیز او جدا نمی کند (ر.ک ۴:۲۵). منظره ای که در بندهای ۹-۱۱ ذکر شده همان است که در روم۵:۲ و۸:۱۱ آمده است.

h - «سراسر بند های ۱۲-۲۱ دو ترکیب و نظام در برابر یکدیگر قرار گرفته است که گناه و فیض می باشد. در این بندهای مهم و اساسی که بند های دشواری هستند پولس کمتر برآن است که شباهت کامل و برابری بین آدم و مسیح برقرار کند تا این که اختلاف و تضاد بین وضعیت آنها را تأیید نموده، برتری مسیح را بر آدم نشان دهد. مضافاً در تمام این قسمت مسیح و اعمال او مرکز افکار پولس می باشد و آدم به عنوان کسی ارائه می شود که تسلط و فرمانروایی را برقرار کرده است، تسلطی که مسیح بشریت را از آن رها کرده است.

i-لیونه می نویسد: «گناه، آدمی را از خدا جدا می کند، این جدایی مرگ است یعنی مرگ روحی و جاودانی که مرگ جسمانی نشانهٔ آن می باشد، ر.ک حک۲:۲۴؛ عبر۶:۱.» در این قسمت گناه و مرگ به طرز گیرائی به صورت شخصیت هایی مجسم شده اند.

j- دشواری هایی که در ترجمه و تفسیر پایان بند۱۲ وجود دارد مشهور است. کلمهٔ یونانی را که «چون» ترجمه شده است به طُرق مختلفی می توان درک نمود: (در متن ترجمه های مزامیر همان گونه): ۱) به صورت یک حرف ربط (به مفهوم: زیرا، چون، به دلیل این، وانگهی، به این ترتیب) که از نظر قواعد دستور زبان مفهوم و قابل قبول بوده، در متون مشابه نیز به همین معنی است ۲-قرن۵:۴؛ فی۳:۱۲؛ ۴:۱۰؛ ۲) همچنین این کلمه را می توان به صورت ضمیر موصول ترجمه کرد که به جای آدم گذاشته شده باشد (به مفهوم: که به سبب او، که به دلیل او، که در او). ۳) یا به صورت ضمیر موصولی که بجای مرگ آمده است (که به سبب آن، که به ملاحظهٔ آن). بدیهی است که پذیرفتن هریک از مفاهیم مختلف موجب تفسیر دیگری می شود ولی به هرصورت این تفسیر نکته ای ظریف و دقیق است.

- به نظر پدران کلیسای لاتین و همچنین به نظر لوتر قبل از هرچیز در اینجا اظهار می شود که تمام آدمیان به طرز اسرارآمیزی در نفس عمل گناه آدم وارد هستند (در ترجمه لاتینی عهد جدید، ولگات، حتی ترجمه شده است: آدم که در او تمام آدمیان گناه کرده اند). در این نوع تفسیر می توان چنین استنباط کرد که آدم ابوالبشر به تمام تبار خود میراث مرگ را منتقل نموده، یا اینکه کلیه گناهان بشریت پیشاپیش در عصیان آدم جای داشته است.

- به نظر بعضی از پدران کلیسای یونان و برخی مفسران کاتولیک (نظیر لاگرانژ و لیونه) و مفسران پروتستان (مانند کالون، میشل) منظور پولس در اینجا گناهان شخصی هریک از آدمیان است که مرتکب می شوند (ر.ک روم۳:۲۳) و بوسیلهٔ ایشان نیروی گناه که آدم به دنیا وارد کرده بود آثار مرگ را تولید می نماید.

- به هرصورت از متن این بند و آن چه از ترکیب عبارات و مطالب بندهای ۱۲-۱۸ برمی آید بین تخلف آدم و گناهان شخصی هر فرد آدمی ارتباط و پیوستگی وجود دارد ولی لازم به یادآوری است که پولس در اینجا مستقیماً در مورد نوع دقیق این ارتباط و پیوستگی آن سخنی نمی گوید. ضمناً باید توجه داشت که به نظر پولس و معاصران او آدم فقط شخصیتی تاریخی نیست بلکه شخصیتی است که تمام بشریت را شامل می شود و پولس با این عنوان در او تصویر مسیح را می بیند.

- تعداد زیادی از مفسران پروتستان معاصر قدمی فراتر رفته اند مثلاً لین هارت نوشته است: «پولس این وضعیت را به خطای آدم مربوط و منسوب می کند ولی نبایستی این نظریه را دقیقاً به مفهوم محدود تاریخی استنباط کرد. قبلاً یادآوری شده است که شخصیت آدمی موضوع اندیشه و نظریه ای است که برای او مختصات موجودی ارائه داده شده که مظهر تمام جامعه است و شامل کلیه افراد می شود. مطلبی از سفر پیدایش که پولس در اینجا در نظر داشته است در فصل هفتم نیز به کار برده شده است و پولس این مطالب را در آنجا با آزادی بکار برده است و با وضعیتی تطبیق داده است که نشان می دهد از بررسی سفر پیدایش بیشتر نکات کلی و عمومی علم الهی را آموخته، نه آنکه فقط شرح داستان واقعه ای را خوانده باشد که یک بار در جای معینی و برای شخص به خصوصی رخ داده است. پولس در اینجا هنگامی که از گناه و مرگ سخن می گوید شیوهٔ افسانه ای و اساطیری بکار می برد که نمایانگر تفسیری است که از سفر پیدایش درنظر دارد و در آن بیان ترکیب و سازمان اساسی بشریت را می خوانده است.

۱۳ زیرا[k] قبل از قانون [تورات] در دنیا
۱۵:۴ گناه بود ولی وقتی قانون نباشد گناه
به حساب نمی‌آید[l]؛ ۱۴ با این همه مرگ
ازآدم تا موسی فرمانروایی کرده است حتی
بر تمام کسانی که گناهی نظیر تخلف آدم
نکرده‌اند، او [آدم] که تصویر[m] کسی
است که باید می‌آمد.
۱۵ ولی عطیه نظیر خطا نیست، زیرا اگر به
سبب خطای یک نفر بسیاری مرده‌اند،
چقدر بیشتر فیض خدا و عطیه‌ای که در
فیض یک انسان [یعنی] یسوع مسیح[n]،
وجود دارد، برای بسیاری[o] فراوان شد.
۱۶ براستی این فیض، نظیر عواقب گناه
یک فرد نیست، زیرا از طریق گناه یک
فرد، داوری به محکومیت انجامید، اما در
پی خطاهای بسیار، فیض به برائت می
انجامد. ۱۷ زیرا اگر به سبب خطای یک
فرد، به وسیله یک فرد مرگ فرمانروایی
کرده است، چقدر بیشتر آنان که به فراوانی
فیض و عطیهٔ عدالت را دریافت می‌کنند،
۲ـ تیمو ۲:۱۲؛ مکا ۲۰:۴-۶ بوسیله یک نفر، یسوع مسیح، در زندگی
فرمانروایی خواهند کرد.
۱۸ پس بدینسان[p] همانطور که بسبب
خطای یک فرد، برای همهٔ انسان‌ها
محکومیت بود، به همین گونه نیز با عمل
عادلانهٔ یک فرد، برای همهٔ انسان‌ها برائت
حیات است.
اش ۵۳:۱۱؛ فی ۲:۸؛ عبر ۵:۸ ۱۹ زیرا به همان گونه که به سبب
نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار
گردیدند به همین گونه بسبب فرمانبرداری
یک [انسان] بسیاری تبرئه خواهند شد.
۱۵:۴، ۷:۷-۸؛ غلا ۳:۱۹ ۲۰ البته در قانون[تورات] آمده است تا

k- مقایسه و تشبیهی که در بند ۱۲ آغاز شده در اینجا پایان نیافته است و مجدداً در بندهای ۱۵و۱۸ از سرگرفته خواهد شد.
- به نظر بعضی از مفسران بندهای ۱۳-۱۴، توضیح پایان بند ۱۲ است: چون همگی گناه کرده‌اند. پولس که از جنبهٔ قضایی این مسئله بحث کرده چنین استدلال می‌کند: کسانی که در فاصله بین دوران آدم و موسی زندگی کرده‌اند حتی درصورتی که گناهکار بودند نمی‌توانستند برطبق قانونی که شامل شخص ایشان شود به کیفر مرگ برسند زیرا قانونی وجود نداشت. لذا این مردمان نه به سبب گناه خودشان بلکه به علت گناه آدم به مرگ گرفتار می‌شدند.
- به نظر مفسران دیگر بند ۱۳ این اعتراض را بیان می‌کند: چگونه ممکن است که مرگ کیفر گناه باشد و حال آن که قانونی وجود نداشته است؟ پولس در بند ۱۴ چنین پاسخ می‌دهد: گناهانی را که مردم قبلاً در دوران بین زمان آدم و موسی مرتکب شده بودند، در خود این گناهان قوت مرگ وجود داشته و مرگ حکم محکومیتی نیست که از خارج صادر شده باشد، بلکه نتیجهٔ سرشت گناه است که فرمانروایی آن به وسیله آدم برقرار گردیده است.
- به هرصورت چنین به نظر می‌رسد که پولس قبل از هرچیز اظهار می‌کند اگر مرگ بر همهٔ مردمان، حتی پیش از موسی فرمانروایی کرده بدان سبب است که دانسته یا ندانسته در ترکیب و نظام (تدبیر) مرگ محصور بوده‌اند (روم۱۱:۳۲؛ غلا۳:۲۲) ترکیب و سازمانی که آدم افتتاح کرده بود تمام بشریت گناهکار را دربر می‌گیرد، بشریتی که تا فرا رسیدن پیروزی مسیح تابع قدرت مرگ بوده است.
l- گاهی ترجمه می‌کنند: نمی‌توان مجازات کرد.
m- کلمهٔ یونانی را که در این مورد بکار رفته می‌توان «نمونه» ترجمه کرد. (ر.ک ۱-قرن۱۰:۶) قبلاً پولس آدم را به عنوان اولین انسان، چهره‌ای از مسیح یعنی «نخستین زاده از همه مخلوقات» ارائه می‌کند (کول۱:۱۵؛ ر.ک روم۸:۲۹)؛ ولی مخصوصاً به عنوان کسی که ترکیب و نظام جهانی گناه و مرگ را افتتاح کرده است، آدم مقدمه منفی کسی است که ترکیب نظام جهانی فیض را افتتاح می‌نماید. ضمناً پولس کمتر به تشابه بین آدم و مسیح توجه نموده تا به تفاوت‌ها و اختلافاتی که آنان را از یکدیگر متمایز می‌کند (ر.ک بند ۱۵).
n- ترجمه دیگر: فیض خدا، فیضی که در یک فرد انسان یعنی یسوع مسیح عطا می‌شود.
o- یعنی تمام آدمیان (ر.ک بند ۱۸).
p- پولس پس از استدلال‌های محکمی که در سه بند بالا بکار برده به مقایسه‌ای که در بند ۱۲ آغاز شده ادامه می‌دهد.

خطا فراوان گردد[q] ولی در جایی که گناه
فراوان شده فیض بسیار فراوان شده است،
۲۱تا همچنان که گناه در مرگ[r] فرمانروایی
کرده است، پس فیض هم به وسیله عدالت
۲۳:۶ برای زندگی جاودان به وسیله یسوع مسیح
خداوند ما فرمانروایی کند.

مردن و زندگی با یسوع مسیح

۸:۳ **۶** ۱پس چه خواهیم گفت؟ آیا در گناه
بمانیم تا فیض افزون گردد؟
۲چنین مباد! ما که در گناه مرده‌ایم چگونه
هنوز در آن زندگی کنیم؟ ۳یا اینکه
غلا ۲۷:۳ نمی‌دانید[s] ما همگی که در یسوع مسیح
تعمید یافته‌ایم، در مرگ او تعمید
یافته‌ایم؟ ۴پس ما بوسیله تعمید در مرگ
او مدفون شده‌ایم[t] تا همانگونه که مسیح از کول ۱۲:۲؛ ۲-تیمو ۱۱:۲
میان مردگان بوسیله شکوه[u] پدر برخاسته
است، ما هم در زندگی تازه‌ای گام برداریم.
فی ۱۰:۳-۱۱ ۵زیرا اگر[v] در شباهت مرگ او[w] متحد
شده‌ایم، اما همچنین در رستاخیزی [مشابه افس ۶:۲
با او، متحد] خواهیم شد[x]. ۶این را
کول ۹:۳-۱۰؛ ۲۲:۴-۲۴؛ غلا ۲۴:۵؛ ۱۴:۶ می‌دانیم که انسان کهنِ ما با [او] مصلوب
شده است، که این جسم گناه[y] از بین برود
تا ما دیگر اسیر گناه نباشیم؛ ۷زیرا آن که
مرده است، از گناه بری شده است.[z] ۸ولی
اگر با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم[a] که با او
همچنین زندگی خواهیم کرد، ۹چون که
اع ۳۴:۱۳ می‌دانیم مسیح، از میان مردگان برخاست،

q- پولس نمی‌گوید که منظور و هدف قانون گناه، به همین معنی می‌باشد. اگر وجود قانون موجب شده است که گناه پدیدار شده فراوان گردد برای آن است که مآلاً فیض در یسوع مسیح خیلی فراوان شود. نظریه پولس دربارهٔ قانون در فصل هفتم (۷) تشریح و تصریح خواهد شد.

r- گاهی ترجمه می‌کنند: برای مرگ.

s- این نظریه فقط مختص به پولس نیست. بعضی از مفسران تصور می‌کنند حتی در جمعیتی که بوسیله پولس به ایمان نگرویده بودند با این نظریه آشنایی داشته‌اند به نظر مفسران دیگر، این سئوال فقط روشی در بلاغت و طرز بیان است در این صورت آموزشی تازه خواهد بود.

t- بیشتر مفسران این نکته را اشاره به تعمید با فرو بردن کامل در آب تشخیص می‌دهند.

u- یعنی با قدرت متعالی پدر. معمولاً خدا با تجلی قدرت نجات، شکوه خود را متظاهر می‌کند یعنی به عنوان خدا تجلی می‌نماید (ر.ک خروج۱۵:۷؛ یو۱۱:۴۰) ر.ک به روم۳:۲۳ v.

v- در اینجا و در بند ۸ کلمه اگر حرف ربط است و به مفهوم شرطی نیست بلکه به معنی چونکه درک شود.

w- ترجمه تحت‌اللفظی: اگر ما نهال واحدی شده‌ایم با مشابهت مرگ او. همچنین جمله را می‌توان تعبیر کرد: اگر بوسیلهٔ مرگی نظیر مرگ او [با او] موجود واحدی شده‌ایم.

x- توجه کنید افعالی که بکار برده شده از نظر زمان متفاوت هستند، در مورد مرگ فعل به زمان ماضی و در مورد رستاخیز به زمان مستقبل است. ر.ک بند ۸. در کول۲:۱۲ هردو فعل به زمان ماضی است. ولی در روم۶:۱۱ مشاهده می‌شود که گرچه مشابهت با مسیح برخاسته از مرگ فقط در باز آمدن مسیح کامل خواهد شد ولی هم‌اکنون این مطابقت وجود دارد.

y- در اینجا منظور از جسم آن نیست که متمایز از روح باشد بلکه تمام وجود آدمی است که در جسم و بوسیله جسم خود عمل می‌کند، مکانی که برای وجود او عمل او و حضور او در دنیا لازم است (ر.ک روم۱۲:۱ i). بنابراین دو اصطلاح جسم گناه و انسان کهن برابر می‌باشند.

z- ترجمه تحت‌اللفظی: از گناه تبرئه شده است. تعبیر این بند دشوار است. می‌توان گفت تبرئه شده است یعنی دیگر حسابی ندارد. در این صورت نظریه‌ای قضایی خواهد بود که ارزش کلی خواهد داشت: یعنی به وسیله مرگ عمل کیفر منتفی می‌شود. یا اینکه بهتر است فعل را به همان معنایی که پولس در جاهای دیگر بکار برده بگیریم در این صورت تعبیر خواهد شد: آن کسی که مرده است (با مسیح بند ۸، ر.ک بند ۵) از گناهی که بر انسان کهن تسلط داشته آزاد گردیده، عادل شده است.

a- زندگی تازه‌ای که در این دنیا آغاز می‌شود (بندهای ۴، ۱۱) و با رستاخیز از میان مردگان پایان می‌پذیرد (بندهای ۵، ۸)، واقعیتی است که فقط در ایمان می‌توان آن را دریافت.

دیگر نمی‌میرد؛ دیگر مرگ بر او تسلطی ندارد. ۱۰زیرا با مردن، به یک‌بارگی از
۱ـ پطر ۳:۱۸؛ عبر ۹:۲۶ گناه[b] مرده است، ولی در زنده بودن، برای خدا زنده است. ۱۱و بدینسان شما براستی
۱ـ پطر ۲:۲۴ خودتان را مرده در گناه بشمار آورید[c] ولی زنده برای خدا در مسیح یسوع.
پید ۴:۷ ۱۲پس گناه در جسم فانی شما[d] فرمانروایی نکند[e] تا از هوسهای آن تبعیت نمایید. ۱۳هیچ یک از اعضای خود را [همچون] اسلحه بی‌عدالتی برای گناه عرضه نکنید؛ بلکه بمانند زنده‌هایی [برخاسته] از میان مردگان خود را به خدا عرضه نمایید و اعضای شما اسلحه‌ای برای عدالت خدا
غلا ۵:۱۸ [باشند]. ۱۴زیرا گناه بر روی شما تسلطی نخواهد داشت[f]، زیرا تحت [تبعیت] قانون نیستید، بلکه تحت فیض [قرار دارید].

در خدمت عدالت

۱۵پس چه [بگوئیم]؟ آیا گناه خواهیم کرد، زیرا تحت [تبعیت] قانون نبوده بلکه تحت [تبعیت] فیض هستیم؟ چنین مباد! ۱۶آیا نمی‌دانید که اگر خود را [به عنوان]
یو ۸:۳۴ برده در اختیار کسی می‌گذارید تا از او اطاعت کنید شما بردهٔ کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید، خواه از گناه برای مرگ، یا از اطاعت برای عدالت.[g] ۱۷ولی شکر خدا را! پس از آنکه برده گناه بوده‌اید، از قلب[h] از نوع آموزشی[i] که به آن سپرده شده
غلا ۵:۱۳؛ یو ۸:۳۶ بودید اطاعت کرده‌اید؛ ۱۸آزاد شده از گناه، بردهٔ عدالت شده‌اید. ۱۹(بدلیل ضعف نفسانی[j] شما، کاملاً به شیوهٔ بشری با شما سخن می‌گویم.) زیرا به همان‌گونه که اعضای خود را به عنوان برده ناپاکی و

b- ر.ک روم۸:۳ جمله: از گناه مرده است ترجمه تحت‌اللفظی است: یعنی مسیح از گناه بری و برکنار شده است؛ مسیح که هرگز با گناه آشنا نبوده خود را با بشریت گناهکار شریک و وابسته کرده است (۲-قرن۵:۲۱). بوسیله مرگ خود (و رستاخیز خود) کسانی را که به او پیوسته‌اند از تسلط گناه رهایی می‌بخشد.

c- ترجمه دیگر: توجه کنید که شما به گناه مرده‌اید. در این ترجمه، تفسیری که فقط جنبهٔ روانشناسی دارد به کنار گذاشته می‌شود. منظور آن نیست که خود را مرده تصور کنند بلکه این نکته را که مرده‌اند جدی تلقی کرده، به عنوان مطلبی واقعی بپذیرند.

d- ر.ک بند ۶،y. تا وقتی که جسم فانی به لباس جاودانی ملبس نشده (ر.ک ۱-قرن۱۵:۵۴) فرد مسیحی کماکان تمایلی به گناه دارد (ر.ک غلا۵:۱۴-۱۶)؛ ولی به موهبت مسیح از این پس می‌تواند بر او پیروز شود.

e- این فعل به صورت امر است و فقط بیان آرزویی نبوده بلکه الزامی می‌باشد. (در زندگی خودمان) بدان‌گونه که از این پس هستید باشید. (بند۱۱) یعنی مرده در گناه و زنده در مسیح. این نکته موضوع مهمی در نوشته‌های پولس است. ر.ک کول۳:۳، ۵ (شما مرده‌اید... بمیرانید...)؛ فی۳:۱۲-۱۵.

f- این فعل که به صورت مستقبل آمده در عین حال واقعیت مسلم و الزام را می‌رساند.

g- در اینجا عبارت پولس عیناً نقل شده است ولی به خوبیروشن است که ارباب دومی اطاعت نیست (زیرا از اطاعت اطاعت نمی‌کنند) بلکه از خدا اطاعت می‌نمایند.

h- این تذکر مهم است. زیرا واژه‌های مربوط به برده را که بطرز نامناسبی به عدالت (بندهای ۱۶، ۱۸، ۱۹) و به خدا (بند۲۲) نسبت داده است تصحیح می‌نماید زیرا منظور خدمتی آزادانه در محبت است.

i- ترجمه متن بالا تحت‌اللفظی است. منظور نخستین گفتار و موعظه در مسیحیت است که سخنران هرکسی باشد محتوای اصلی گفتار یکی است (۱-قرن۱۵:۱۱). بدین ترتیب پولس صحت و درستی آموزشی را که رومیان دریافت کرده‌اند می‌پذیرد با آنکه این آموزش از او نیست (روم۱۵:۱۵؛ ۱۶:۱۷). پولس می‌خواسته است نشان دهد که با پیام‌آوران دیگر انجیل توافق و هم‌آهنگی دارد (غلا۲:۲).

j- ترجمه تحت‌اللفظی: من بشری سخن می‌گویم بسبب ضعف تن شما. پولس بسبب آنکه لحن نامناسبی بکار برده معذرت می‌خواهد (ر.ک بند ۱۷ h). نقصی که در لحن گفتار پولس است یا به سبب ضعف ادراک شنوندگان است و یا بدلیل رازی است که به هیچ زبان بشری نمی‌توان بیان کرد به طوری که کاملاً رضایت بخش باشد و یا به سبب هر دو علت است.

۱:۱۲ بی قانونی به منظور بی قانونی[k]
عرضه کرده اید پس اکنون اعضای خود را به
منظور تقدس[l] به عنوان برده به عدالت
تقدیم کنید. ۲۰زیرا هنگامی که برده گناه
بودید، نسبت به عدالت آزاد بودید. ۲۱در
آن وقت چه ثمره ای داشتید؟ آنچه اکنون
از آنها شرمسارید زیرا پایان آنها مرگ
است[m]. ۲۲ولی اکنون که از گناه آزاد
شده اید و بردهٔ خدا شده اید برای تقدس،
یو ۸:۱۵-۱۶ ثمره خود را دارید و پایان آن زندگی
۱۲:۵، ۲۱؛ غلا ۸:۶؛ یع ۱۵:۱ جاودان است. ۲۳زیرا اجرت گناه مرگ
است، اما که عطیه خدا، زندگی جاودان در
مسیح عیسی خداوند ما است[n].

آزاد شدن فرد مسیحی از قانون تورات

۷ [۱]ای برادران آیا نمی دانید -زیرا به
کسانی سخن می گویم که قانون
تورات را می شناسند[o]- که این قانون مادام
که انسان زنده است بر او حکمفرما است؟
۱-قرن ۷:۳۹ [۲]بدین سان زن شوهردار بوسیلهٔ قانون به
شوهر زنده، وابسته است ولی اگر شوهر
بمیرد، از قانون شوهرش رها می شود. [۳]پس
بنابر این در زنده بودن شوهرش اگر به مرد
دیگری تعلق بگیرد او را زناکار خواهند
خواند ولی اگر شوهر بمیرد، او از قانون
آزاد شده است و با تعلق داشتن به مرد

k- کلمهٔ یونانی را که پولس در اینجا ناپاکی بکار برده و بی قانونی ترجمه شده است دوباره بکار برده و به همین ترتیب دوبار در ترجمه آمده است.

l- لین هارت می نویسد: « در مقابل بی قانونی که بردهٔ گناه در آن فرو می رود تقدس قرار دارد. قوم اسرائیل «مقدس» است زیرا قومی است که خدا برگزیده است، قومی که با خدا ارتباط نزدیک دارد؛ بنابراین تقدس قوم اسرائیل کار خدا است ولی اسرائیل بایستی بوسیله اطاعت و اجرای عدالت به این گزینش پاسخ دهد. تقدس عبارت از طرز رفتاری است که بوسیلهٔ آن کسی که در نتیجه عمل خدا و تعلق قوم برگزیده مقدس است، به دعوت الهی با اطاعت شخصی عملاً پاسخ می دهد به همین گونه فرد ایماندار مقدس است زیرا به جسم مسیح تعلق دارد و به عنوان کسی که ایمان دارد و تعمید یافته است ملک انحصاری مسیح گردیده است؛ به او تعلق دارد، همچنانکه یک عضو به بدن متعلق است. چنین وضعیتی در زندگی با اطاَعت حاصل خواهد شد و عملاً آنچه را صواب است تحقق خواهد بخشید. اعضای بدن فرد ایماندار اعضای مسیح شده اند (۴:۱۲-۵؛ ۱-قرن۶:۱۵؛ ۱۲:۱۲-۲۷). بنابراین فرد ایماندار باید در راه تقدس پیش برود تا تقدسی که قبلاً بوسیله مسیح یسوع عطا شده است تحقق بخشد. کلمه یونانی که «اکنون» ترجمه شده است تأیید می کند که موقعیت کنونی ایماندار به همانگونه که عمل مسیح تعیین کرده است زمینهٔ تشویق به پیشروی در راه تقدس با اجرای عدالت است (ر.ک عبارت مکا۲۲:۱۱: آنکه مقدس است باز هم خود را مقدس سازد).»
- این نکته را بیفزاییم که برطبق مفاد فصل های نامه به رومیان، این تقدس چیز دیگری نیست به جز تحقق بخشیدن واقعی و عملی به زندگی جدیدی که به هنگام تعمید در مسیح داده شده است (بند۴). ر.ک روم۱:۷ m و ۱۵:۲۵ h.

m- گاهی ترجمه می کنند: پس در آن موقع چه ثمره هایی داشتید؟ امروز شرمسارید زیرا پایان آنها مرگ است.

n- بندهای ۲۱و۲۲ کاملاً شبیه و به موازات یکدیگرند بدین معنی که مرگ نتیجه و عاقبت گناه است و زندگی جاویدان عاقبت تقدس می باشد. ولی بند ۲۳ تفاوت آنها را نشان می دهد: جریانی که به مرگ منتهی می شود تابع روش عادلانهٔ پاداش دادن است (مزد، اجرت) درصورتی که آنچه به زندگی جاویدان هدایت می کند عمل رحیمانه و رایگان خدا است (عطیه رایگان). دربارهٔ نقش اعمال آدمی در این جریان، نظریات کاتولیک و پروتستان متفاوت است.

o- رومیان در مورد آشنایی به علوم حقوقی شهرت داشتند. ترجمهٔ دیگر: من به انسانهایی عالم (آشنا) به قانون سخن می گویم که در این صورت منظور قانون موسی است. در آموزش مذهبی مسیحیان حتی موقعی که به افراد مسیحی آموزش داده می شد که قبلاً به دین یهودی نبودند مرتباً اشاره و مراجعه به عهد عتیق می شد.

دیگری زناکار نیست. ۴همچنین ای برادران من، شما هم[p] نسبت به قانون [تورات][q] بوسیله جسم مسیح مرده اید[r] تا شما به کس دیگری متعلق باشید، به آن کس که از بین مردگان برخاسته است تا ثمره برای خدا بیاوریم. ۵زیرا وقتی در تن بودیم، هیجانهای گناه‌آلود، که بوسیله قانون [تورات] [s] در اعضای ما عمل می‌کردند[t] تا برای مرگ ثمر آوریم. ۶ولی اکنون از قانون [تورات] رها شده‌ایم، که مرده بودیم با چیزی که ما را در بند نگه می‌داشت به طوری که در تازگی روح (معنی) و نه در کهنگی لفظ خدمت می‌کنیم[u].

۶:۵-۶؛ ۸:۱۱-۲۲؛ ۲ـ قرن ۵:۱۵
۶:۲۰-۲۱
۲:۲۹؛ ۶:۱۲-۱۴؛ ۲ـ قرن ۳:۶

p- در این مورد نبایستی جزئیات را مقایسه نمود؛ در مثالی که پولس می‌آورد مرگ شوهر، زن را آزاد می‌کند (بندهای ۲-۳)؛ در انطباق با این مثال، فرد مسیحی که با مسیح می‌میرد، مسیح او را آزاد می‌سازد (بند۴). و مقایسه فقط در این نکته است که: ارتباطی که بوسیله قانون ایجاد شده بوسیله مرگ قطع می‌شود.

q- در اینجا منظور قانون موسی است ولی باید متوجه بود که نظر پولس فقط به جنبه‌های کهنه و متروک این قانون محدود نمی‌شود (مثل ختنه کردن، مقررات نیایش، مقررات مربوط به اغذیه). تنها مثال روشن و صریحی که ارائه می‌دهد از ده فرمان گرفته شده است (بند۷) و یادآوری فرمانی است که خدا به آدم [ابوالبشر] داده است (ر.ک بندهای ۹-۱۱ یادداشت‌های a،z،y). پولس قانون موسی را به عنوان قانون اخلاقی که از سوی خدا آمده است می‌نگرد، قانونی که از خارج بر آدمیان ابلاغ می‌شود. آنچه دربارهٔ این قانون می‌گوید در مورد هر دستور اخلاقی صادق است که فقط راهی را که آدمی باید بپیماید نشان می‌دهد بدون اینکه نیروی اجرای آن را داده باشد. پولس در این فصل و در آغاز فصل بعدی، در خارج از قانون موسی سه قانون دیگر تشخیص می‌دهد که عبارتند از: قانون گناه که در اعضای بدن من وجود دارد (بند ۲۳، ر.ک بندهای ۲۲ و ۲۵)، قانون روح‌القدس که در یسوع مسیح زندگی می‌دهد (روم۸: ۲) و قانونی که ذکاوت من آن را تصویب می‌کند (بند۲۳). دو قانون اولی اصول فعال و نیرومندی هستند که آدمی را وادار می‌کنند چنین یا چنان رفتار نماید؛ قانون سومی را باید با قانون درونی مشرکان مقایسه کرد (روم۲:۱۲ r و۱۵ t)؛ قانونی که روشن می‌کند و محکوم می‌نماید ولی آدمی را در بیچارگی خود باقی می‌گذارد. قانون موسی هم به همین گونه است: قانونی مقدس است (روم۷:۱۲) ولی اگر ملاحظه شود فقط شناسایی گناه را دربر دارد (می‌دهد) (روم۳:۲۰). ر.ک روم۲:۱۲؛ ۴:۱۵ o.

r- ملاحظه کنید که مطالب این قسمت به موازات فصل ششم می‌باشد که در آنجا پولس نشان می‌دهد فرد مسیحی، در مرگ با مسیح، به گناه مرده است. در اینجا رسول توضیح می‌دهد که فرد مسیحی در مرگ با مسیح به قانون مرده است. این مطالب را به دوگونه می‌توان تفسیر نمود: ۱- فرد مسیحی به وسیلهٔ جسم مسیح به قانون مرده است بدین معنی که مسیح به‌جای فرد ایماندار و به نام او حکم مرگی را که برطبق قانون علیه گناهکار صادر شده متحمل گردیده است. از این پس در مورد کسی که به مسیح پیوسته است قانون هیچ‌گونه وظیفه و اجباری تعیین نمی‌کند. ۲- فرد مسیحی به وسیله پیوستن به مسیح که مرده و دوباره زنده شده است (بند ۴) دیگر در جسم زندگی نمی‌کند (بند ۵)، بلکه در روح‌القدس زندگی می‌کند(بند ۶، ر.ک روم۸:۹) قانون روح‌القدس که زندگی می‌دهد، مرا در یسوع مسیح از قانون گناه و مرگ رهایی بخشیده است (روم۸:۲)؛ فرد مسیحی عدالتی را که قانون مقرر کرده است انجام می‌دهد (روم۸:۴) یعنی مقررات و الزامات اخلاقی قانون موسی را با نیروی فعالی که مختص این زندگی جدید است انجام می‌دهد؛(ر.ک یادداشت قبلی q) در صورتی که قبلاً در تحت تسلط جسم (روم۸:۵-۷)، واگذار شده به قانون گناهی که در اعضای او وجود داشته(روم۷:۲۳) بوسیلهٔ قانون خدا محکوم بود، قانونی که او را گناهکار اعلام کرده، به مرگ مجازات می‌کرد بدون اینکه نیرویی بدهد که از این وضع خارج شود. بنابراین به قانونی مرده است که دیگر حکم محکومیتی علیه او اجرا نمی‌کند (روم۸:۱).

s- ترجمه تحت‌اللفظی: هیجانهایی گناه‌آلود به وسیله قانون (عمل می‌کنند یا صدمه می‌زنند). در بندهای ۷ الی ۱۴ این عبارت تشریح خواهد شد.

t- این اصطلاح به مفهوم مجموعهٔ وجود آدمی است به طوری که در دنیا عمل می‌کند. در اینجا اعضای آدمی تحقیر شده است و ممکن است در راه ناپاکی و بی نظمی عمل کنند و یا در خدمت عدالت باشند(روم۶:۱۸-۱۹).

u- در اینجا پولس بنابر عادت خود موضوع بعدی را که در فصل ۸ تشریح خواهد آمد اعلام می‌کند (چنانکه در روم۶:۱۴ موضوع فصل هفتم را اعلام می‌کرد). در مورد تمایز بین معنی ظاهری- روح‌القدس ر.ک ۲-قرن۳. منظور اختلاف بین قانون مکتوب موسی و قانون روح‌القدس است (روم۸:۲) و به هیچ وجه تمایز بین «معنی ظاهری و لفظی» قانون و«روح» آن قانون نیست.

نقش قانون تورات

۲۰:۳ [۷]پس چه خواهیم گفت؟ آیا قانون گناه
است؟ هرگز چنین مباد! ولی گناه را
نشناخته ام[v] مگر بوسیلهٔ قانون. و البته من
طمع را نمی شناختم اگر قانون نگفته بود:
یع ۱:۱۴-۱۵؛ رومیان ۴:۱۵؛ ۵:۱۳-۲۰؛ ۱ـ قرن ۱۵:۵۶ طمع نخواهی ورزید[w]. [۸]و گناه بوسیله فرمان
فرصت جسته در من هرگونه طمع پدید آورد
زیرا بدون قانون گناه مرده است[x]. [۹]من در
گذشته بدون قانون زنده بودم[y] اما فرمان
لاو ۱۸:۵؛ تث ۴:۱؛ ۵:۳۲-۳۳؛ حزق ۲۰:۱۱ آمده، گناه جان گرفته است،[z] [۱۰]و من
مرده ام و فرمانی که برای زندگی بود، در من
مرگ را یافت[۱۱] زیرا گناه فرصت یافته
پید ۳:۱۳؛ ۲ـ قرن ۱۱:۳؛ عبر ۳:۱۳ بوسیله فرمان مرا فریب داده[a] و بوسیله آن
مرا کشته است. [۱۲]پس در واقع قانون مقدس
است و فرمان مقدس، عادلانه و خوب است. تث ۴:۸

انسان تحت تسلط گناه

[۱۳]آنگاه آیا آنچه خوب است برای من
مرگ شده است؟ هرگز! بلکه این گناه،
برای آنکه گناه بودنش ظاهر شود به وسیلهٔ
آنچه خوب است موجب مرگ من شده
است تا گناه بوسیله فرمان بی نهایت
گناهکار گردد[b]. [۱۴]زیرا می دانیم که قانون
مز ۵۱:۷؛ یو ۳:۶؛ غلا ۵:۱۷ روحانی است ولی من از تنم (جسمانی) و
فروخته شده به گناه هستم. [۱۵]چون آنچه
می کنم درک نمی نمایم، زیرا آنچه را
می خواهم، عمل نمی کنم بلکه آنچه نفرت
دارم انجام می دهم[c]. [۱۶]باری اگر آنچه را

v- معنی ضمیر من که در اینجا بکار برده شده بوسیله اشاره به آدم ابوالبشر و خطای او در بندهای ۹:۱۱-۲۴ روشن شده است، منظور هر انسانی است که به مانند آدم ابوالبشر درگیر با قانون، تجاوز از آن و گناه می باشد.

w- خروج ۲۰:۱۷؛ تث ۵:۲۱.

x- «بدون قانون... رفتار آدمی تابع هیچ معیاری نیست، معیاری که به اعمال انسان ارزش اخلاقی و مذهبی می دهد» (لین هارت). ر.ک به بند ۹ y.

y- احتمالاً پولس به دوران قبل از ارتکاب اولین گناه آدمی می اندیشید ولی به نوعی در مورد هر انسانی صادق است. ر.ک بند ۷ v. پولس طبیعت این زندگی پیش از ارتکاب گناه را تعیین نمی کند. به نظر او سرشت این زندگی با مرگ روحی و معنوی که در پی دارد تباین و اختلاف دارد.

z- این عبارت نظیر آنچه در بند ۸ آمده است (بدون قانون، گناه مرده است) به خوبی نشان می دهد که قانون رفتار گناه آمیز بوجود نمی آورد؛ بلکه این رفتار را برملا کرده، آن را به همان گونه که هست نشان می دهد زیرا طبیعت اعمال آدمی را که تحت سلطهٔ قانون گناه است ظاهر می سازد، قانونی که در اعضای او وجود دارد (بند ۲۳).

a- این عبارت از پید۳:۱۳ است. آدمی با پیروی از قانون گناه که او را به مرگ رهبری می کند فریب خورده است نظیر حوا که بوسیله مار فریب خورده بود. بدین گونه مرگ را می گزیند درصورتی که خدا او را به زندگی دعوت می نماید.

b- ترجمه تحت اللفظی: تا او به منتهی درجه گناهکار پدیدار گردد. در اینجا گناه به سبب آثاری که بر روی آدمی دارد به صورت مشخص مجسم شده، این تجسم تا بند ۲۰ ادامه می یابد.

c- به نظر بیشتر مفسران کهن و تعدادی مفسران جدید در اینجا و در بندهای بعدی سخن دربارهٔ مسیحیان است. ولی بیشتر دربارهٔ انسان گناهکاری است که هنوز بوسیله ایمان رستگار نشده است. البته وضعیتی که در اینجا توصیف شده مجدداً در زندگی فرد ایماندار به شکل دیگری آمده است (غلا۵:۱۷). البته اختلاف و معارضه ای که در بندهای ۱۵ الی ۲۴ ذکر شده نبایستی از نظر روانشناسی تجزیه و تحلیل کرد و یا تصور شود توصیفی از یک تجربه شخصی پولس است. بلکه منظور نگاهی بر انسان گناهکار است که فقط پرتو ایمان آن را امکان پذیر ساخته است. در زندگی، انسانی که بردهٔ گناه باشد فقط ایمان می تواند بعضی جنبه های زندگی را که خودش نمی تواند معنی آن را درک کند برای او ظاهر ساخته، آشکار کند. اندیشهٔ پولس را تقریباً بدقت می توان با کلمهٔ «انتقال» بیان کرد (منظور معنی عمیق این کلمه می باشد که به مفهوم تعلق یافتن به دیگری است) گناه، آدمی را منتقل می کند یعنی او را در سرنوشتی وارد می کند که برخلاف تمایلات باطنی او است و برخلاف الهام درونی است که خدا او را بدان دعوت می کند. این اختلاف و تعارض را پولس آشکار و روشن می کند و نشان می دهد که آدمی مایل به نیکی است و نیکی را آرزو می کند بدون اینکه موفق شود از بدی احتراز نماید فعل خواستن که در بندهای ۱۵: ۱۹، ۲۰-۲۱ آمده است همین آرزو را بیان می کند و ضمیر من که در بندهای ۱۷ و ۲۰ بکار برده شده انسانی است که به این «انتقال» پی برده، آن را

که نمی‌خواهم انجام می‌دهم، می پذیرم که
قانون خوب است[d]. ۱۷ولی اکنون من آن را
انجام نمی‌دهم، بلکه گناهی که در من جای
دارد[e] [انجام می دهد]. ۱۸زیرا می‌دانم که
پید ۶:۵؛ ۸:۲۱ در من، تن من، خوبی جای ندارد. البته
ارادهٔ خوبی کردن در دسترس من است ولی
نه اجرای آن* . ۱۹زیرا خوبی را که
می‌خواهم نمی‌کنم ولی بدی را که
غلا ۵:۱۷ نمی‌خواهم می کنم. ۲۰باری اگر آنچه را
نمی‌خواهم می کنم، من انجام نمی‌دهم،
بلکه آن گناهی که در من جای دارد[انجام
می دهد]. ۲۱پس برای من که می‌خواهم
خوبی بکنم این قانون را درمی‌یابم[f] که بدی
کردن در دسترس من است. ۲۲زیرا برحسب
۲ـ قرن ۴:۱۶؛ افس ۳:۱۶ انسانیت باطنی[g] از قانون خدا خوشنودم.
۲۳ولی قانون دیگری در اعضای خود[h] می
بینم که با قانون ذکاوت من[i] در مبارزه غلا۵:۱۷
است و مرا در زیر قانون گناه که در اعضای
من است اسیر می سازد. ۲۴ای بیچاره مز ۲۲:۱-۱۲؛ ۱۰۷:۶-۱۳، ۱۹، ۲۸
[من] انسان هستم! چه کسی مرا از این
جسم مرگ رهائی خواهد بخشید[j]؟ ۲۵ اما ۵:۲۱؛ ۲۳:۶؛ ۱ـ قرن ۵۷:۱۵
شکر خدا را به وسیله یسوع مسیح، خداوند
ما! پس بدین سان، من خودم، حقیقتاً با
ذکاوت، قانون خدا را بنده هستم اما به
جسم، قانون گناه را[k].

آزادی بوسیله روح‌القدس

۸ ۱پس اکنون برای آنان که در مسیح
هستند هیچ محکومیتی نیست.
۲ـ قرن ۳:۱۷؛ غلا ۵:۱۸؛ اع ۱۳:۳۸-۳۹ ۲زیرا قانونِ روح[l] زندگی در مسیح یسوع تو
را[m] از قانون گناه و مرگ آزاد کرده
است.[n] ۳زیرا آنچه برای قانون تورات که عبر۷:۱۸

می شناسد بدون اینکه بتواند از آن بگریزد (بند۱۸). انسان در این معنی می شناسد که قانون خوب است (بند ۱۶). بین محتوای قانون و آنچه را آدمی میل طبیعی واقعی خود می شناسد مقارنت و انطباق وجود دارد (بندهای ۲۲-۲۳).

d- ترجمه تحت‌اللفظی: من موافقم با قانون که خوب است.

e- قصد پولس در اینجا و در بند ۲۰ آن نیست که مسئولیت انسان گناهکار را کاهش و تخفیف دهد (ر.ک بند۱۵ c).

* دو کلمه ای که «خوبی» ترجمه شده است در اصل یونانی، مختلف اما مترادف می باشند، که به دفعات تکرار شده است.

f- کلمهٔ قانون در اینجا به معنی معمولی کلمه و مفهوم معتدل و ملایم آن آمده است بنابراین جمله را می توان ترجمه کرد: زیرا دائماً اوضاع چنین می گذرد.

g- این اصطلاح که اصلاً در فلسفه یونان بکار رفته، سپس در زبان عادی مردم وارد شده است به معنی قسمتی از وجود آدمی است که عقلانی و منطقی می باشد (ر.ک بند۲۳: قانون ذکاوت من)، در این مورد تجدید انسان بوسیله روح‌القدس منظور نشده است، بلکه انسان باطنی حالتی از انسان کهن یعنی انسان گناهکار است.

h- این اصطلاح به مفهوم تمام وجود آدمی است که در اینجا به عنوان بردهٔ گناه می باشد. در این متن همان معنی کلمهٔ جسم را دارد که در بندهای ۵ و ۱۸ آمده است.

i - ترجمهٔ تحت‌اللفظی: قانون ذکاوت من. در مورد این اصطلاح و در مورد اصطلاح قانون گناه که در اعضای من است، ر.ک بند ۴ q.

j- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: در جسم این مرگ: این طرز بیان از زبانهای سامی گرفته شده است. ر.ک روم۱۲:۱ i. این عبارت رامی توان به طرز مفصل تر و مشروح تر چنین ترجمه کرد: که مرا از آن «منی» که در اندرون من و اسیر گناه و محکوم به مرگ است آزاد خواهد کرد تا بتوانم «من» جدیدی در یسوع مسیح بشوم (روم۸:۱) و بوسیلهٔ روح‌القدس تغییر یابم (روم۸:۵-۱۱).

k- این عبارت آخری بهتر بود بعد از بند۲۳ آمده باشد. ولی هیچ یک از نسخه های خطی این متن چنین فرضیه ای را تأیید نمی کند.

l- این عبارت خلاصه ای است از آنچه در ار۳۱:۳۳ و حزق۳۶:۲۷؛ ۳۷:۱۴ آمده است. فرد ایماندار به وسیله روح خدا که یسوع داده است تغییر یافته و نو شده است و می تواند از ارادهٔ خدا تبعیت نماید و این اراده اجبار و فشاری نیست که از خارج بر او تحمیل می شود بلکه قانون درونی زندگی جدید او است.

m- در بعضی از نسخه های خطی بدین صورت است در بعضی دیگر: ما را ... آزاد کرده است، در بعضی مرا ... آزاد کرده است.

n- بعضی ترجمه می کنند: در مسیح یسوع آزاد کرده است.

زیرا آنچه از قانون غیر ممکن بود، چونکه جسم ضعیف بود، خدا[انجام داده است][o]:
غلا ۳:۱۳؛ ۲ـ قرن ۵:۲۱؛ عبر ۲:۱۴-۱۸؛ ۴:۱۵ با فرستادن پسر خودش در نظیر جسم گناه[p] و برای گناه، گناه را در جسم محکوم کرد[q].
مت ۵:۱۷ ۴تا عدالت[r] قانون، در ما که نه برطبق جسم، بلکه برطبق روح[s] رفتار می کنیم
غلا ۵:۱۶-۲۳ انجام گردد. ۵زیرا آنان که برطبق تن[t] هستند در چیزهای تن می اندیشند؛ اما
۶:۲۱ آنان که برطبق روح، در چیزهای روح. ۶زیرا اندیشه جسم مرگ است؛ اما اندیشه
یع ۴:۴ روح، زندگی و آرامش. ۷بدین سبب اندیشهٔ تن، دشمنی نسبت به خداست زیرا
۱ـ یو ۲:۱۵-۱۶ تابع خدا نیست، نمی تواند هم باشد. ۸پس آنان که در تن هستند نمی توانند خوشایند خدا باشند.
۹اما شما در تن نیستید بلکه در روح [هستید]، در واقع اگر روح خدا در شما سکونت دارد[u]. اما اگر کسی روح مسیح را ندارد به او تعلق ندارد. ۱۰و اگر مسیح در
۱ـ قرن ۳:۱۶ شما است، حقیقتاً جسم به سبب گناه مرده است اما روح به سبب عدالت زندگی است[v].
۱۱و اگر روح آن کسی که یسوع را از میان مردگان برخیزاند در شما سکونت
۱ـ قرن ۶:۱۴؛ ۲ـ قرن ۴:۱۴ دارد، آنکه مسیح یسوع را از میان مردگان برخیزاند، جسم های فناپذیر شما را هم به وسیله روح خود که در شما سکونت دارد زنده خواهد کرد.
۱۲پس بنابر این ای برادران، ما مدیون تن نیستیم تا برطبق تن زندگی کنیم[w].
۱۳زیرا اگر برطبق جسم زندگی می کنید باید بمیرید؛ ولی اگر به وسیله روح، اعمال جسم را بکشید[x]، زندگی خواهید کرد.
۱۴زیرا همه آنان که به وسیله روح خدا

o- ترجمه های دیگر: در مورد گناه، به ملاحظهٔ گناه (که باید جبران کرد). بعضی از مفسران بر آنند این عبارت اصطلاحی فنی است که در کتاب مقدس به زبان یونانی در مورد قربانی کردن بکار برده شده است (ر.ک اش۵۳:۱۰).
p- ترجمهٔ دیگر: با فرستادن پسر خودش در موقعیت جسم گناهکار ما. مسیح سرنوشت وضعیت گناهکاری ما را برعهده می گیرد بدون اینکه خودش به هیچ وجه گناهکار باشد (۲-قرن۵:۲۱).
q- این محکومیت که در جسم مسیح مصلوب انجام گردیده قطعی و منحصربه فرد است و بر تسلّط گناه بر جسم ایماندار پایان می دهد زیرا فرد ایماندار در عملِ اطاعت مسیح سهیم شده است.
r- این عدالت عبارت از تطبیق یافتن با مشیت خدا است (ر.ک روم۵:۱۸). به نظر کسان دیگری حکم محکومیت است (ر.ک روم ۱:۳۲) که قانون برضد فرد گناهکار صادر شده و مسیح به نام ما به آن تن در داده است.
s- تحت اللفظی: که برطبق جسم راه نمی رویم بلکه برطبق روح.
t- ترجمه بالا تحت اللفظی است و گاهی ترجمه می کنند: آنان که تحت تسلّط جسم هستند... آنان که تحت تسلّط روح هستند.
u- این جمله را گاهی ترجمه می کنند: چون که روح خدا در شما جای دارد.
v- ترجمه دیگر: اگر مسیح در شما است جسم شما درواقع به سبب گناه به سوی مرگ می رود اما روح القدس به سبب عدالت، زندگی شما است. برطبق این ترجمه وجود کنونی به سبب گناه و مرگ که در دنیا وارد شده اند به سوی مرگ می رود (ر.ک روم۵:۱۲) اما وجود نو در روح القدس به سوی زندگی جاودان می رود، به لطف عدالت نجات بخش خدا که مسیح را زندگی می دهد، مسیح که از میان مردگان برخاسته، دیگر نخواهد مُرد (روم۶:۹). مفسران دیگری چنین درک می کنند: کسی که به عدالت شناخته شده است، جسم او «کالبدی برای گناه» است و گناه جز کالبدی در برابر خود ندارد که نمی تواند از آن استفاده کند (روم۶:۶؛ ۸:۷). درصورتی که برابر ترجمهٔ بالا منظور از روحی که در این بند ذکر شده روح آدمی است. در مورد معنی جسم ر.ک روم۶:۶ y.
w- قسمت مکمل این عبارت مستتر است یعنی: بلکه مدیون روح القدس هستیم تا برطبق روح زندگی کنیم.
x- کلمه یونانی که در اینجا جسم ترجمه شده، منظور آن طرز زندگی است که فقط متمرکز بر جسم باشد (ر.ک روم۶:۶).

رهبری می‌شوند؛ آنان پسران خدا هستند.
غلا ۴:۷؛ ۲-تیمو ۱:۷ ۱۵زیرا روح بردگی دریافت نکرده‌اید[y] تا
باز بترسید بلکه روح فرزندخواندگی
دریافت کرده‌اید که به وسیله آن فریاد
غلا ۴:۶ برمی‌آوریم: «ابا[z]! ای پدر!» ۱۶خود
روح با روح ما گواهی می‌دهد که ما
فرزندان خدائیم[a]. ۱۷باری اگر فرزندانیم،
وارثان هم هستیم، در واقع وارثان خدا[b]،
هم ارث با مسیح، اگر واقعاً[c] با او رنج
لو ۲۴:۲۶؛ ۱-پطر ۴:۱۳ می‌بریم تا با او شکوهمند هم باشیم[d].

شکوهی که فرا می‌رسد

۱۸زیرا به نظر من، رنجهای دوران حاضر،
با شکوهی که در ما ظاهر خواهد شد[e] قابل
قیاس نیست. ۱۹زیرا[f] انتظار آفرینش
ظهور[g] پسر خدا را انتظار می‌کشد. ۲۰زیرا
جا ۱:۲؛ پید ۳:۱۷ آفرینش تابع بیهودگی[h] گردیده است، نه به
میل بلکه به سبب کسی که[i] او را تابع
[بیهودگی] کرده بود، در امید، ۲۱که
۲-پطر ۳:۱۲-۱۳؛ مکا ۱:۲۱ آفرینش هم از بردگی فساد[j] آزاد خواهد شد
در آزادی شکوهمند فرزندان خدا[k].

y- گاهی ترجمه می‌کنند: زیرا روحی که شما را برده نماید دریافت نکرده‌اید... روحی که شما را فرزندخوانده نماید...
z- این کلمه که به زبان آرامئی است بیان صمیمیت مملو از محبت و الفت یسوع و پدرش می‌باشد (مر۱۴:۳۶؛ ر.ک مت ۱۱:۲۵؛ لو۲۲:۴۲ و غیره)، ضمناً ما را که رابطهٔ فرزندخواندگی یافته‌ایم در این خصوصیت شریک می‌سازد (ر.ک غلا۴:۶). ممکن است در اینجا پولس اشاره به آغاز دعای ای پدر ما برابر انجیل به روایت لوقا می‌نماید (لو۱۱:۲).
a- به نظر بعضی از مفسران جملهٔ: روح القدس با روح ما گواهی می‌دهد شامل دو گواهی جداگانه و متمایز است چنان که در تث۱۹:۱۵ ذکر شده و در یو۸:۱۷ نقل گردیده است؛ مت۱۸:۱۶؛ ۲-قرن۱۳:۱ لذا ترجمه می‌کنند: روح القدس به روح ما گواهی می‌دهد که موضوع گواهی مضاعف منتفی است.
b- در عهد عتیق منظور از میراث تصاحب سرزمین موعود است (تث۴:۲۱) و موضوع مرگ کسی در میان نیست. در عهد جدید سرزمین موعود شامل مجموعه نعمت‌های الهی است و عبارت از ملکوت (مت۲۵:۳۴) و زندگی جاودان است (مت۱۹:۲۹). پدر کلید نعمت‌های خود را به پسرش که از میان مردگان برخاسته، به وسیله او به ایمانداران منتقل می‌نماید.
c- بعضی ترجمه می‌کنند: چون که با او رنج می‌بریم... (ر.ک بند ۹).
d- در این عبارت حرف ربط «تا» بدان معنی نیست که فرد مسیحی به خاطر شکوه یافتن رنج می‌برد (چنان که گویی لازم بوده است یسوع در طلب رنج باشد به منظور اینکه شکوه کسب نماید). این کلمه ارتباط لازم بین دو جنبهٔ یک راز منحصربه فرد یعنی مرگ و رستاخیز را برای فرد ایماندار و همچنین برای مسیح بیان می‌کند (ر.ک فی۳:۱۰-۱۱).
e- ر.ک ۲-قرن۴:۱۷. این شکوه هم‌اکنون در مسیح رستاخیز یافته و حتی به نوعی در فرد مسیحی وجود دارد (۲-قرن۳:۱۸) ولی هنوز متظاهر نشده است. پولس نه فقط از تظاهر شکوه بلکه از الهام و کشف آن سخن می‌گوید زیرا آدمی درحال حاضر نمی‌تواند درخشندگی شکوه آینده را درک نماید. ضمناً تجلی شکوه از طریق آدمی به تمام آفرینش خواهد رسید (ر.ک بندهای بعدی) ر.ک روم۳:۲۳ v.
f- کلمهٔ «زیرا» ابعاد تجلی شکوه خدا و وسعت جهانی آن را تصریح و روشن می‌کند.
g- مسلماً منظور تجلی و تظاهر شکوه است (بند ۱۸).
h- این وضعیت نتیجه و بر اثر گناه آدمی است که آفرینش را برضد مشیت الهی و در خدمت خودخواهی و ارادهٔ قدرت‌طلبی خود بکار می‌برد. به نظر مفسران دیگری این وضع از مختصات فسادپذیری و موقتی بودن حقایق مخلوق می‌باشد.
i- ظاهراً منظور خدا است (ر.ک پید۳:۱۷) که در داخل مشّیت نجات خود، گناه آدمی را که مسئول واقعی این انقیاد است کیفر می‌دهد (ر.ک روم ۱۱:۳۲). در نظر بعضی از مفسران نیز منظور خدا است ولی این وضعیت ارتباطی با گناه آدمی ندارد (ر.ک بند ۲۰ h). بالاخره به نظر بعضی دیگر منظور آدم ابوالبشر یا منظور شیطان است.
j- کلمه فساد در اینجا ظاهراً به همان معنای بیهودگی و بطالت است (ر.ک بند ۲۰ h).
k- ترجمهٔ دیگر: تا به آزادی و شکوه فرزندان خدا برسد. قبلاً در نوشته‌های عهد عتیق آموزش داده می‌شد که جهان مادی در پایان روزگار در شکوه قوم خدا سهیم خواهد شد (اش۱۵:۳۳؛ ۶۵:۱۷). در اینجا این اظهارات نتیجه و اثر شکوهمند شدن جسم ایماندار مسیحی است (بندهای ۱۷، ۲۳) شکوهمندی که ثمرهٔ صلیب و رستاخیز یسوع است (ر.ک ۱-قرن۱:۱۸-۲۰).

۲۲زیرا[l] می‌دانیم که تاکنون تمام آفرینش
با هم ناله ها و دردهای زایمان[m] دارند.
۲ـ قرن ۱:۲۲ ۲۳و نه تنها [این]، بلکه ما هم که نوبر
۲ـ قرن ۵:۲-۵؛ فی۳:۲۰-۲۱ روح[n] را داریم، در انتظار فرزندخواندگی[o]
و بازخرید تن خود در درون خودمان
می نالیم. ۲۴زیرا در امید[p] است که نجات
یافته ایم. باری امید مشاهده شده دیگر
امید نیست. چه کسی باز امیدوار است به
چیزی که می بیند[q]؟ ۲۵ولی اگر به آنچه
نمی بینیم امیدواریم، آن را با مقاومت
انتظار می کشیم.
یع ۴:۳-۵ ۲۶و همچنین[r] روح نیز به یاری ناتوانی ما
می‌آید. زیرا نمی دانیم آن طور که باید دعا
کنیم؛ ولی خود روح با ناله های
توصیف ناپذیر[s] میانجیگری می کند.
۲۷و آن که دلها را کاوش می کند، می داند
اندیشه روح [القدس] چیست زیرا برطبق
خدا، به خاطر مقدسان میانجیگری می کند.
۲۸وانگهی می دانیم که برای آنان که خدا
را دوست می دارند، همه چیز با یکدیگر
در کار است، برای نیکویی آنان که بر طبق
مشیّت[او][t] فرا خوانده شده اند. ۲۹زیرا
کسانی را که پیشاپیش شناخته است[u]
همچنین آنان را قبلاً تعیین نموده تا مطابق
صورت[v] پسرش باشند تا وی نخست زاده
در بین برادران متعدد باشد؛ ۳۰و آنانی را
که قبلاً تعیین نموده، آنان را نیز فراخوانده
است؛ و آنانی را که فراخوانده، آنان را
عادل هم شناخته است و آنانی را که عادل
شناخته، شکوهمند هم ساخته است[w].

l- این نکته را بوسیله کلام مُنزل می دانیم (مخصوصاً اشاره به پید۳:۱۷).
m- این اصطلاح که در کتاب مقدس آمده است (مثلاً ار۱۳:۲۱؛ اش۶۶:۶-۸) درعین حال وضع دردناک کنونی و انتظار شکوهمندی آینده را تعیین می کند. در تمام این قسمت (بندهای ۱۹-۲۲) قویاً تأیید شده است که دنیای مادی و بی روح در شکوهمندی جسم آدمی در مسیح رستاخیز کرده شریک خواهد شد. ضمناً این اظهارات در نوشته های پولس بیان ایمان است و نبایستی آن را با اندیشه های فلسفی دربارهٔ مفهوم و آیندهٔ جهان مخلوط کرد.
n- اینجا که سخن دربارهٔ نوبر است منظور یک قسمت از موهبتی است که پیشاپیش داده شده و تضمین موهبت کامل در آینده است (ر.ک ۱- قرن۱۵:۲۰؛ روم۱۱:۱۶).
o- فرزندخواندگی قبلاً بدست آمده است (بند ۱۵). آنچه امید و انتظار داریم آثار کامل آن است که عبارت از بازخرید و نجات جسم ما است. کلمهٔ فرزندخواندگی در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد، بعدها برای توضیح افزوده شده است.
p- نجات ما نظیر فرزندخواندگی قبلاً بدست آمده است (ر.ک بند ۲۳ o) ولی ما در انتظار و به امید تحقق یافتن کامل آن هستیم.
q- پولس با کلماتی که مربوط به مشاهده و رؤیت است اظهار می کند آنچه را که ما معمولاً با کلمات حضور و تعلق بیان می کنیم.
r- کلمه همچنین، شباهت ناله ها را نشان می دهد: تمام آفرینش ناله می کنند (بند۲۲)، ما مسیحیان در درون خود می نالیم (بند ۲۳)، روح القدس با ناله های توصیف ناپذیر ... (بند۲۶).
s- ظاهراً منظور فعالیت روح القدس است که در بند ۱۵ ذکر شده است (ر.ک غلا۴:۶) همچنین ر.ک ۱-قرن۲:۱۰-۱۳.
t- در بعضی از نسخه های خطی کلمه خدا وجود ندارد و چنین ترجمه شده است: وانگهی می دانیم که همه چیز به نفع آنان که خدا را دوست دارند هم آهنگ می شود. یا اینکه: خدا در همه چیز به نفع آنان که او را دوست دارند همکاری می کند.
u- برطبق مفهوم کلمه عبری که در اینجا شناختن ترجمه شده است منظور گزینش در محبت است (ر.ک پید۱۸:۱۹).
v- مسیح تصویر کامل پدر است (کول۱:۱۵). پدر تصویر پسرش را در تمام کسانی که در فرزندی او شرکت دارند ایجاد می نماید (روم۸:۱۶-۱۷). این برابری با تصویر پسر با تغییر درونی و تدریجی انجام می گردد (۲-قرن۳:۱۸) و تا بازآمدن مسیح به کمال و تمامیت نخواهد رسید (۱-قرن۱۵:۴۹).
w- پولس چندان در این فکر نیست که توالی زمانی بین مراحل مختلف را نشان دهد، مراحلی که ممکن است بعضی از آنها بر یکدیگر منطبق باشند؛ بلکه حرکتی را ارائه می نماید که به سوی سرانجامی منجر می گردد و عبارت از شکوهی است که از هم اکنون مسیح را دربر دارد و بوسیله او به ما منتقل خواهد شد. مسلم بودن این سرانجام دلیل بکار بردن فعل به صورت ماضی است که ثمره های نوبر آن را هم اکنون به وسیله روح القدس داریم (بند ۲۳). ر.ک ۲-تسا۲:۱۳-۱۴؛ افس۱:۱۱-۱۳.

ستایش محبت خدا

۳۱ پس به این چیزها چه خواهیم گفت؟ اگر
خدا به جانب ما است، چه کسی برضد ما
است[x]! ۳۲ او که پسر خودش را[y] معاف
۵:۶-۱۱؛ یو ۳:۱۶ نداشته، بلکه او را به خاطر همهٔ ما تسلیم
اش ۵۰:۸ نموده[z]، چگونه با [وی] همه چیزها را به ما
نخواهد داد؟ ۳۳ چه کسی برگزیدگان خدا را
متهم خواهد کرد؟ خدا، که عادل می شمارد[a]؟
۳۴ چه کسی محکوم خواهد کرد؟ مسیح یسوع
که مرده است، یا بلکه نیز (از میان مردگان)
برخاسته است، که به دست راست خدا است
عبر ۲۵:۷ که نیز خاطر ما میانجیگری می کند[b]! ۳۵ چه
کسی ما را از محبت مسیح جدا خواهد کرد؟
اندوه یا اضطراب یا تعقیب یا گرسنگی یا
برهنگی یا خطر یا دشنه؟ ۳۶ برابر آنچه نوشته
شده است: به خاطر تو همهٔ روز ما را
می کشند، ما را چون گوسفندان کشتارگاه
بشمار می آورند[c]. ۳۷ ولی در همهٔ اینها ما
زیاده پیروزمندیم به وسیلهٔ [آنکه] ما را
دوست داشته است. ۳۸ آری من اطمینان
دارم: نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه
حکمفرمایان، نه چیزهای حال، نه چیزهای
آینده، نه قدرتها، ۳۹ نه بلندی، نه ژرفا[d]، نه
هیچ آفریدهٔ دیگری نخواهد توانست ما را از
محبت خدا که در مسیح یسوع خداوند ما
است[e] جدا سازد.

۱- قرن ۴:۹؛ ۲- قرن ۴:۱۱

برگزیدن و گناه اسرائیل

۹ ۱ من حقیقت را در مسیح می گویم[f]،
دروغ نمی گویم، وجدان من در
روح القدس[g] به من شهادت می دهد: ۲ که
ااندوهی بزرگ در خود دارم و رنجی مداوم[h]

x- کلماتی که در این بند بکار برده شده محیط دادرسی در دادگاه را القا می کنند ر.ک ایوب ۱-۲؛ زک ۳.
y- این عبارت قربانی کردن اسحق را به یاد می آورد (ر.ک پید ۲۲:۱۶).
z- ر.ک اش ۵۳:۶ به زبان یونانی: و خدا او را به خاطر گناهان ما تسلیم نموده است.
a- گاهی ترجمه می کنند: خدا رستگار می کند.
b- بعضی ترجمه می کنند: یسوع مسیح که مرده ... چه کسی برای ما شفاعت می کند؟ (ر.ک اش ۵۰:۸-۹؛ ۵۳:۱۲).
c- مز ۴۴:۲۳.
d- پولس نیروهایی نظیر کرّوبی، شیطانی و نجومی را برمی شمارد که ممکن است دشمن انسان باشند.
e- گاهی ترجمه می کنند: از محبت خدا که در یسوع مسیح خداوند ما تجلی کرده است...
f- پولس در نظر دارد اظهارات مهمی بیان کند که مورد علاقه مخصوص او است و نمی خواهد کسی دربارهٔ آنها تردید نماید بدین سبب نه فقط به درستی و امانت خودش تکیه دارد بلکه مسیح و روح القدس را به عنوان دو گواه قاطع به شهادت می خواند (ر.ک ۲-قرن ۱۷:۲؛ غلا ۲۰:۱). ممکن است در این امر، رسول به دو شاهدی که قانون تورات مقرر کرده است می اندیشد (تث ۱۵:۱۹).
g- ترجمه دیگر: یا به توسط روح القدس. در اینجا پولس وجدان خود را درنظر نداشته بلکه روح القدس از طریق وجدان او گواهی می دهد (ر.ک روم ۱۶:۸ a).
h- در فصلهای قبلی پولس نشان داده است که نظریه برائت رستگاری بوسیله ایمان مطابق با آموزشهای عهد عتیق است (ر.ک روم ۱۷:۱؛ ۳:۲۱:۴:۱-۲۵). در فصلهای ۹ الی ۱۱ نشان می دهد که این نظریه با طرح خدا برای اسرائیل هم تطبیق می کند و با این ترتیب می تواند به این سئوال دردناک پاسخ دهد که: اسرائیل که قوم برگزیده و قوم وعده است تحقق یافتن وعده را در یسوع مسیح نشناخته است و ظاهراً با بی وفایی خود از نجات و رستگاری برکنار می ماند، آیا سخن خدا در این مورد توفیق نیافته است؟ پولس به این سئوال پاسخ می دهد: نخیر، چنین نیست (روم ۶:۹)، مرحلهٔ کنونی طرح خدا برابر مرحله قبلی است؛ در داخل قوم برگزیده موضوع رایگان بودن این گزینش برجا است. در هریک از مراحل تاریخ قوم اسرائیل، فقط یک قسمت از فرزندان تنی ابراهیم مشمول گزینش هستند: مثلاً اسحق و نه اسماعیل (روم ۷:۹-۹)، یعقوب و نه عیسو (روم ۱۰:۹-۱۳)، و اکنون تعدادی باقیمانده اند (بقیه) (روم ۱۱:۱-۵) به مانند دوران الیاس (روم ۲:۱۱-۵) و اشعیاء (روم ۲۷:۹-۲۹):

خروج ۳۲:۳۲؛ ۱-قرن ۱۶:۲۲

در دل خود. ۳ آری، آرزو داشتم خودم نفرین شده[i] از مسیح جدا گردم، به‌خاطر برادرانم،

پید ۱۲:۲-۳؛ خروج ۲۲:۴؛ ۱۶:۵-۶؛ تث ۷:۶؛ هو ۱۱:۱؛ اع ۱۳:۱۷؛ روم ۳:۲؛ افس ۲:۱۲

بستگان بر حسب تنم[j]، ۴ ایشان که اسرائیلی هستند[k]، به ایشان فرزندخواندگی و شکوه و پیمانها و قانونگذاری، آیین پرستش و وعده‌ها تعلق دارد، ۵ و نیاکان[l] از آن ایشان هستند و مسیح برحسب تن از آنان است. او که برتر از همه است، خدای متبارک برای روزگاران. آمین[m]!

۱:۳؛ غلا ۴:۴؛ مت ۱:۲-۱۶؛ لو ۳:۲۳-۳۴

۶ اما چنین نیست که سخن خدا لغو شده باشد. زیرا همهٔ آنانی که از اسرائیل[n] هستند اسرائیل[o] نیستند، ۷ زیرا نه همگی از نسل ابراهیم فرزند می باشند؛ بلکه تو در اسحق نسلی به نام خود خواهی داشت[p]، ۸ یعنی: فرزندان تن [جسمانی] نیستند که فرزندان خدا بشمار می‌آیند بلکه فرزندان وعده به‌عنوان تبار شمرده می‌شوند. ۹ زیرا سخن وعده چنین است: در همین فصل

۱:۲۵؛ ۱-یو ۵:۲۰؛ تیط ۲:۱۳؛ یو ۱:۱؛ اعد ۲۳:۱۹؛ اش ۵۵:۱۰-۱۱؛ عبر ۴:۱۲؛ ۲:۲۸-۲۹؛ غلا ۳:۷، ۲۹؛ ۴:۲۱-۳۱؛ مت ۳:۹؛ یو ۸:۳۱-۴۴

باقیمانده (بقیه) یهودیان به مسیح می پیوندند. ولی دیگر یهودیان کماکان نقشی در طرح خدا برعهده دارند. عدم اطاعت ایشان آزادی گزینش الهی را آشکار می کند که به اختیار انجام می گردد و ارتباطی با اعمال ندارد (روم۹:۱۱-۱۲). در عهد عتیق بدین گونه بود (روم۹:۱۰-۱۷)، چنانکه اکنون نیز چنین است (روم۹:۲۳-۳۴) و همه‌چیز به نجات اینان و آنان می‌انجامد (روم۱۱:۳۰-۳۲): خدا همه آدمیان را درحال عدم اطاعت قرار داده است تا همگان را مشمول رحمت خود سازد.

i- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده است و معمولاً به نفرین شده، لعنت و تکفیر ترجمه می شود فقط به معنی طرد و اخراج از کلیسا نیست. کلمه عبری «حرم» که در عهد عتیق برابر این واژه است متضمن نابودی کامل دشمنان خدا و اموال ایشان است (تث۷:۲۶). در نوشته های عهد جدید به مفهوم لعنت است و کسی که به لعنت گرفتار می شده استنه فقط از جامعهٔ مسیحیت طرد می گردیده بلکه خود او ملعون بشمار می آمده است(اع۲۳:۱۲؛ غلا۱:۸؛ ۱-قرن۱۲:۳؛ ۱۶:۲۲). این اظهارات شدید پولس نشان می دهد که چقدر نسبت به قوم یهود علاقه و محبت دارد.

j- کلمه ای که بستگان جسمانی ترجمه شده است همچنین به معنی خانواده، قبیله و قوم است و نمی توان راز اسرائیل را از جنبه «نژادی» به مفهوم امروزی کلمه درنظر گرفت.

k- یعنی کسانی که از نسل یعقوب هستند؛ می دانیم که خدا یعقوب را به نام اسرائیل خوانده بود (پید۳۲:۲۹). لیونه می نویسد: «کلیه امتیازات دیگر از این امتیاز ناشی می شود: امتیاز فرزند خوانده خدا بودن که به موجب آن قوم برگزیده، پسر نخست‌زادهٔ خدا می شود (خروج۴:۲۲) این شکوه که خدا در میان قوم خود مسکن می گزیده است و قوم با او همبستگی دارد (اش۴۰:۵؛ مز۸۵:۱۰)... عهد و پیمانهایی که با ابراهیم برقرار شده (پید۱۵:۱۸)، و با یعقوب- اسرائیل (پید۳۲:۲۹) با موسی (خروج۲۴:۷-۸)، با داود (۲-سمو۷:۱۱-۱۶؛ مز۸۹:۲۹) برقرار شده است، پرستشی که به خدای حقیقی انجام می شود، قوانینی که بیان مشیت او است، وعده هایی که درباره آمدن مسیح موعود به یهودیان داده شده است؛ پیامبرانی که امانت‌دار سخن خدا هستند و برترین امتیاز که افتخار تولد مسیح در میان قوم است.»

l- این کلمه نه فقط چهره های بزرگ سفر پیدایش را تعیین می کند (نظیر ابراهیم، اسحق، یعقوب و پسران او)؛ در اینجا بایستی آن را به مفهوم کلّی «نیاکان» گرفت.

m- بعضی از مفسران این عبارت را پس از کلمه مسیح قطع کرده اند و پایان بند را به‌عنوان عبارتی که در حمد و ستایش به پدر خطاب شده باشد گرفته و چنین ترجمه می کنند: آنکه خدای برتر از همه است جاودانه مقدس باد! آمین. با آنکه این طرز تفسیر را می توان در نوشته های مشابه یافت (روم۱:۲۵؛ ۲-قرن۱:۳؛ ۱۱:۳۱؛ افس۱:۳)، ولی در مورد عبارت بالا به‌دشواری از نظر دستور زبان یونانی قابل توجیه است؛ از سوی دیگر با مفهوم مطالب دیگر متن کمتر مناسبت دارد.

n- یعنی از یعقوب (ر.ک پیدایش۳۲:۲۹؛ روم۹:۴ k).

o- یعنی قوم واقعی وعده، اسرائیل خدا (غلا۶:۱۶)، که اسرائیل برحسب روح است و در مقابل اسرائیل برحسب جسم است (۱- قرن۱۰:۱۸).

p- پیدایش۲۱:۱۲. ترجمه تحت‌اللفظی: در اسحق نسلی برای تو نامیده خواهد شد. در ترجمه این قسمت عین عبارت پولس رعایت شده است ولی به‌خوبی واضح است که در اینجا و در هر عبارت دیگری که رسول کلمه نسل را بکار می برد (مثلاً روم۴:۱۳، ۱۶، ۱۸؛ ۹:۸، ۲۹؛ ۱۱:۱) یادآوری می کند که در بین فرزندان ابراهیم فقط کسانی نسل حقیقی او هستند که درپی او، به مانند او به سخن خدا ایمان آورده اند و قوم وعده، فرزندان خدا می شوند (بند۸).

بازخواهم آمد و سارا پسری خواهد داشت[q].
و ۱۰تنها این نه؛ بلکه همچنین رفقه فقط با
یک مرد، اسحق پدر ما، هم بستر شد[r]
۱۱زیرا در وقتی که [کودکان] هنوز بدنیا
نیامده بودند، و خوب و بدی نکرده بودند،
تا طبق اختیار، مشیّت خدا پایدار باشد، ۱۱:۵-۷؛ ۱-تسا ۱:۴؛ ۲-پطر ۱:۱۰
۱۲[مشیتی که] نه از اعمال است، بلکه از
او که دعوت می کند، به او گفته شد: پسر
ارشد خدمتگزار جوان تر خواهد شد[s]،
۱۳چنانکه نوشته شده است: یعقوب را
دوست داشته ام؛ اما از عیسو بیزار بوده ام[t].
۱۴پس چه خواهم گفت؟ آیا نزد خدا
بی عدالتی وجود دارد؟ هرگز چنین مباد! تث ۳۲:۴؛ مز ۳۶:۷؛ ۸۹:۱۵؛ ۱۱۹:۷۵
۱۵زیرا به موسی می گوید: من رحمت
خواهم آورد به هر کس که رحمت می آورم؛
رأفت خواهم داشت[u] به هر کس که رأفت
دارم. ۱۶پس بدین گونه نه خواستن، نه
دویدن است[v]، بلکه رحمت آوردن خدا ۱۱:۳۱؛ ۱۵:۹؛ افس ۲:۴؛ تیط ۳:۵
است[w]. ۱۷زیرا نوشته [مقدس] به فرعون
می گوید: بنابر این برای این تو را
برانگیخته ام تا در تو قدرت خود را نشان
دهم، و تا نام من در سراسر زمین[x] اعلام
گردد. ۱۸پس بدین سان به هرکس که
می خواهد رحمت می آورد و هرکه را
بخواهد سنگدل می کند[y]. خروج ۴:۲۱؛ ۷:۳

اختیار کامل خدا

۱۹پس تو به من خواهی گفت: « به چه
سبب باز سرزنش می کند[z]؟ زیرا چه کسی
در مقابل ارادهٔ او مقاومت می کند؟»
۲۰حقیقتاً تو کیستی، ای انسانی که در
برابر خدا ایستاده می گویی؟ آیا شیئ حک ۱۲:۱۲؛ ایوب ۱۱:۱۷؛ ۳۸:۲

q- پید۱۸:۱۰، ۱۴.
r- یا به عبارت دیگر: که فقط از یکی حامله شده بود، اسحق پدر ما. موضوع دو فرزند توأم، عیسو و یعقوب که در اینجا ذکر شده به طرز برجسته ای آزادی و اختیار گزینش خدا را نشان می دهد. هردو پسر اسحق با مقام و عنوان برابر، پسران ابراهیم و فرزندان وعده بشمار می آمدند به مفهومی که در بندهای ۷ و ۸ ذکر گردیده است. با این همه حتی پیش ازتولدشان، مشیت خدا بر این قرار گرفت که فقط فرزندان یعقوب پسران وعده خواهند بود و این تصمیم بیشترغیرمنتظره است زیرا در مورد فعلی فرزند کهتر بر پسر ارشد ترجیح داده شده است. (ر.ک بند ۱۲).
s- پید۲۵:۲۳.
t- ملا۱:۲-۳. یعقوب را دوست داشته و از عیسو نفرت داشته ام. اصطلاحی در زبانهای سامی است که باید ترجمه کرد: یعقوب را بر عیسو ترجیح داده ام (ر.ک پید۲۹:۳۱ و لو۱۴:۲۶ که بوسیله مت۱۰:۳۷ روشن می شود). در اینجا قضاوتی دربارهٔ دو پسر اسحق نیست بلکه موضوع مقامی است که فرزندان هر یکی از آنان در تاریخ نجات داشته و نقشی که ایفا خواهند کرد.
u- خروج۳۳:۱۹. به اعتراضی که در بند ۱۴ شده است در بند ۲۰ پاسخ واقعی داده خواهد شد. در اینجا پولس به ذکر نمونهٔ تازه ای از آزادی و اختیار کامل عمل خدا قناعت می کند. در این فصل بدواً موضوع نجات ابدی افراد مطرح نیست بلکه جایی که این افراد در طرح خدا برای قوم اسرائیل دارند و بوسیله این قوم برای بشریت در نظر است مطرح می باشد.
v- به عبارت دیگر: نه بستگی به اراده و نه کوششهای آدمی دارد.
w- در اینجا نظیر بند ۱۸ موضوع تقدیس یا نجات نهایی در کار نیست بلکه گزینش مطرح است. پولس می خواهد اظهار کند که کوششهای بشری برای نیل به رستگاری ناتوان بوده و کافی نیست. مضافاً در جاهای دیگر می گوید انسانی که به فیض خدا رستگار شده است از کوشش و مبارزه معاف نخواهد بود. (روم۶:۱۳-۱۹؛ ۱۲:۱۱؛ ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷؛ فی۳:۱۲-۱۴).
x- خروج۹:۱۶. این بند را می توان بوسیله فصلهای ۷ الی ۱۵ سفر خروج تشریح نمود.
y- پولس در نظر ندارد برای فرعون مجرمیت شخصی و یا تقبیح اَبدی قائل گردد بلکه اظهار می کند که رفتار ظالمانه او جزو طرح عالی خدا بوده است بدین معنی که فرعون بدون اینکه خود بداند با سرسختی به تحقق یافتن وعده های خدا یاری رسانده و همکاری کرده است.
z- یا می توان ترجمه کرد: از چه چیزی شکایت دارد؟

مصنوع به صانع[a] خود خواهد گفت: «چرا
اش ۲۹:۶؛ ار ۱۸:۶؛ بنسی ۳۳:۱۳؛ حک ۱۵:۷ مرا این چنین ساخته ای؟» [۲۱]یا کوزه گر[b]
اختیار گِل رُس را ندارد تا از یک خمیره
ظرفی برای [مصرف] عالی و
دیگری برای [مصرف] پست بسازد؟
[۲۲]باری، اگر خدا می خواهد خشم خود را
نشان داده و قدرت خود را بشناساند، با
روم ۲:۴؛ ۳:۲۵-۲۶ شکیبایی زیاد ظرفهای خشم[c] را که برای
نابودی آماده شده بود تحمل کرده است،
[۲۳][اگر خواسته است] تا غنای شکوه خود
۸:۲۹-۳۰؛ افس ۱:۳-۱۲؛ ۲:۱-۷؛ فی ۴:۱۹ را نسبت به ظرفهای رحمت[d] بشناساند، که
قبلاً برای شکوه آماده کرده بود، [۲۴]که ما
را نه فقط از بین یهودیان بلکه از بین امت
ها فراخوانده است[e]... [۲۵] چنانکه در
هوشع هم می گوید: آن را که قوم من نبود،
قوم خود[f] خواهم خواند و آنکه [زنی] محبوب نبود، محبوب ؛ [۲۶]و آن خواهد
شد، درجائی که به ایشان گفته شده
بود: شما قوم من نیستید، آنجا پسران
خدای زنده[g] نامیده خواهند شد. [۲۷] و
اشعیا دربارهٔ[h] اسرائیل فریاد برمی آورد:
هرچند تعداد پسران اسرائیل مانند ریگ
دریا باشد [فقط] بقیه[i] نجات خواهند ۵:۱۱
یافت؛ [۲۸]زیرا خداوند قطعی و برنده
سخن خود را بر روی زمین[j] اجرا خواهد
کرد. [۲۹]و برابر آنچه اشعیا پیشگویی کرده
است: اگر خداوند ارتشها برای ما یک
نسل[k] نگذاشته بود مانند سدوم می شدیم اش ۹:۱
و نظیر غموره[l] بودیم.

۱- پطر ۲:۱۰

a- اش ۲۹:۱۶؛ ۴۵:۹.
b- در نوشته های عهد عتیق اکثراً تصویر کوزه گر تسلّط کامل خدا را بر آدمی بیان می کند (پید۲:۷؛ اش۲۹:۱۶؛ ۴۱:۲۵؛ ۴۵:۹؛ ۶۴:۷؛ ار۱۸:۶؛ بنسی۳۳:۱۳؛ حک۱۵:۷).
c- یعنی آدمیان به سبب نشناختن راههای خدا و علاقمندی به گناه موجب خشم خدا بوده اند و آماده و مهیای گمراهی هستند. پولس احتراز می کند از اینکه بگوید آدمیان بوسیلهٔ خدا برای گمراهی ساخته شده اند، بدون اینکه ارتباطی به طرز رفتارشان داشته باشد.
d- یعنی آدمیان که مورد مرحمت رایگان خدا هستند. در اینجا، برخلاف بند قبلی پولس اظهار می کند که ظرف های رحمت به منظور وصول به شکوه بوسیله خدا ساخته شده اند.
e- در اینجا عبارت ناتمام و معلّق مانده است؛ موارد قطع ناگهانی مطلب در نوشته های پولس زیاد است (روم۵:۱۲؛ ۱۵:۲۳-۲۴؛ ۲-قرن۵:۶-۷؛ افس۳:۱).
f- هو۲:۲۵. هوشع در این پیام اعلام می کند اسرائیل خطاکار مورد عفو و عنایت قرار می گیرد. قوم برگزیده که به سبب گناهانش مدّتی بوسیله خدا طرد شده بود در روز گرایش و بخشایش مجدداً قوم خدا یعنی قوم او خواهد شد پولس این سخنان را با جرأت و اطمینان در مورد مشرکان بکار برده است و می نویسد آنان که قوم خدا نبودند در یسوع مسیح قوم او خواهند شد.
g- هو۲:۱،
h- یا به خاطر.
i- موضوع «باقیمانده» اهمیّت شایانی در موعظه های پیامبران دارد. بدین معنی که مرتباً اعلام کرده اند فقط اقلیت کوچکی از قوم اسرائیل (باقیمانده) مفهوم تجربه ها و آزمونها را درک کرده، ارشاد می شوند و از نعمت هایی که در پایان روز و با آمدن مسیح موعود وجود دارد برخوردار خواهند شد (عا۳:۱۲؛ ۵:۱۵؛ اش۴:۳؛ ۶:۱۳؛ ۱۰:۲۰؛ میک۴:۶-۷؛ صف۳:۱۲-۱۳؛ ار۲۳:۳؛ حجی۱:۱۲؛ زک۸:۶-۱۱؛ ۱۳:۸-۹؛ ر.ک مز۱۸:۲۸؛ ۷۳:۱).
j- اش۱۰:۲۲-۲۳.
k- در اینجا مجدداً موضوع «باقیمانده» مطرح است.
l- اش۱:۹.

۳۰پس چه خواهیم گفت؟ امت هایی که
در پی عدالت[m] نبودند، عدالت را بدست
آوردند، منظور، عدالتی که از ایمان[n]
است؛ ۳۱ اما اسرائیل که از یک قانون
عدالت پیروی می کرد[o] به آن قانون
نرسیده است[p]. ۳۲چرا؟ زیرا آن را نه از
ایمان بلکه از اعمال[q] طلبیده؛ ایشان به
سنگ مانع تصادم کردند. ۳۳برابر آنچه
نوشته شده است: اینک در صهیون سنگی
مانع قرار می دهم و صخره ای لغزاننده و
هر کس به او ایمان بیاورد[r] شرمساری
نخواهد داشت[s].

روم ۱۰:۲-۹؛ ۱۱:۷؛ لو ۱۸:۹-۱۴

اش ۸:۱۴؛ ۱-پطر ۲:۶؛ لو ۲:۳۴-۴؛ مت ۲۱:۴۲

۱۰ ۱ای برادران حقیقتاً، آرزوی قلبم و
نیایش به خدا به خاطر، ایشان
است، برای نجات. ۲زیرا شهادت می دهم
که برای خدا شوق دارند؛ ولی نه بر طبق
درایت[t]. ۳زیرا چون ناآگاه از عدالت خدا
و طالب برقرار کردن عدالت خود هستید،
مطیع عدالت خدا[u] نشدند؛ ۴زیرا
سرانجام[v] قانون [تورات]، مسیح
می باشد، تا عدالت به هر کسی که ایمان
دارد [داده شود].

اع ۲۲:۳؛ ۲-قرن ۳:۱۴؛ ۱-تیمو ۱:۱۳

۹:۳۱؛ فی ۳:۹؛ لو ۱۶:۱۵؛ ۱۸:۹-۱۴؛ غلا ۳:۲۴؛ ۲-قرن ۳:۱۶؛ عبر ۸:۱۳؛ اع ۱۳:۳۹؛ روم ۳:۲۱

۵زیرا موسی عدالت از قانون [تورات]
را می نویسد: انسانی که به آن عمل کند
به وسیله عدالت زندگی خواهد داشت[w].
۶ولی عدالت از ایمان چنین می گوید: در
قلب خود مگو چه کسی به آسمان بالا
خواهد رفت یعنی تا مسیح را پایین آورد؛
۷یا چه کسی به هاویه پایین خواهد رفت[x]؟
یعنی تا مسیح را از میان مردگان بالا

غلا ۳:۱۲

- m- پولس نسبت به یهودیان مقایسه می کند و تعمیم داده می گوید امت ها در جستجوی عدالت نبوده اند؛ البته منظور عدالت اخلاقی نیست که بعضی از امت ها به آن اشتیاق داشته اند بلکه منظور عدالت مذهبی است.
- n- کاملاً روشن است که رستگاری و برائت از جانب خدا می آید و به هیچ وجه حاصل عمل بشری نیست. ولی رستگاری که خدا عطا می کند و آدمی دریافت می نماید در ایمان و بوسیله ایمان است (روم۳:۲۱-۲۶).
- o- به عبارت دیگر: که یک قانون عدالت جستجو می کرد.
- p- به عبارت دیگر: که از کنار آن قانون گذشته است. اسرائیل موفق نشده است به هدفی که قانون باید هدایت کند دست یابد؛ از یک طرف بدین سبب که قانون را رعایت نکرده است (مت۲۳:۳؛ اع۱۵:۱۰؛ روم۲:۲۱-۲۳) و از سوی دیگر زیرا هدف نهایی قانونی را درک ننموده است.
- q- ترجمه تحت اللفظی: زیرا نه از ایمان بلکه همچون از اعمال است. پولس به شیوهٔ منظمی دربارهٔ مجموع جامعهٔ اسرائیل که وفادار نمانده است قضاوت می کند به جای آنکه هریک ازاعضای آن جامعه را قضاوت نماید؛ به نظر او یهودیان حتی پس از مسیح برای وصول به رستگاری و برائت چشم امید به اعمال داشتند.
- r- در این بند، مفهوم این اصطلاح چنین است: کسی که بر آن تکیه می کند بر روی آن پی ریزی می کند (بوسیله ایمان).
- s- اش۲۸:۱۶.
- t- ترجمه تحت اللفظی: ولی این شوق نه برطبق دانش است.
- u- پولس به سبب استدلال خود موضوع را تعمیم می دهد. آیین یهود به خوبی عدالتی را که از خدا می آید شناخته است ولی توجه نکرده است که این عدالت در مسیح تجلی نموده و نه در قانون.
- v- کلمه یونانی که در اینجا سرانجام ترجمه شده است ممکن است به مفهوم هدف، پایان و به انجام رساندن و تحقق بخشیدن باشد.
- w- لاو۱۸:۵. پولس این موضوع را به روشنی بیان می کند که: قانون که کاملاً انجام شود منجر به عدالت می گردد (ر.ک غلا۳:۱۲). ولی عملاً هیچکس نمی تواند آن را کاملاً انجام دهد. در بعضی نسخه ها نوشته شده است: آن کسی که این چیزها را انجام دهد به وسیله آنها زندگی خواهد داشت.
- x- تث۹:۴ (در قلب خود بگو... که به سبب عدالت من است) و تث۳۰:۱۲-۱۳. به عقیدهٔ پولس عدالتی که از ایمان ناشی می شود قبلاً در عهد عتیق دربارهٔ قانون سخن گفته است. بنابراین ظاهر شدن قانون و ظهور مسیح را با یکدیگر مقایسه می کند و ظاهراً به رستاخیز خداوند اشاره می نماید چنان که در بند ۹ تأیید شده است. مفسران دیگری این بند را به مفهوم اشاره به تجسم خدا در جسم مسیح درک کرده اند.

بیاورد. [۸]اما چه می‌گوید؟ سخن نزد تو
است، در دهان تو و در قلب تو[y]، یعنی
سخن ایمانی که ما اعلام می‌کنیم. [۹]زیرا اگر
تو به اظهار زبان خود[yy] اقرار کنی که یسوع
خداوند است و اگر در قلب خود ایمان
داری[z] که خدا او را از میان مردگان

اع ۲:۳۶؛ ۲ـ قرن ۱۲:۳؛ فی ۲:۱۱

y- تث۳۰:۱۴.

yy- ترجمه تحت‌اللفظی: به دهان خود.

z- ایمان عملی است که به وسیله آن آدمی خود را به خدا تفویض می‌نماید که تنها عامل نجات در یسوع می‌باشد.

۱- ایمان، پاسخ به پیام نیکوی نجات است که آورندگان پیام ابلاغ می‌نمایند (روم۱۰:۱۴-۱۵). این افراد کاری نمی‌کنند جز اینکه پیامی که از سوی خدا آمده است اعلام نمایند (غلا۱:۱۱-۱۲) و باید به همین عنوان پذیرفته شود (۱-تسا۲:۱۳). زیرا ایمان نه بر مبنای حکمت بشری، نه برمبنای اعتبار و نفوذ رسولان بلکه بر اساس قدرت خدا می‌باشد (۱-قرن۲:۱-۵؛ ۱-تسا۱:۵).

۲- موضوع مختص ایمان این راز است که خدا مسیح را از میان مردگان برخیزانده و او را خداوند و منجی تمام آدمیان کرده است (روم۴:۲۴؛ ۱۰:۹؛ ۱-قرن۱۲:۳؛ ۱۵:۱-۱۱؛ فی۲:۸-۱۱؛ ر.ک اع۲:۳۲؛ ۱۷:۳۱). نجاتی خارج از یسوع مسیح وجود ندارد (روم۳:۲۳-۲۶؛ ۱-قرن۱:۳۰-۳۱؛ غلا۲:۱۶؛ افس۱:۳-۱۱؛ ر.ک اع۴:۱۲). و ایمان داشتن پاسخ به نوید نجات است (روم۱:۱۶؛ ۱-قرن۱۵:۱-۲؛ فی۱:۲۷؛ افس۱:۱۳).

۳- ایمان، که عبارت از پیوستن هوش و درایت به انجیل است، درعین حال تبعیت آدمی از خدا در اطاعت کامل است (روم۶:۱۷؛ ۲-قرن۱۰:۴-۵؛ ۲-تسا۱:۸؛ ر.ک اع۶:۷). پولس می‌تواند از اطاعت ایمان سخن گوید یعنی همین اطاعتی که ایمان است (روم۱:۵؛ ۱۶:۲۶). آدمی در ایمان به خدا توکل می‌کند، و می‌داند که خدا به وعده‌های خود وفادار است (روم۳:۳-۴؛ ۱-قرن۱:۹؛ ۲-قرن۱:۱۸؛ ۱-تسا۵:۲۴) و قادر است آن وعده‌ها را انجام دهد (روم۴:۲۱).

۴- آدمی را خدا به وسیله ایمان تبرئه می‌کند (روم۱:۱۷؛ ۳:۲۱-۲۶). عدالت واقعی عدالتی است که در ایمان ناشی می‌شود (روم۱۰:۶)، به وسیله ایمان داده شده (روم۳:۲۵)، و چون از سوی خدا می‌آید بر ایمان متکی است (فی۳:۹) و نه هرآنچه آدمی ادعا می‌کرد در اعمال خود می‌یابد (روم۳:۲۰-۲۸؛ ۹:۳۲؛ غلا۲:۱۶؛ ۳:۶-۹؛ فی۳:۹). عدالتی که بوسیله ایمان دریافت می‌شود عطیه‌ای رایگان است که آدمی نباید به آن تفاخر نماید (روم۳:۲۷؛ ۴:۲-۵؛ ۵:۱۷؛ افس۲:۸-۹؛ اع۱۵:۱۱). و تنها برائت نیست که عطیه‌ای از خدا است؛ بلکه همان ایمانی که بوسیله آن نجات می‌یابند و در نتیجه مشیّت و اختیار آزادانه خدا لطف و موهبت بشمار می‌آید (۲-تسا۲:۱۳). والاترین عمل ایمان یعنی تصدیق خداوندی یسوع (روم۱۰:۹) برای انسان امکان ندارد مگر در روح‌القدس (۱-قرن۱۲:۳).

۵- در برائتی که از طریق ایمان حاصل می‌شود وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده بود تحقق می‌یابد (روم۴:۱-۲۵؛ غلا۳:۶-۱۸). تودهٔ مردمانی که ایمان دارند، از هر اصل و تباری که باشند اعم از یهودی یا غیر یهودی تبار واقعی ابراهیم بشمار می‌آیند. و به همان‌گونه که اسرائیل به نجات خوانده شده است اکنون آنان نیز دعوت گردیده‌اند (روم۱:۱۶؛ ۳:۲۹؛ ۹:۳۰؛ ۱۶:۲۶؛ غلا۳:۸؛ ر.ک اع۱۵:۱۱). بدین گونه وعده‌ای که در پید۱۷:۵ داده شده است تحقق می‌یابد درجایی که می‌گوید: من تو را پدر ملت‌های متعددی کرده‌ام (روم۴:۱۷؛ غلا۳:۸).

۶- عدالتی که به وسیله ایمان دریافت می‌شود بخشایش گناهان (روم۶:۱۱-۱۴؛ غلا۵:۲۴؛ کول۲:۱۲-۱۳)، آشتی با خدا (۲-قرن۵:۱۸-۲۱؛ افس۳:۱۲؛ کول۱:۲۲-۲۳) و پیوند با یسوع مسیح است (افس۳:۱۷). این عدالت آغاز زندگی روح است (غلا۳:۲-۵؛ ۵:۵-۶؛ افس۱:۱۳-۱۴). پولس ایمان و تعمید را با یکدیگر مربوط می‌سازد. غلا۳:۲۶-۲۷ و کول۲:۱۲ بدین منی که ایمانداران هنگامی که بوسیله تعمید در جامعهٔ مسیحیت وارد می‌شوند ایمان را که تصمیم قلبی و تصدیق شفاهی است رسماً ابراز می‌نماید (روم۱۰:۱۰).

۷- با اینکه ایمان معرفت واقعی می‌باشد (فی۳:۸-۱۰) با این همه در این دنیا روشنایی کامل نیست (۱-قرن۱۳:۱۲)؛ بلکه بعداً شکفته شده به صورت مشاهده روشن درمی‌آید (۲-قرن۵:۷). درحال حاضر ایمان به امید وابسته است (روم۵:۱-۲؛ ۱-قرن۱۳:۱۳؛ غلا۵:۵)؛ به وسیلهٔ محبت رفتار می‌کند (غلا۵:۶). اکثراً ایمان، امید و محبت با یکدیگر ذکر شده است (روم۵:۱-۵؛ ۱-قرن۱۳:۱۳؛ افس۱:۱۵-۱۸؛ ۴:۲-۵؛ کول۱:۴-۵؛ ۱-تسا۱:۳؛ ۵:۸). در این زندگی ایمان همراه با تجربه‌ها و آزمونها است (فی۱:۲۹؛ افس۶:۱۶؛ ۱-تسا۳:۲-۳؛ ۲-تسا۱:۴) و فرد ایماندار در میان این آزمونها باید مستحکم و پابرجا بماند (۱-قرن۱۶:۱۳؛ کول۱:۲۳؛ ۲:۵-۷). ایمان همچون گنجینه‌ای بی‌جان نیست بلکه یک زندگی بشمار می‌آید (روم۱:۱۷) که مدام نمو کرده و توسعه می‌یابد (۲-قرن۱۰:۱۵؛ ۱-تسا۳:۱۰؛ ۲-تسا۱:۳).

برخیزانده است، نجات خواهی یافت.
[10]زیرا با قلب و به منظور عدالت ایمان
می‌آورند، و به منظور نجات به زبان[zz]
اعلام می‌کنند. [11]زیرا نوشته [مقدس]
می‌گوید: هرکس به او ایمان آورد شرمسار
نخواهد شد[a]. [12]زیرا تمایزی بین یهودی و
نیز یونانی وجود ندارد[b]: زیرا همان
خداوند، خداوند همه است و به همگانی که
او را یاد می‌کنند بسی کریم است، [13]زیرا
هرکه، هر کسی که به هر حال نام خداوند را
یاد می‌کند نجات خواهد یافت[c]. [14]پس
چگونه یاد خواهند کرد آن را که ایمان
نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان خواهند داشت
به آنکه [از او چیزی] نشنیده‌اند[d]؟ و
چگونه خواهند شنید بدون اینکه کسی اعلام
کرده باشد؟ [15]و چگونه اعلام خواهند کرد
اگر فرستاده نشده باشند؟ چنان‌که نوشته
شده است: چه زیبا است پاهای آنان که به
نویدهای نیکو[e] چیزهای نیکو را اعلام
می‌کنند! [16]ولی همه از انجیل [نوید
نیکو][ee] شنوایی نداشته‌اند. زیرا اشعیا
می‌گوید: خداوندا، چه کسی به گفتار ما
ایمان آورده است[f]؟ [17]پس ایمان از شنیدن
می‌آید و شنیدن به وسیلهٔ گفتار مسیح[g].
[18]اما من می‌گویم: مگر نشنیده‌اند[h]؟
البته[شنیده اند]! صدایشان به سراسر زمین
و گفتارشان تا انتهای دنیا رفته است[i]. [19]اما
من می‌گویم: مگر اسرائیل درک نکرده بود؟
بدواً موسی می‌گوید: من حسادت شما را
به وسیله آنچه قومی نیست[به شمار نمی
آید] برمی‌انگیزم و شما را به وسیلهٔ قومی
بی‌درایت خشمناک می‌کنم[j]. [20]و اشعیا نیز
جسورانه می‌گوید: مرا یافته‌اند آنان که در
طلب من نبودند، به کسانی پدیدار شده‌ام

۱۶:۱؛ ۲۹-۲۲:۳؛ غلا ۲۸:۳؛ اع ۳۴:۱۰؛ ۱ پط ۹:۱۵-۱۱
روم ۳۳:۱۱
عبر ۶:۱۱؛ اع ۳۱:۸
۲ـ تسا ۸:۱؛ عبر ۲:۴؛ یو ۲۶:۱۰
۱۴-۱۱:۱۱
۳۰:۹

zz- تحت اللفظی: دهان.
a- اش۲۸:۱۶.
b- بنابراین در نجات یا در محکومیت تفاوتی بین یهودیان و غیریهودیان وجود ندارد (ر.ک روم۳:۲۲).
c- یول۳:۲۲ به زبان عبری= ۵:۳ یونانی. (ر.ک مز۸۶:۵؛ اع۲:۲۱) عنوان خداوند که در عهد عتیق فقط دربارهٔ خدا بکار برده شده است در اینجا در مورد یسوع آمده و نشان می‌دهد که در نظر مسیحیان اولیه از همان آغاز عمل مسیح همان عمل خدا است. لین هارت در این باره می نویسد: «بکار بردن واژهٔ واحد نشان‌دهنده مداومت عهد و پیمان است.»
d- بدون اینکه آن را شنیده باشند.: به نظر پولس در گفتار رسولان، خود مسیح سخن می گوید.
e- اش۵۲:۷؛ این عبارت یک پیام آزادی می باشد که به اسیران اعلام شده بود. قبلاً یهودیان آن را در ارتباط با انتظار مسیح موعود تفسیر می‌کردند و احتمالاً در پذیرفتن واژهٔ انجیل در عهد جدید و بوسیله مسیحیان مؤثر بوده است (ر.ک روم۱:۱ d).
ee- یعنی انجیل.
f- اش۵۳:۱ این نقل قول بندهای ۱۹-۲۱ را اعلام می کند.
g- در اینجا کلمه شنیدن را می توان به مفهوم شنیدن پیام و اطاعت کردن از آن درک کرد این جمله را می توان به دو نوع استنباط نمود: گفتاری که از مسیح می‌آید یا گفتاری که دربارهٔ مسیح است. بعضی از مفسران چنین درک کرده‌اند: برطبق فرمان مسیح (ر.ک بند ۱۵ e). کلمه یونانی که گفتار ترجمه شده است بدواً از زبان یونانی به مفهوم آنچه می شنوند، آن را گوش می کنند بوده (چنانکه لوتر ترجمه کرده است: ایمان از آنچه می شنوند می‌آید). در اینجا تعمداً هنر جناس بکار برده شده زیرا نظیر زبان فارسی کلمه گوش کردن هم به معنی شنیدن و هم به معنی اطاعت کردن است (بند ۱۵). ر.ک ۵:۱ k.
h- جملهٔ مگر شنیده اند؟ منظور شنوندگان و در اینجا یهودیان می باشند.
i- مز۱۹:۵. صدایشان، منظور صدای کسانی است که نوید را ابلاغ می کردند.
j- تث۳۲:۲۱. بدواً موسی می گوید؛ یعنی من بدواً آنچه را موسی گفته است (قانون تورات) نقل می کنم، سپس آنچه اشعیا گفته است (کتب پیامبران). در این دو متن نکته زیر یادآوری و تأیید شده است: اسرائیل می توانسته است درک کند ولی نپذیرفته است و توبه و گرایش ملت‌های غیریهودی، بی‌وفایی یهودیان را بیشتر آشکار می نماید.

که جویای من نبودند[k]. ۲۱ ولی خطاب به اسرائیل می‌گوید: همهٔ روز، دستهایم را به سوی ملتی نافرمان و سرکش دراز کرده‌ام[l].

خدا اسرائیل را دور نیفکنده است

۱۱ ۱ پس می‌گویم: آیا ممکن است خدا قوم خود را بدور افکنده باشد[m]؟ هرگز! زیرا نیز خودِ من اسرائیلی ام، از نسل ابراهیم، از قبیله بنیامین. ۲ خدا قوم خود را بدور نیفکنده است[n]، که از پیش شناخته است[o]. یا اینکه نمی‌دانید نوشتهٔ [مقدس] در مورد ایلیا چه می‌گوید، چگونه علیه اسرائیل به خدا شکایت می‌کند[p]: ۳ خداوندا، ایشان پیامبران تو را کشته‌اند، قربانگاههای تو را ویران کرده‌اند؛ و من تنها مانده‌ام و قصد جان مرا دارند[q]. ۴ ولی پاسخ الهی به او چه می‌گوید[r]؟ من هفت‌هزار مرد برای خود نگهداشته‌ام، که در برابر بعل[s] زانو خم نکرده‌اند. ۵ پس به همین گونه، نیز در حال حاضر، باقیمانده‌ای برگزیده بوسیلهٔ فیض وجود داشته است[t]. ۶ ولی اگر بوسیلهٔ فیض است بوسیلهٔ اعمال نیست[u]؛ وگرنه دیگر فیض، فیض نیست[v]. ۷ پس چگونه است؟ آنچه را اسرائیل می‌جوید نیافته است: [w] اما برگزیدگان، یافته اند[x]. و دیگران سختدل شده بودند، ۸ چنانکه نوشته شده است: خدا تا به امروز به ایشان روحی خموده داده

ار ۳۱:۳۷

۲ـ قرن ۱۱:۲۱؛ فی ۳:۵-۷

۱ـ سمو ۱۲:۲۲؛ مز ۹۴:۱۴

k- اش۶۵:۱.

l- اش۶۵:۲. این مطالب که از کتاب اشعیا نقل قول شده است اندیشهٔ سهیم شدن ملل غیریهودی را در میراث اسرائیل مطرح می‌نماید، این مسئله در فصل یازدهم مفصلاً تشریح خواهد شد. قبلاً مفسران یهودی این عبارت را در خطاب به ملت‌های غیریهودی درک و تفسیر می‌کردند.

m- پاسخ به این سؤال در سرتاسر این فصل داده شده است که می‌توان چنین خلاصه کرد: نخیر! خدا قوم خود را به دور نیفکنده است زیرا وضعیت کنونی با مندرجات عهد عتیق تطبیق می‌نماید. موضوع گزینش باقیمانده‌ای است (بند۵) که نمایندهٔ تمام قوم اسرائیل می باشد (بند۱۶) و تضمین نجات نهایی مجموعه قوم است (بندهای ۲۵-۳۲). برطبق عهد عتیق این باقیمانده قبلاً وجود داشته(بندهای ۲-۴) و پولس در موقعی که این نامه را می نویسد خودش گواه زندهٔ مداومت این باقیمانده می باشد.

n- ۱-سمو۱۲:۲۲؛ مز۹۴:۱۴.

o- ر.ک روم۸:۲۹ u.

p- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: آنچه نوشتهٔ [مقدس] در ایلیا می‌گوید، چگونه علیه اسرائیل با خدا گفتگو می‌کند.

q- ۱-پاد۱۹:۱۰، ۱۴.

r- ترجمهٔ دیگر: ولی خدا به او چه پاسخ می‌دهد؟

s- ۱-پاد۱۹:۱۸.

t- در اینجا پولس مجدداً به نظریه‌ای که قبلاً تشریح شده برمی‌گردد (روم۹:۶-۱۳). تمام تبار اسرائیل جزو قوم اسرائیل بشمار نمی‌آیند. در تمام ادوار تاریخ نجات، خدا فقط با فیض خود از بین بازماندگان اسرائیل کسانی را می‌گزیند که واقعاً از گزینش بهره‌مند می‌شوند.

u- ترجمه تحت‌اللفظی: دیگر به دلیل اعمال نیست. کلمهٔ دیگر در اینجا بدان معنی نیست که قبلاً چنین بوده است زیرا گزینش هرگز وابسته به اعمال نبوده است ر.ک روم۹:۶-۱۳.

v- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: و اگر به وسیله اعمال است دیگر فیض نیست به عبارت دیگر عمل دیگر عمل نیست.

w- ترجمه تحت‌اللفظی: آن را گزینش یافته است. برطبق محتوای متن، منظور برگزیدگانی هستند که به اسرائیل تعلق دارند درصورتی که این اظهارات معنی عمومی تری دارد.

x- ر.ک روم۹:۳۰-۳۳ که در آنجا همین موضوع در مورد تفاوت بین یهودی و مشرک مطرح شده در صورتی که در اینجا فقط قوم اسرائیل مطرح بوده و تفاوت بین برگزیدگان و دیگر افراد اسرائیل است.

است، چشمانی که نبینند و گوشهایی که
نشنوند[y]. ۹و داود می‌گوید: میز[z] ایشان
برای تله‌ای و برای دامی، و برای مانعی و
برای عقوبتی[a] باشد! ۱۰چشمان ایشان تار
گردد تا نبینند و همواره کمرهاشان را
خمیده گردان[b]! ۱۱پس می‌گویم: آیا لغزیده
اند تا سقوط کنند[c]؟ هرگز! ولی به سبب
خطای ایشان[d]، نجات به ملت‌ها [رسیده] تا
حسادت ایشان[e] تحریک گردد. ۱۲باری اگر
خطای ایشان موجب ثروت دنیا و شکست
ایشان[f]، ثروت امت‌ها است پس چقدر
بیشتر تکامل ایشان[g] [خواهد شد]؟
۱۳ زیرا به شما، ای امت‌ها[h] می‌گویم:
پس چقدر حقیقتاً از آنجا که من[i] رسول
امت‌ها هستم، خدمت خود را شکوهمند
می‌شناسم[j]، ۱۴به امید این که حسادت
کسانی را که از گوشت و خون من[k] هستند
تحریک کنم و چندتایی از بین آنان را
نجات دهم[l]. ۱۵زیرا اگر وازدن ایشان[m] ۱ـ قرن ۹:۲۲
[موجب] آشتی جهان[n] بوده است، پذیرش
[مجدد ایشان] به‌جز زندگی از بین
مردگان[o] چه خواهد بود؟

y- اش۲۹:۳ و تث۲۹:۳ که به‌طور آزاد نقل شده‌اند.
z- منظور از میز ایشان ممکن است به مفهوم ثروت ایشان و جنبهٔ نامطلوب و بد آن باشد (در مز۶۹:۲۳ که دراینجا نقل شده است میز مترادف با فراوانی است). همچنین ممکن است برطبق تفسیر تارگوم میز به معنی میزی باشد که بر روی آن قربانی انجام می‌شده است. در این صورت وابستگی به جنبهٔ مادی اجرای قربانی در نیایش می‌باشد. (در مورد تارگوم، لازم به یادآوری است در قرن ششم پیش از میلاد، پس از دوران تبعید در بابل، یهودیان به‌جای زبان عبری، زبان آرامئی را در کنیسه بکار می‌بردند، لذا اسفار کتاب مقدس را به زبان آرامئی ترجمه و تفسیر کردند که آن را تارگوم می‌نامند. ضمناً کلمه ترجمه نیز از ریشه همین کلمه است).
a- ترجمه تحت‌اللفظی: یک پاداش (که منظور پاداش بی‌وفایی ایشان است) ضمناً نبایستی معنی تحت‌اللفظی تمام کلمات این نقل قول را درنظر گرفت زیرا پولس مفهوم کلی محکومیت را درنظر داشته است.
b- مز۶۹:۲۳-۲۴.
c- ترجمهٔ دیگر: آیا برای یک سقوط قطعی است؟ در اینجا تفاوت بین سقوطی است که براثر تصادم با مانعی ایجاد شود و سپس برخیزند (لغزیدن) و سقوطی که امید برخاستن وجود نداشته باشد (افتادن).
d- با توجه به کلمهٔ یونانی که در اینجا بکار برده شده است و ریشهٔ لغوی آن، می‌توان ترجمه کرد: قدم نادرست ایشان.
e- گاهی ترجمه می‌کنند: تا حسادت اسرائیل تحریک گردد. این حسادت تا کنون به وسیلهٔ مخالفت با انجیل ابراز شده است (ر.ک اع۱۳:۴۵؛ ۱۷:۵). ولی پولس امیدوار است که نتیجه معکوس خواهد داشت.
f- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده هم به معنی سقوط و زوال و هم به معنی تقلیل است. باری سقوط و زوال اسرائیل عبارت از این است که فقط عده قلیلی ایمان آورده‌اند.
g- گاهی ترجمه می‌کنند: شرکت کامل ایشان در نجات چه‌ها نخواهد کرد؟ کلمه یونانی را که تکامل ترجمه شده است و گاهی تمامیت ترجمه می‌کنند به مفهوم زیادی و افزونی کیفی و کمّی است و در مقابل کلمه سقوط و تقلیل می‌آید (ر.ک توضیح f).
h- منظور مسیحیانی هستند که قبلاً مشرک و بت‌پرست بوده‌اند.
i- به نظر پولس، رسالت او به نزد ملت‌ها با راز اسرائیل بستگی دارد.
j- گاهی این جمله را ترجمه می‌کنند: شکوه رسالت خود را ابراز می‌کنم.
k- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: گوشت من، گاهی ترجمه می‌کنند: از خون من هستند.
l- وضعیت کنونی که فقط عده قلیلی به مسیح می‌گروند در مقابل وضعیت آینده ارائه می‌شود که گرویدن شامل تمام قوم یهود خواهد شد (بندهای ۱۳، ۱۵).
m- البته بدور افکندن ایشان نیست زیرا برخلاف بند ۱ خواهد بود. گاهی ترجمه می‌کنند: به کنار گذاشتن ایشان.
n- معنی این عبارت در ۲-قرن۵:۱۷-۲۱ تصریح شده است.
o- ترجمهٔ دیگر: گذشتن از مرگ به زندگی. اگر به کنار گذاشتن اسرائیل منبع چنین نعمتی برای جهان شده است، نعمتی که از پذیرش مجدد اسرائیل حاصل شود خیلی بیشتر خواهد بود؛ نوعی زندگی خواهد بود که وضعیت قبلی نسبت به آن حکم مرگ

۱ـ قرن ۷:۱۴

[۱۶] و اگر ثمرهٔ نوبر، مقدس است نیز
خمیره، و چنانچه ریشه مقدس است[p]، نیز
شاخه ها. [۱۷] باری اگر چندتایی از شاخه ها
بریده شده اند و تو، که یک درخت زیتون
افس ۲:۱۱-۲۲ وحشی هستی، تو را از بین [شاخه های]
دیگر پیوند زده اند و با آنها از شیرهٔ بارور
زیتون[q] سهمی گرفته ای، [۱۸] در برابر
شاخه های [دیگر] خودستایی مکن. حتی
اگر به خود ببالی[r]؛ تو حامل ریشه نیستی
یو ۴:۲۲ بلکه ریشه تو را [حمل می کند]. [۱۹] آنگاه
خواهی گفت: «شاخه ها را بریده اند تا مرا
پیوند بزنند». [۲۰] خیلی خوب! آنان را
به سبب بی ایمانی قطع کرده اند و تو
به سبب ایمان برپا ایستاده ای[s]. غره مشو[t]؛
بلکه بترس! [۲۱] زیرا اگر خدا شاخه های
مطابق طبیعی[u] را معاف نکرده است نه،
پس چگونه تو را معاف خواهد کرد[v].
[۲۲] پس مهربانی و سختگیری خدا را ببین:
برای آنان که حقیقتاً سقوط کرده اند
سختگیری ولی برای تو مهربانی است اگر
در مهربانی[w] باقی بمانی وگر نه تو نیز قطع
خواهی شد. [۲۳] ولی ایشان نیز اگر در
بی ایمانی پایداری نکنند، پیوند زده
خواهند شد در مقتدر، زیرا خدا قادر است
دوباره ایشان را پیوند بزند. [۲۴] زیرا اگر تو
از درخت زیتون وحشی مطابق طبیعت قطع
شده ای و برخلاف طبیعت به درخت زیتون
پرورش یافته پیوند یافته ای، چند مرتبه
بیشتر آنان که مطابق طبیعت[x] هستند، به
درخت زیتون خویش پیوند خواهند شد.

را خواهد داشت. در فصل ۳۷ حزقیال در مورد استقرار مسیح در اسرائیل نظریه مشابهی بیان شده است. بسیاری از مفسران این نکته را اشاره ای به رستاخیز مردگان در واپسین روز تشخیص داده اند.

p- ترجمه تحت اللفظی: هرچقدر نوبرها مقدس، خمیره هم. اشاره به اعد ۱۵:۱۹-۲۱. تقدیس قسمت ممتاز، مجموعه را به نحوی تقدیس می نماید. در اینجا منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه رابطهٔ مخصوص تعلق داشتن به خدا است که به وسیله تقدیس یعنی گزینش و عهد و پیمان حاصل می گردد. ثمره های نوبر نظیر ریشه احتمالاً مظهر باقیمانده وفاداری است که در ابتدا بوسیله پیامبران بزرگ و اکنون بوسیله یهودیانی که مسیحی شده اند نشان داده شده است.

q- ترجمه تحت اللفظی: تو از بین آنان پیوند شده ای و در ریشه از روغن درخت زیتون سهیم گشته ای. این متن دشوار، و شایسته تغییر یافته است. در بعضی از نسخه های خطی کلمه ریشه حذف شده و در بعضی نسخه های دیگر وجود دارد مثلاً: از ریشه و از روغن درخت زیتون... به هرصورت در مفهوم عبارت شکی وجود ندارد.

r- گاهی ترجمه می کنند: تو خوب می توانی به خود ببالی. یا به طوری که در بعضی از نسخه های خطی است: اگر تو به خود می بالی. در این صورت معنی عبارت چنین است: اگر می خواهی به خود ببالی ممکن است ولی باید بدین سبب باشد که جزو گزینش اسرائیل هستی.

s- ر.ک اش ۷:۹: اگر ایمان ندارید پایداری نخواهید کرد. تحت اللفظی: بلند مشو.

t- ایمان به دلیل سرشت خود با غرور و هرگونه خودبینی مخالف است (ر.ک روم ۴:۲ d).

u- پولس در سخنان خود از تمثیل استفاده می کند. شاخه های طبیعی آنهایی هستند که معمولاً بر روی درخت می رویند و پولس نمی خواهد بگوید که اسرائیل طبیعتاً شایستهٔ گزینش می باشد.

v- در بعضی از نسخه های خطی چنین است: مواظب باش که تو را نیز معاف نکنند.

w- یعنی اگر در این عقیده ثابت قدم باشی که مهربانی رایگان تنها منبع نجات است و اگر هرگونه غرور و خودبینی را بدور اندازی.

x- آیا این امر با روشهای درختکاری تطبیق می کند یا خیر؟ به هرصورت این تمثیل را باید با توجه به هدفی که پولس در نظر دارد تفسیر نمود یعنی مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند هرگونه خودبینی و تحقیر اسرائیل را در خود از بین ببرند. ضمناً بند ۲۴ بایستی با توجه به نظریه ای که پولس دائماً اظهار کرده است درک گردد: برای فرد یهودی نظیر یک مشرک، گزینش در یسوع مسیح موهبتی می باشد.

نجات اسرائیل

۲۵زیرا، ای برادران، نمی‌خواهم که شما
۱۶:۱۲ این راز را ندانید، تا مبادا خود را خردمند
بپندارید[y]: زیرا سختدلی در قسمتی از
اسرائیل پیش آمده است تا که تمامیت[z]
امت ها وارد شوند. ۲۶و بدین‌گونه تمام
اسرائیل نجات خواهند یافت[a] برابر آنچه
نوشته شده است: نجات دهنده از صهیون
خواهد آمد، بی‌دینی‌ها را از یعقوب خواهد
برداشت. ۲۷و پیمان من با ایشان این
است، هنگامی که گناهانشان را خواهم
زدود[b]. ۲۸برطبق انجیل به سبب[bb] شما
تث ۳۷:۴ دشمنان، ولی برابر گزینش به سبب پدران[c]
محبوب هستند. ۲۹زیرا موهبت‌ها و دعوت
اعد ۱۹:۲۳ خدا غیرقابل برگشت است. ۳۰زیرا
به همان‌گونه که در گذشته به خدا نافرمانی
کرده‌اید و اکنون در پی نافرمانی ایشان
رحمت کسب نموده‌اید، ۳۱ پس ایشان هم
اکنون، پیرو رحمتی که به شما شده است
نافرمانی کرده‌اند تا به نوبهٔ خود[d] نیز آنها
رحمت[e] کسب کنند. ۳۲زیرا خدا همه را در
غلا ۲۲:۳ نافرمانی محصور کرده است تا به همگی
رحمت آورد.
مز ۱۳۹:۶:۱۷-۱۸ ۳۳وه! از ژرفای ثروت و حکمت و دانش
حک ۱:۱۷ خدا! چقدر داوریهای او کاوش ناپذیر و
راههای او غیرقابل نفوذ هستند! ۳۴زیرا چه
۱ـ قرن ۲:۱۱؛ ار ۲۳:۱۸؛ ایوب ۱۵:۸ کسی فکر خداوند را شناخته است؟ یا چه
کسی مشاور او شده است[f]؟ ۳۵یا چه کسی
نخست به او داده است بلکه عوض دریافت
۱ـ قرن ۸:۶؛ کول ۱:۱۶-۱۷؛ عبر ۲:۱۰ کند؟[g] ۳۶زیرا همه چیز از او و بوسیلهٔ او و
به خاطر اوست. شکوه [بر او] به روزگاران
و روزگاران باد. آمین!

y- یعنی به ضرر اسرائیل برای خود عنوان و شکوهی قائل شوید ر.ک بند ۲۰.
z- گاهی ترجمه می‌کنند: مجموعهٔ ملت‌ها. تشخیص معنی این عبارت دشوار است. برابر نظریه مفسران متعددی ممکن است پولس فرا رسیدن دورانی را اعلام می‌کند که همه ملت‌های روی زمین مسیحی شده باشند ولی مفاد ۲-تسا۲:۳-۴ با این تفسیر تطبیق نمی‌نماید. ضمناً مقایسه با روم۱۵:۱۹ وادار می‌کند برای کلمه تمامیت که پولس بکار برده است جنبهٔ کیفیتی قائل شده، این جمله را تحقق کامل مشیت خدا درک نماییم. ر.ک روم۱۱:۱۲؛ لو۲۱:۲۴.
a- در اینجا تمام اسرائیل در مقابل باقیمانده‌ای است که در بند ۵ ذکر شده و قسمتی از اسرائیل که در بند ۲۵ آمده است. منظور از تمام اسرائیل فرداً فرد یهودیان نیست بلکه اسرائیل به صورت یک مجموعه می‌باشد. بین ورود مشرکان و گرایش اسرائیل ارتباطی هست که جنبهٔ توالی زمانی نداشته و تابع سببیت است (ر.ک بند ۳۱) و به نظر می‌رسد، منظور ارتباطی است که بین بی‌وفایی اسرائیل و گرایش مشرکان وجود دارد (بند ۱۱). مفسران دیگری چنین درک می‌کنند: منظور از تمام اسرائیل، مجموعه ایمانداران است که قبلاً یهودی و یا مشرک بوده‌اند.
b- اش۵۹:۲۰-۲۱؛ ر.ک اش۲۷:۹. ترجمه تحت‌اللفظی: هنگامی که گناهانشان را زدوده باشم. جملهٔ اولی این بند به صورت تعجب است: یعنی درخشندگی پیمان من با ایشان چنین خواهد بود! پولس این مطالب را با توجه به درک کامل پیامهای پیامبرانه‌ای ذکر می‌کند که فقط افشای راز (بند ۲۵) آن را مقدور ساخته است.
bb- این کلمه حرف اضافه‌ای در زبان یونانی است و دوبار در این بند بکار برده شده است. گاهی کلمه اولی را به خاطر و کلمه دومی را به سبب ترجمه می‌کنند.
c- با اینکه قسمت اول و دوم این بند از نظر اولی به صورت موازی ذکر شده‌اند منظور و هدفی متفاوت دارند: اصطلاح به سبب پدران به معنی به سبب استحقاق پدران نیست بلکه به سبب وعده‌ای است که به پدران داده شده است (ر.ک بند ۲۹ و تث۴:۳۷؛ ۹:۵).
d- در بعضی از نسخه‌های خطی در اینجا کلمه اکنون و یا به جای آن کلمه بعداً آمده است.
e- ساختمان دشوار این عبارت به سبب پیچیدگی ارتباط و سببیتی است که پولس بین تاریخ دو طرف قائل می‌شود.
f- اش۴۰:۱۳.
g- ایوب۴۱:۳.

نیایش معنوی: زندگی نو

۱۲ [1]پس ای برادران، پس شما را تشویق می‌کنم[h]، به‌خاطر مراحم خدا، بدنهای خودتان را[i]، قربانی زنده، مقدس، پسندیدهٔ خدا تقدیم نمایید؛ که از شما پرستش معنوی است[j]. [2]و خود را با این زمانه آهنگ نکنید[k] بلکه با تجدید ذهن، [خودتان را] تغییر دهید تا شما تشخیص دهید، مشیت خدا چیست، [آنچه] نیکو و [خدا] پسندیده و کامل است.

۱۱:۶، ۱۳، ۱۹، ۱۵:۱۶؛ ۱- پطر ۲:۵

۸:۱۴-۱۶، ۲۶-۲۷؛ غلا ۱:۴؛ افس ۴:۲۳؛ ۱- پطر ۱:۱۴؛ ۲- قرن ۳:۱۸؛ ۵:۱۷؛ فی ۱:۱۰

[3]زیرا بنابر فیضی که به من داده شده است به هر یک از شما می‌گویم: بیش از آنچه معقول است ادعای عقل نکنید بلکه طوری فکر کنید که عاقلانه باشد[l]، هرکدام به اندازهٔ ایمانی که خدا سهم داده است.[m]

۱- قرن ۴:۶؛ ۲- قرن ۱۰:۱۳؛ فی ۲:۳

[4]زیرا به همان‌گونه که در یک بدن، اعضای متعددی داریم و این اعضاء همه وظیفه واحدی ندارند، [5]ما نیز که متعدد هستیم، در مسیح یک جسم، و منفرداً اعضای یکدیگر[n].

۱- قرن ۱۰:۱۷؛ افس ۱:۲۳؛ ۴:۲۵-۳۰؛ ۵:۳۰

[6]ولی بنابر فیضی که به ما داده شده موهبت‌های مختلفی داریم: اگر [موهبت]

h- از اینجا قسمت پند و اندرز نامه آغاز می‌شود (ر.ک مقدمه). در ابتدای این نامه و در فصلهای ۹-۱۱ رحمت خدا مطرح شده است (ر.ک روم۱۱:۳۲) و در پاسخ به رحمت الهی ایجاب می‌نماید که حالت فداکاری و تقدیم خود در جمعیت‌های مسیحیان ابراز گردد (ر.ک روم۶:۱۹).

i- ترجمهٔ دیگر: خود را تقدیم کنید. در اینجا منظور بدنی نیست که متمایز از روح باشد بلکه منظور تقدیم تمام وجود آدمی است که در بدن و بوسیلهٔ بدن عمل می‌کند؛ این بدن مکانی است که برای وجود آدمی و فعالیت او و ارتباط با خدا با آدمیان و فعالیت او و ارتباط با خدا با آدمیان و جهان لازم است. ما بوسیلهٔ بدن خود اعضای مسیح به شمار می‌آییم (۱-قرن۶:۱۵) بدن برای خداوند و خداوند برای بدن است (۱-قرن۶:۱۳). بدین سبب باید همراه با مسیح بدن خود را به‌عنوان قربانی تقدیم کنیم. بدن شما معبد روح‌القدس است و شما دیگر به خود تعلق ندارید. پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید (۱-قرن۶:۱۹-۲۰).

j- اصطلاح پرستش معنوی را می‌توان برطبق اشتقاق و ریشه کلمه پرستش منطقی و معقول ترجمه کرد که به معنی مطابقت با سرشت خدا و آدمی است. ضمناً باید به‌خاطر داشت که نویسندگان یهودی و یونانی اکثراً این کلمهٔ توصیفی را در اوضاع و شرایط مشابه در عبارات بکار برده‌اند تا تفاوت بین پرستش ظاهری و پرستش حقیقی را که در آن تمام وجود آدمی درگیر است نشان دهند. پیامبران نیز همین‌گونه پرستش را از قوم اسرائیل مطالبه می‌کردند (هو۶:۶). همچنین ر.ک ۱-پطر۲:۲.

k- مسیحیان اولیه این نظریه را از یهودیان گرفته‌اند که در تاریخ جهان دو دوران بزرگ وجود دارد: زمان حاضر که در آن، بدن علناً فرمانروایی می‌کند و زمانی که خواهد آمد که در آن خدا ملکوت خود را متجلی خواهد کرد. ولی به نظر پولس و بیشتر نویسندگان مسیحی اولیه دوران آینده از تاریخ آمدن مسیح آغاز شده است. زمانه کنونی که زمانهٔ گناه است فقط به صورت موقتی و معلّق باقیمانده است؛ پایان آن مسلّم است و پیش بهای دوران آینده پرداخت شده است بنابراین فرد مسیحی اجازه نمی‌دهد که حقیقتی منفی و پلید که به‌زودی نابود خواهد شد روش زندگی او راتعیین کند.

l- با اینکه در این عبارات جناس بکار برده شده است ولی منظور پولس فقط جمله پردازی و سخن سنجی نیست بلکه در اینجا و در بندهای بعدی بشدّت با کجرویهایی نظیر پرمدّعایی و جاه‌طلبی مبارزه می‌کند که مدام جمعیت‌های مسیحی را تهدید می‌نمایند. وی مسیحیان را به تواضع، محبت و خدمت برادرانه تشویق می‌کند.

m- در این باره لین هارت می‌نویسد: «در اینجا کلمه ایمان یا بجای ثمره‌های ایمان یعنی موهبت بکار برده شده است و یا ایمان به‌عنوان حالت وجودی است و کلمهٔ ایمان به مفهوم در ایمان است. عقل و فرزانگی عبارت از این خواهد بود که آدمی خود را با شرایط مختلفی که خدا بدون تمایز کهتری یا مهتری به هرکس داده است تطبیق دهد زیرا همه آنها فیض می‌باشد. ولی میزان ایمان در افراد متفاوت است زیرا تحول و تکامل آن در همه افراد به یک اندازه نیست.»

n- در فصل ۱۲ نخستین نامه به قرنتیان همین تصویر برای نشان دادن این استدلال بکار برده شده است، مخصوصاً از بند ۱۲ به بعد.

پیامبری است برطبق ایمان[o] [انجام شود]؛
۷ اگر خدمتی[p] است در خدمتگزاری، اگر
آموزش دادن است در آموزش. ۸ اگر تشویق
کردن است در تشویق. آن که می دهد با
گشاده دلی بدهد[q]، آن که سرپرستی می کند[r]
با شوق بکند؛ آن که رحمت می آورد با
عا ۱۵:۵ شادی انجام دهد. ۹ رخصت دهید محبت
بدون ریا باشد. از شرارت متنفر [باشید]،
به نیکی بچسبید. ۱۰ با محبتی برادرانه
فی ۳:۲ فدایی یکدیگرباشید، در احترام به یکدیگر
پیشدستی کنید، ۱۱ در شوق کاهل نباشید،
با روحی پُرشور، خداوند را خدمت کنید[s].
اع ۱:۱۴؛ کول ۲:۴ ۱۲ در امیدواری شادمان، در رنج بردبار، در
دعا کردن ثابت قدم باشید. ۱۳ در
۱ـ پطر ۹:۴ نیازمندیهای مقدسان[t] سهیم شوید، در
مت ۳۸:۵-۴۸ مهمان نوازی کوشا باشید. ۱۴ برای آنان که
به شما جفا کنند برکت بطلبید؛ برکت
بطلبید. ۱۵ با آنانکه که شادی می کنند
۱ـ قرن ۲۶:۱۲؛ بنسی ۳۴:۷ شادی کنید، با آنانکه می گریند، گریه
کنید. ۱۶ با یکدیگر هم رأی باشید، در پی
سرافرازی نباشید. بلکه به سوی حقیر
متمایل شوید. خود را خردمند مپندارید[u].
اش ۲۱:۵ ۱۷ در برابر بدی به هیچ کس بدی مکنید،
۱ـ تسا ۱۵:۵؛ ۱ـ پطر ۹:۳ ۲ـ قرن ۲۱:۸ عبر ۱۴:۱۲ مقابل همه انسان ها نیکی را در نظر
بگیرید[v]. ۱۸ اگر ممکن است تا آنجا که به
شما مربوط است با همه انسان ها در صلح
مت ۳۹:۵-۴۴؛ باشید. ۱۹ ای محبوبان، خودتان انتقام
نکشید بلکه بگذارید خشم [خدا] عمل
کند[w] زیرا نوشته شده است: خداوند
عبر ۳۰:۱۰؛ لاو ۱۸:۱۹ می گوید: «انتقام با من است! منم که پاداش
خواهم داد[x].» ۲۰ اما اگر دشمنت گرسنه
است به او غذا بده؛ اگر تشنه است به او

o- ترجمه تحت اللفظی: برطبق شباهت ایمان. این عبارت را به دو نوع می توان درک و تعبیر کرد:
۱- ایمان به معنی عینی کلمه، که البته منظور مجموعهٔ عقایدی نیست که ایمان مسیحیت را تشکیل می دهد بلکه معنی کلی تر است و برطبق ایمان = در هم آهنگی با ایمان کلیسا است یعنی در همبستگی با ایمانداران است، در این صورت اندرزی که داده است کاملاً در ردیف توضیحات دیگر می باشد. بدین معنی که مسیحیان یک بدن واحد را تشکیل می دهند که اعضای آن وظایف مختلفی برعهده دارند ولی این تفاوت ها هرگز نباید موجب شود که کسی از دیگران پیشی گرفته، از موهبت مخصوصی که دارد به خود ببالد؛ بلکه همه امور در همبستگی و اتحاد ایمانداران انجام می شود و فروتنی قاعده و روش این همبستگی است.
۲- هرگاه ایمان را به معنی ذهنی کلمه بگیریم در این صورت برطبق ایمان به معنی: به نسبت ایمانی است که هر فرد دریافت نموده است باید و خیلی نزدیک به نکته ای است که پولس در بند ۳ گفته یعنی هرکدام به اندازهٔ ایمانی که خدا سهم داده است.
p- کلمه ای که در اینجا خدمت ترجمه شده است باید به مفهوم فنی کلمه گرفته شود: خدمت شماسی و خدمت کمک و یاری به تیره بختان.
q- کلمه ای که در اینجا گشاده دلی ترجمه شده اصلاً در زبان یونانی به معنی پاکی، بدون آمیختگی و سادگی است (چنانکه در علم شیمی سخن از جسم بسیط و خالص است). بنابراین کسی که بخشش می کند باید این عمل را بدون درنظر گرفتن فکر بخصوصی، بدون انتظار پاداش و عوض انجام دهد. ر.ک مت۶:۲۲.
r- منظور کسی است که کلیسا را سرپرستی می کند (ر.ک ۱-تسا۵:۱۲) و یا کسی که در جمعیت مسیحیان توزیع و تقسیم عطایا را سرپرستی می نماید. ممکن است این دو وظیفهٔ توأم بوده است.
s- در بعضی از نسخه های خطی بجای خداوند را خدمت نمایید نوشته شده است وقت را خدمت نمایید و برخی از مفسّران آن را تفسیر کرده اند: به فرا رسیدن فرصت مناسب متوجه باشید (ر.ک افس۵:۱۶).
t- در مورد کلمه مقدّسان ر.ک روم ۱:۷ m و ۱۵:۲۵ h.
u- امث۳:۷.
v- در ترجمه یونانی کتاب مقدس امث۳:۴.
w- ترجمه تحت اللفظی: جا برای خشم بگذارید، که البته منظور خشم خدا است.
x- تث۳۲:۳۵.

آب بده؛ زیرا اگر چنین کنی اخگرهای
افروخته برروی سرش انباشته خواهی کرد[y].
۲۱ بوسیله بدی، مغلوب مشو؛ بلکه با
نیکی بر بدی غالب شو.

آموزش در مورد اولیای اُمور

مت ۲۲:۱۶-۲۱
۱ـ تیمو ۲:۱-۲؛
تیط ۳:۱؛
۱-پطر ۲:۱۳-۱۷؛
امث ۸:۱۵؛
یو ۱۹:۱۱

۱۳ ۱ هر شخصی فرمانبردار[z] اقتدارهای
برتر باشد؛ زیرا اقتداری نیست،
اگر بوسیلهٔ خدا نباشد، و آنهایی که
هستند بوسیلهٔ خدا برقرار شده اند.
۲ بدین گونه آنکه در برابر اقتدار مخالفت
می کند با خواست خدا ایستادگی
می نماید، و آنان که ایستادگی می کنند بر
خودشان حکم خواهند کرد. ۳ زیرا کارهای
نیکو را از فرمانروایان ترسی نیست، بلکه
بد را[ترسی است]. بلکه برای آنکه بد
می کند. اما آیا می خواهی از اقتدار
نترسی، نیکی بکن و از او ستایش خواهی
داشت؛ ۴ زیرا وی، خدمتگزار خدا برای تو،
به نیکی است[a]. ولی اگر بدی کنی، بترس،
زیرا خدمتگزار خدا است تا خشم [خدا]
را ضدّ هرکسی که بدی می کند اعمال
نماید[b]. ۵ بدین سبب لازم است، نه فقط
به سبب خشم، بلکه همچنین به سبب ۱ـ پطر ۲:۱۹
وجدان، فرمانبردار باشد[c]. ۶ چونکه به این
دلیل نیز مالیات می پردازید؛ زیرا
حکمرانان[d] کارمندان خدا هستند، در
همین امر، پیوسته حاضر به خدمت
می باشند. ۷ به همهٔ آنان، آنچه حق ایشان
است بدهید: به آنکه باید مالیات پرداخت،

y- مز۲۵:۲۱-۲۲ ترجمه یونانی. آیا منظور پولس از نقل این مثل چیست؟ به دو نوع مختلف می توان تفسیر کرد: پولس فکر می کند نیکی و محبّت کسی که مورد تعدّی قرار گرفته، شرارت شخص ظالم را بیشتر نمایان کرده و تنبیه الهی را تشدید می نماید یا اینکه بالعکس فکر می کند که ظالم به سبب محبت مظلوم غافلگیر و متأثر شده به حدّی که رنج می کشد (اخگر افروخته) و توبه می کند.

z- کلمهٔ یونانی که در اینجا بکار برده شده به معنی حق اجرای عمل، در نتیجه امکان انجام عمل، یا قدرت و اقتدار (نظامی یا کشوری) می باشد. در این صورت به مفهوم اشخاص و مؤسساتی است که این قدرت و اقتدار را اجرا می کنند و آن را در فارسی اولیای اُمور یا مقامات دولتی می نامیم.
محتمل است و امکان دارد پولس همان عقیده یهودیان را داشته که برطبق آن یک موجود آسمانی، فرشته ای خوب یا بد، مظهر و نماینده مقامات زمینی در عالم بالا است و اعمال آنان را الهام می کند (ر.ک دان فصل ۱۰: فرشته های ایران و یونان). در این صورت می توان دریافت به چه سبب همین کلمه گاهی طبقه ای از فرشتگان را تعیین می کند بدون اینکه به روشنی اختصاصات هر طبقه را مشخص نماید. ر.ک کول۱:۱۶؛ اریکه ها، خداوندی ها، قدرت ها، اقتدارات؛ افس۶:۱۲ قدرت ها، اقتدارات، فرمانروایان این قرن ظلمات، ارواح شریری که در آسمانها هستند. ر.ک همچنین عناصر در غلا۴:۳، ۹؛ کول۲:۲۰. با توجّه به این مطالب متن بالا به دو گونه تفسیر می شود: این قدرتها هم قدرتهای فرشتگان و هم طرف زمینی آنها هستند.

a- ترجمهٔ دیگر: زیرا او در خدمت خدا، برای وادار کردن تو به نیکی است.

b- ترجمهٔ تحت اللفظی: زیرا او در خدمت خدا است، انتقام گیرنده برای خشم ضد آن که بدی می کند. در مورد این کلمهٔ «انتقام» الهی. ر.ک ۱۹:۱۲. نظم اجتماعی و سیاسی به منظور صلاح و نیکی و رفع بدی است. اقتداری که ضامن نظم عمومی است، خدمتگزار خدا برای بهبود همگانی بوده و لذا نقشی کاملاً مثبت در زندگی آدمیان دارد. بدین سبب مسیحیان باید از آن تبعیت کنند. به هرصورت این اظهارات رسولی، اقتدار مطلقی که منشأ خدایی داشته باشد مقرر نمی نماید؛ برعکس مقامات را تابع موازینی می کند که خارج از ارادهٔ آنان است و عبارت از خیر و صلاح می باشد و مقامات مذکور مجاز نیستند خیر و صلاح را رأساً و به ارادهٔ خود تعیین و مشخص نمایند. به نظر پولس این امر با مشیّت خدا تطبیق می کند.

c- این تبعیت و اطاعت فقط بر اثر ترس از مجازات نبوده بلکه برمبنای الزامات وجدان مسیحی است که طبق بندهای قبلی یادآوری می نماید اگر خدا نخواسته بود اقتداری وجود نمی داشت. با این همه تذکّر وجدان مانع از آن است که اندرز پولس به عنوان اطاعت کورکورانه تلقی شود. رسول به خوبی می تواند با ادعاهای غیرقابل قبول قدرت حاکم رومیان به شدّت مخالفت نماید (ر.ک ۱-قرن۱۲:۳ که در آنجا احتمالاً اشاره به پرستش امپراتور است. زیرا رومیان اظهار می کردند امپراتور خداوند است و ملزم می کردند هرگونه سروری و خداوندی دیگر انکار و نفی گردد).

d- ترجمه تحت اللفظی: آنان.

مالیات؛ به آنکه عوارض[e]، عوارض؛ از آنکه باید ترسید، بترسید؛ به آنکه باید احترام گذاشت، احترام بگذارید[f].

محبت متقابل و مراقبت مسیحیان

۸ به هیچکس بدهکاری نداشته باشید، مباد جز اینکه به یکدیگر محبت کنید[g]؛ زیرا آنکه به دیگری[h] محبت می کند قانون [تورات] را کاملاً اجرا کرده است[i]. ۹ زیرا [فرمانهای]:

زنا نخواهی کرد، نخواهی کُشت، دزدی نخواهی کرد، طمع نخواهی کرد، و اگر فرمان دیگری هست، این سخن خلاصه می شود: در این همسایه ات را مانند خودت محبت خواهی داشت[j]. ۱۰ محبت به همسایه بدی نمی کند؛ پس محبت به تحقق رسانیدن قانون [تورات] است. ۱۱ و این را می دانید وقت آن فرا رسیده، که اکنون ساعتی است که شما از خواب خود بیدار شوید[k]؛ زیرا اکنون نجات ما نزدیک تر از زمانی است که ایمان آورده ایم. ۱۲ شب رو به پایان است، و روز نزدیک است. پس اعمال ظلمت را بدور اندازیم و اسلحهٔ نور را دربر کنیم. ۱۳ همچنان در روز، با شایستگی رفتار کنیم: نه عیاشی و میگساری، نه فحشاء و هرزگی، نه نزاع و حسادت، ۱۴ بلکه خداوند یسوع مسیح را دربر کنید و برای خواهش تن، دوراندیشی نکنید.

یو ۳:۳۴؛ کول ۳:۱۴؛ ۱ـ یو ۴:۱۱

مت ۱۹:۱۸-۱۹ و متون موازی؛ جگ ۶:۱۸؛ ۱ـ قرن ۱۳:۴-۷

افس ۵:۸-۱۶؛ ۱ـ تسا ۵:۴-۸؛ ۱ـ قرن ۷:۲۶، ۲۹

یو ۸:۱۲؛ ۱ـ یو ۲:۸

۲ـ قرن ۶:۷؛ افس ۶:۱۱؛ ۱۳-۱۷

۱:۲۹؛ لو ۲۱:۳۴

غلا ۳:۲۷؛ افس ۴:۲۴

نیرومندان و ضعیفان

۱۴ ۱ و کسی را که در ایمان[l] ضعیف است، نه برای بحث عقاید[m] پذیرا شوید. ۲ حقیقتاً آن یکی خیال می کند از همه چیز[n] می تواند بخورد، درصورتی که

۱ـ قرن ۸:۷-۱۳؛ روم ۱۵:۷

۱ـ قرن ۱۰:۲۵

e- منظور حقوق گمرکی است که به صورت مالیات غیرمستقیم دریافت می شود.
f- ترجمهٔ تحت اللفظی: به همگی بدهید آنچه را که طلب ایشان است: به آنکه مالیات، مالیات؛ به آنکه عوارض، عوارض؛ به آنکه ترس، ترس؛ به آنکه احترام، احترام.
g- حتی اگر بتوان همه وظایف اجتماعی (بدهکاری ها) را انجام داد، برای فرد مسیحی یک وظیفه مهمتر و اساسی باقی می ماند که محبّت به همنوع خود می باشد.
h- گاهی ترجمه می کنند: همنوع، همسایه.
i- اگر تنها محبت به همنوع را بتوان انجام کامل قانون تورات بشمار آورد بدان سبب است که قانون مذکور علّت نهایی دیگری نداشته و هدف آن محبت است. ر.ک غلا ۵:۱۴ و یسوع قانون را به همین گونه خلاصه می کند (مت ۲۲:۳۷-۴۰) وقتی که می گوید: فرمان دومی (محبت به همنوع) نظیر فرمان اولی (دوست داشتن خدا) است.
j- خروج ۲۰:۱۳-۱۷؛ تث ۵:۱۷-۲۱؛ لاو ۱۹:۱۸.
k- در بعضی از نسخه های خطی آمده است: که از خواب خود بیدار شویم.
l- در این فصل منظور پولس بعضی از مسیحیان می باشد که هنوز از گرویدن به انجیل کاملاً نتیجه نگرفته اند. با اینکه ایمان آورده اند، تصور می کنند کماکان مجبور به رعایت مقررات شرعی آیین یهود هستند (ر.ک کول ۲:۱۶-۲۳؛ ۱-تیمو ۴:۳-۵؛ تیط ۱:۱۵). پولس به همان گونه که در ۱-قرن ۸:۷-۱۳ و ۱۰:۱۴-۳۳ در مورد گوشت های قربانی شده برای بُتان گفته است، در اینجا توصیه می کند که هرکس برطبق معتقدات خود رفتار کند (بندهای ۵-۶) و از سوی دیگر اقویا و ضُعفا از داوری کردن یکدیگر پرهیز نمایند. زیرا همهٔ مسیحیان، به هر اندازه که در مرحله ایمان پیش رفته باشند، بوسیله محبت برادرانه می توانند در صلح و اتحّاد با یکدیگر زندگی نمایند.
m- کسی که ایمانی روشن دارد نباید دربارهٔ معتقدات وجدانی افراد ضعیف، بحث و مجادله کرده و آنها را تحقیر نماید. کلمهٔ یونانی را که عقاید ترجمه شده است بعضی از مفسران دقت و دغدغه خاطر در رعایت نظریات ترجمه می کنند. به هرصورت مفهوم کلام پولس جرّوبحث در نظریات و آراء وجدانی است.
n- ترجمهٔ تحت اللفظی: یکی ایمان دارد [که می تواند] هر چیزی بخورد. فعل ایمان داشتن و کلمه ایمان که در بندهای ۲۲ و ۲۳ آمده به مفهوم خاصی بکار رفته و منظور ایمان نجات بخش نیست (که در بندهای ۳:۲۱-۲۶ ذکر شده است)، بلکه داوری در

ضعیف سبزیجات می‌خورد. ۳آنکه می‌خورد
کسی را که نمی‌خورد تحقیر نکند، و آنکه
کول ۲:۱۶-۲۱ نمی‌خورد کسی را که می‌خورد داوری
ننماید؛ زیرا خدا او را پذیرفته[o] است. ۴تو
یع ۴:۱۱؛ متی ۷:۱ کیستی که خدمتگزار[p] کسی دیگر[q] را
داوری می‌کنی؟ [خدمتگزار] بایستد و یا
بیفتد، به اربابش [مربوط] است، اما
ایستاده خواهد ماند، زیرا خداوند می‌تواند
او را نگهدارد. ۵آن یکی ارزش یک روز[r] را
غلا ۴:۱۰؛ کول ۲:۱۶ بیش از روز دیگر می‌داند، آن دیگری همه
[روزها] را یکسان می‌شمارد. هرکس در
عقیدهٔ خود ثابت بماند[s]، ۶آنکه در اندیشه
روز است به‌خاطر خداوند در اندیشه است؛
۱ـ قرن ۱۰:۳۰؛ ۱ـ تیمو ۴:۴ و آنکه می‌خورد، به‌خاطر خداوند می‌خورد،
زیرا از خدا سپاسگزاری می‌نماید؛ و آنکه
نمی‌خورد، به‌خاطر خداوند نمی‌خورد، و از
خدا سپاسگزار است. ۷زیرا هیچ یک از ما
به‌خود زنده نیست، و به‌خودش نمی‌میرد؛ ۸
۶:۱۱؛ ۱ـ قرن ۳:۲۳؛ ۲ـ قرن ۵:۱۵؛ غلا ۲:۲۰ و زیرا اگر زندگی می‌کنیم برای خداوند
است که زندگی می‌کنیم، و اگر می‌میریم
برای خداوند می‌میریم. و پس چه زندگی
کنیم، و چه بمیریم از آن[t] خداوندیم. ۹زیرا
اع ۱۰:۴۲؛ فی ۲:۱۱ برای این مسیح مرد و زندگی از سر[u] گرفته
است، تا هم بر مردگان و زندگان خداوندی
نماید. ۱۰اما تو، چرا برادر خود را داوری
می‌کنی؟ یا تو نیز چرا برادر خود را تحقیر
اع ۱۷:۳۱؛ متی ۲۵:۳۱-۴۶؛ ۲ـ قرن ۵:۱۰ می‌نمایی؟ زیرا همگی در برابر کرسی
داوری خدا[v] حاضر خواهیم شد؛ ۱۱زیرا
نوشته شده است: خداوند می‌گوید: به‌حق
که من زنده‌ام[w]، که هر زانویی در مقابل من

اعمال و رفتاری است که از این ایمان ناشی می‌شود. کسی که از نظر ایمانی نیرومند است می‌داند که مجبور به رعایت مقررات شرعی نیست درصورتی که آنکه ضعیف است تصوّر می‌نماید باید کماکان از این دستورات اطاعت کند.

o- اگر آنانکه قوی‌ترند در صدد تحقیر برادرانی باشند که تجربه کمتری دارند و دقت زیاد آنان را در امور مذهبی استهزاء کنند، برادران ضعیف نیز به نوبهٔ خود کسانی را محکوم خواهند کرد که به سبب داشتن ایمان تصوّر می‌نمایند می‌توانند مقررات اخلاقی را نادیده بگیرند. پولس به هر دو گروه یادآوری می‌نماید که فقط به فیض الهی به برائت دست یافته‌اند و رفتارشان باید از محبت مشابهی الهام گیرد.

p- فرد نیرومند و فرد ناتوان، هردو خدمتگزار خدا هستند (بندهای ۷-۹) که داوری مختص او است. (ر.ک مت۷:۱؛ ۱-قرن۴:۵؛ یع۴:۱۲).

q- ترجمهٔ دیگر: توکیستی که خدمتگزاری را داوری می‌کند که از آن تو نیست (یعنی خدمتگزار خدا است).

r- ترجمهٔ دیگر: در نظر یک نفر بین روزها تفاوت هست. در این فصل پولس کلمهٔ یونانی داوری کردن را در مفاهیم مختلف بکار می‌برد: گاهی نظیر مورد بالا به معنی تشخیص دادن، گاهی به معنی قدر دانستن و پنداشتن (بند ۱۳ ب)، گاهی به معنی تعیین ارزش (بند ۱۰) و بالاخره گاهی به معنی محکوم کردن بکار می‌برد (بند ۳). ممکن است در اینجا پولس به طرز عمل کسانی اشاره می‌نماید که برطبق آیین یهود رفتار می‌نمایند.

s- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: هرکس در (یا بوسیلهٔ) روح خود مملو باشد، چنین می‌نماید که پولس می‌خواهد بگوید هرکس در فکر خود پایدار بماند و کاری به کار دیگران نداشته باشد.

t- همین نکته که اقویا و ضعفا، همگی به خداوند تعلق دارند (بند ۴) بیش از نظریات اخلاقی فردی اهمیت دارد.

u- با ذکر تصویر خدمتگزار و ارباب (خداوند. ر.ک بند ۴)، پولس یادآوری می‌کند که مسیح با برخاستن از میان مردگان، خداوند شکوهمندی شده است که در برابر او هر زانویی باید خم شود (فی۲:۱۰-۱۱).

v- داوری نهایی حق منحصر و مخصوص خدا است (۱۹:۱۲). مسیح برخاسته، خداوند مردگان و زندگان در این امتیاز با پدر سهیم است (اع۱۷:۳۱؛ روم۲:۱۶؛ ۲-قرن۵:۱۰؛ ر.ک مت۲۵:۳۱-۴۶).

w- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: خداوند می‌گوید من زنده‌ام... عبارتی به‌صورت سوگند است که بارها در عهد عتیق آمده است و گاهی ترجمه می‌کنند: به زندگی خود سوگند یاد می‌کنم...

خم خواهد شد، و هر زبانی خدا را ستایش[x] خواهد کرد. ۱۲پس بنابر این هر یک از ما
۲:۵-۶، ۱۶؛ عبر ۴:۱۳ در خصوص خودش، حساب را به خدا خواهد داد.
۱۳پس یکدیگر را داوری نکنیم، بلکه
۱ـ قرن۸:۹-۱۳؛ مت ۱۸:۶ بهتر آنکه حکم کنید درمقابل برادر [خود] سنگ لغزش[y] یا مانعی نگذارد. ۱۴من
اع ۱۰:۱۵؛ مت ۱۵:۱۱؛ ۱ـ قرن ۱۰:۲۳؛ ۱ـ تیمو ۴:۴؛ تیط ۱:۱۵ می‌دانم و در خداوند یسوع مطمئنم[z] که هیچ چیز به خودی خود پلید نیست؛ اگر کسی تصور کند که چیزی پلید است، برای او پلید است. ۱۵باری، اگر برادرت به سبب خوراکی آزرده خاطر است، تو دیگر برطبق محبت رفتار نمی‌کنی. آن کسی را
۱ـ قرن ۸:۹-۱۳ که مسیح به خاطر او مرده است با غذای خودت نابود مکن. ۱۶پس مگذارید آنچه برای شما نیکو است[a] [انگیزه] کفرگویی [دیگران] شود. ۱۷زیرا ملکوت خدا، خوراکی و آشامیدنی نیست، بلکه عدالت، صلح و شادمانی در روح القدس است. ۱۸چون کسی که در این چیزها به مسیح خدمت می‌کند، مورد پسند خدا و مقبول مردمان[b] است. ۱۹پس بنابراین، در جستجوی صلح و تهذیب[c] برای یکدیگر باشیم. ۲۰به خاطر غذا عمل خدا[d] را خراب مکن. زیرا همه چیز پاک است؛ اما بد است برای انسانی که به خاطر لغزش می خورد[e]. ۲۱خوب است گوشت نخوری، شراب ننوشی و نه به آنچه برادرت را می لغزاند. ۲۲ایمانی[f] را که داری، در نزد خود در حضور خدا نگهدار. خوشا بر آنکه در آنچه موافق می شمارد خود را محکوم نمی کند. ۲۳اما آنکه شک دارد اگر

۱ـ قرن ۸:۸؛ غلا ۵:۲۲؛ ۱ـ تسا ۱:۶

۱۷:۱۲-۱۸؛ ۱ـ قرن ۷:۱۵؛ روم ۱۵:۲؛ ۱ـ قرن ۱۴:۲۶؛ افس ۴:۱۲-۱۶؛ تیط ۱:۱۵

۱ـ قرن ۸:۱۳

۱-قرن۱۰:۲۵-۲۷؛ ۱۱:۳۱

x- اش۴۹:۱۸؛ ۴۵:۲۳. متن اشعیاء را که در اینجا نقل شده، پولس در مورد مسیح شکوهمند در فی۲:۱۰-۱۱ آورده است.
y- در کتاب مقدس، سنگ مانع و سنگ تصادم، سنگی است که بر سر راه موجب لغزش و اکثراً سقوط می شود (ر.ک ۵:۲۹؛ ۱۸:۶؛ ۱-قرن۸:۱۳؛ ۱-یو۲:۱۰).
z- ممکن است که پولس در اینجا اشاره به یکی از سخنان مسیح می نماید (ر.ک مر۷:۱۵-۲۳؛ لو۶:۴) گاهی این عبارت را ترجمه می کنند: من می دانم و بوسیلهٔ خداوند یسوع یقین دارم که... باید گفت که بند ۱۴ نظیر جملهٔ معترضه ای در سلسلهٔ استدلالهای پولس است و از نظر منطقی مطالب بند ۱۳ در بند ۱۵ ادامه می یابد.
a- گاهی ترجمه می کنند: امتیاز شما را... در این عبارت کلی به نظر لیونه منظور آزادی و امتیازی است که افراد مسیحی قدرتمند برای خود قائل بوده اند و به طرز غرض آلودی تفسیر می کردند». بعضی از مفسران چنین استنباط کرده اند: آنچه به چشمان شما نیکو است، به هرصورت منظور امتیازی نیست که برای عدّه محدودی قائل شده باشند زیرا در این مورد مزیّتی برای کسی در کلیسا وجود ندارد. در بعضی نسخه ها چنین است: که نیکویی ما را بد نگویند.
b- قبلاً در فصل ۱۲، پولس در این اندیشه بود که مشاهده کند مسیحیان با همهٔ مردمان، با توافق زندگی نمایند (۱۲:۱۷-۱۸) و در این مورد بارها در نامه های رسولی، دغدغهٔ خاطر خود را یادآوری کرده است. (۱-تیمو۲:۲؛ ۶:۱؛ تیط۲:۹-۱۰).
c- کلمه ای که در اینجا تهذیب ترجمه شده است فقط منحصر به آن نیست که به دیگران سرمشق خوبی داده شود بلکه به مفهوم معمولی که پولس بکار می برد هدف بنای جامعهٔ مسیحیت می باشد یعنی کلیسایی که جسم مسیح است (ر.ک روم۱۵:۲؛ ۱-قرن۳:۹؛ ۱۴:۵، ۱۲، ۲۶؛ ۲-قرن۱۳:۱۰؛ افس۲:۲۱؛ ۱۴:۱۲، ۱۶، ۲۹).
d- منظور از «عمل خدا» در اینجا یا برادری است که از نظر ایمانی ضعیف است و یا عمل عظیمی است که بنای جامعه مسیحیت می باشد و در بند قبلی ذکر گردیده است.
e- احسان برادرانه ممکن است اقتضا کند کسی که از نظر ایمانی نیرومند است از امتیازی که در بند ۱۶ ذکر شده صرف نظر کند. پولس همین وضعیت و موقعیت را در ۱-قرن۸:۱۳ اتخاذ نموده است.
f- ترجمهٔ دیگر: اطمینانی که ایمان به تو می دهد. در اینجا منظور عقاید و نظریات عملی است که از ایمان الهام می گیرند (ر.ک بند ۱، l. m). این بند مربوط و خطاب به همهٔ مسیحیان است، اعّم از آنانکه از نظر ایمانی نیرومند و یا ضعیف باشند. همگی آنان باید رفتاری برطبق داوری وجدان داشته باشند، وجدانی که بوسیله ایمان روشن شده است.

۱ـ قرن ۸:۷؛ یع ۴:۱۷ بخورد، محکوم است، زیرا از ایمان نیست، و هر چه که از ایمان نیست گناه است.

۱۵ [g]و ما توانمندان باید ضعف های ناتوانایان را بر دوش بگیریم[h] و در

۱ـ قرن ۱۰:۳۳ پی خوشایند خود نباشیم. ۲هر یک از ما همسایه را خشنود سازد، برای نیکی و به منظور تهذیب[i]. ۳زیرا مسیح نیز در پی خوشایند خود نبود؛ بلکه برطبق آنچه نوشته شده است: «ناسزاهای ناسزاگویان تو بر روی من افتاده است[j]». ۴باری آنچه قبلاً

۱ـ قرن ۱۰:۱۱ نوشته شده، همه به منظور آموزش ما قبلاً نوشته شده تا به وسیلهٔ مقاومت و به وسیلهٔ تسلی نوشته های [مقدس] امیدواری داشته باشیم. ۵باشد خدای مقاومت و تسلی به شما عطا کند[k] که برطبق مسیح یسوع[l] با یکدیگر همرأی باشید، ۶تا، به یک دل و به یک زبان[m]، خدا و پدر خداوند ما، یسوع مسیح را تجلیل کنید.

۲ـ تیمو ۳:۱۶؛ ۱ـ مک ۱۲:۹؛ ۲ـ مک ۱۵:۹

فی ۲:۱؛ اش ۴۰:۱

پذیرش برادرانه

۷بدین سبب یکدیگر را بپذیرید به همان گونه نیز که مسیح هم شما[n] را برای شکوه خدا[o] پذیرفته است. ۸زیرا می گویم[p] مسیح به خاطر راستی خدا، خدمتگزار [اهل]

g- دو فصل آخری نامهٔ به رومیان (فصلهای ۱۵ و ۱۶) از نظر نگارش مسئله ای را مطرح می کنند. البته در اصالت و انتساب آنها به پولس شکی وجود ندارد ولی رونویس کنندگان نسخه های خطی چندان مطمئن نبوده اند و در مقابله و مقایسهٔ آنها مشاهده می شود که نامهٔ به رومیان بدون این دو فصل هم وَجود داشته است. از طرف دیگر چون نامهٔ به رومیان در وسط شرح مطالب (روم۱۴:۲۳) قطع می شود، فقدان این دو فصل از اول نبوده و فصل ۱۵ مسلماً قسمتی از نامه است. آیا دربارهٔ فصل ۱۶ هم می توان چنین گفت؟ لحن تند و شدیدی که در ۱۶:۱۷-۲۰ وجود دارد با لحن کلی نامه تفاوت دارد و این نکته موجب شگفتی شده است. همچنین متوجه شده اند بعضی از مطالب این فصل با نامه های رسولی شباهت دارند (ر.ک روم۱۶:۱ پاورقی o): ضمناً این سؤال پیش می آید که پولس چطور این همه اشخاص را می شناخته (۱۶:۱-۱۶)، در شهری که هرگز به آنجا نرفته بوده است. ولی باید گفت که تغییر لحن در نامه های پولس فراوان است و قسمتی از فصل ۱۶ که خیلی نزدیک به نامه های رسولی است (۱۶:۱۷) در داخل نامه مورد مشابه دیگری دارد (۶:۱۷) و امکان دارد پولس، اشخاصی را که به آنان سلام می کند در جای دیگری غیر از رُم ملاقات کرده باشد. مضافاً بر اینکه لزومی ندارد همهٔ ایشان را شخصاً بشناسند. هرگاه فرض کنیم که فصل ۱۶ نامهٔ به رومیان بدواً یادداشت جداگانه ای بوده و سپس به نامه افزوده شده است دیگری ایجاد کرده و مسئله را حل نمی کند. تنها مطالب ستایشی که در پایان نامه آمده است (روم۱۶:۲۵-۲۷) مسئلهٔ واقعی بوجود آورده است زیرا موضوع و شیوهٔ نگارش این مطالب بیشتر به نامه های دوران زندان پولس شبیه است (نامه به افسسیان - نامه به کولُسیان) و بسیاری از اصطلاحات، غیر از کلماتی است که معمولاً پولس بکار می برده ولی این اختلافها قطعی نیست.

h- البته منظور آن است که ایشان را کمک کنیم ناتوانی های خود را تحمل نمایند. ر.ک غلا۶:۲.

i- ر.ک ۱۴:۱۹ c. کلمهٔ یونانی که نیکی ترجمه شده است تحت اللفظی به معنی مشارکت دسته جمعی افراد برای کمک به دیگران است.

j- مز۶۹:۱۰. این مزمور رنجهای عادل ستمدیده را توصیف می کند و از اوایل دوران مسیحیت این مزمور را در مورد مسیح بکار برده اند. به نظر پولس این رنجها که نتیجهٔ جدیت در راه شکوهمندی خدا است (مز۶۹:۱۰ الف) نشان می دهد که یسوع درپی آنچه خوشایند خودش باشد نبوده است.

k- ر.ک اش ۴۰:۱.

l- پولس از خوانندگان تقاضا نمی کند اختلاف نظرهای خود را به کنار بگذارند بلکه مجدداً اندرزهای بند ۲ را از سر می گیرد. ر.ک روم۱۲:۷.

m- ترجمهٔ تحت اللفظ: با یک فکر، با یک دهان.

n- نسخه های خطی دیگر: مسیح ما را برای شکوه...

o- هدف نهائی عمل مسیح شکوهمندی خدا است و این امر در زندگی شخصی هر فرد مسیحی یا در زندگی اجتماعی مسیحیان است (بند ۶).

p- بندهای ۸ و۱۲، مطالب بند ۷ را تصریح می کنند بدین معنی که: مسیح، شما مسیحیان رُم را که مشرک بودید فقط به سبب رأفت و رحمت خود پذیرفته است و شما هم باید در روابط بین یکدیگر از طرز رفتار مسیح پیروی کنید.

مت ۲۴:۱۵ ختنه شده تا وعده هائی را که به پدران داده شده است تأکید کند[pp]. [۹] اما امت ها، به سبب رحمت او خدا را تجلیل می کنند برای اینکه نوشته شده است: «بدین سبب تو را در بین امت ها[q] و به خاطر نام تو خواهم سرود[r]». [۱۰] و باز هم اقرار می کنم می گوید: «ای امت ها، با قوم او[s] شادی کنید». [۱۱] و باز هم: ای ملت ها، همگی خداوند را ستایش کنید، و همه اقوام او را ستایش کنند[t]». [۱۲] و باز اشعیاء می گوید: از ثمرهٔ[tt] «یسّا» خواهد بود و آنکه برای فرمانروائی بر امت ها برمی خیزد [u] و امت ها بر او امید خواهند بست[v]». [۱۳] و خدای امید شما را از هر شادی و صلح در ایمان آکنده کند تا به قدرت روح القدس سرشار در امید باشید.

مأموریت پولس

[۱۴] اما ای برادران من، همچنین خود من درباره شما مطمئنم که نیز خودتان آکنده از نیکی و محشون از هر دانش هستید و می توانید به یکدیگر نصیحت کنید. [۱۵] اما در قسمتی به شما جسورانه تر نوشته ام[w] تا یادآوری کنم به شما، به سبب فیضی که به وسیلهٔ خدا به من داده شده است، [۱۶] که خدمتگزار مسیح یسوع در امت ها باشم، به مأموریت مقدس انجیل خدا بپردازم تا تقدیمی امت ها که به وسیلهٔ روح القدس فی ۱۷:۲ تقدیس شده است پذیرفته گردد[x]. [۱۷] بنابراین در آنچه خدمت برای خدا است در مسیح یسوع تفاخر دارم. [۱۸] زیرا جرأت نمی کنم از چیزی سخن گویم، جز آنچه مسیح به وسیلهٔ من[y] انجام داده تا ملت ها در سخن و در عمل به اطاعت درآیند[z]، [۱۹] به قدرت نشانه ها و شگفتی ها، به قدرت روح [القدس][a]. بدین طریق من از اورشلیم[b] و اطراف آن تا ایللُوریکُن اعلامِ

pp- ترجمهٔ تحت اللفظی: مسیح خدمتگزار اهل ختان شده تا وعده های پدران را به انجام برساند.
q- کلمهٔ یونانی که در اینجا آمده می توان «مشرکان» ترجمه کرد، در بندهای بعدی ملت ها ترجمه می شود، زیرا همین کلمه موقعی که در برابر یهودیان (پرستندهٔ خدای واقعی) می آید، مشرکان ترجمه می شود و وقتی در برابر قوم یهود بیآید منظور ملّت های دیگر است.
r- ۲-سمو۲۲:۵۰ و مز۱۸:۵۰.
s- تث۳۲:۴۳.
t- مز۱۱۷:۱.
tt- ترجمهٔ تحت اللفظی: ریشه.
u- این فعل «برخاستن» به معنی «برخاستن از میان مردگان» هم می باشد. و همین معنی مضاعف در اع۲۲:۳ که تث۱۸:۱۵ را نقل می کند نیز آمده است.
v- اش۱۱:۱۰.
w- پس از اخطارهائی که پولس در فصل ۱۴ به مخاطبان خود خطاب کرده است (بندهای ۴، ۱۰، ۱۳، ۱۵) در اینجا آموزشهائی را که دریافت کرده اند یادآوری نموده، می خواهد اعتماد خود را به آنان اظهار کند.
x- نکته اصلی در این بند اینست که هدف مأموریت رسالت پولس، آوردن مشرکان به حالت تقدیم قربانی معنوی به خدا است (ر.ک روم۱۲:۱). بدین سبب کلمات تقدیم قربانی و آئین نیایش عهد عتیق را در مورد مأموریت خود بکار می برد (ر.ک ۹:۱). در اینکه پولس در این بند واژه های مختص وظایف کهانت را بکار برده باشد نظریات مختلف وجود دارد.
y- ترجمهٔ دیگر: زیرا جرأت نخواهم کرد چیزی ذکر کنم که مسیح به وسیلهٔ من نکرد...
z- البته منظور اطاعت ایمانی است. ر.ک ۵:۱؛ ۲۶:۱۶.
a- نسخهٔ دیگر: به وسیلهٔ قدرت روح [خدا]. یا: روح القدس.
b- اورشلیم مرکز اشاعه انجیل است. ر.ک اع۸:۱.

انجیل مسیح را تکمیل کرده ام[c]، ۲۰ و بنابر
۲-قرن۱۰:۱۵-۱۶ این اشتیاق داشته ام انجیل را در جایی که
نام مسیح ذکر شده نوید ندهم تا بر روی
پی ریزی دیگری[d] بنا نکرده باشم، ۲۱ بلکه
برطبق آنچه نوشته شده است: «آنان که به
ایشان از او نوید داده نشده است خواهند
دید و آنان که [از آن] نشنیده اند خواهند
فهمید[e]».

طرح های پولس

۱۳:۱ ۲۲ بدین سبب نیز بارها از آمدن من به
نزد شما مانع پیش آمده است. ۲۳ ولی
اکنون که موقعیت [کاری] در این مناطق
ندارم و از سالهای بسیاری میل شدید به
آمدن به نزد شما دارم، ۲۴ وقتی که به
اسپانیا[f] بروم... زیرا امیدوارم درحال
عبور شما را ببینم و توسط شما به آنجا
همراهی[g] بشوم اگر بدواً تا اندازه ای از ۱ـ قرن ۶:۱۶
شما سیر شده باشم. ۲۵ ولی اکنون برای اع ۲۱:۱۹
خدمت به مقدسان[h] به اورشلیم می روم.
۲۶ زیرا مقدونیه و اخائیه خشنودند
اعانه ای[i] برای بینوایانی از مقدسان
اورشلیم جمع کنند. ۲۷ زیرا خشنودند و آن
را به ایشان مدیون هستند. زیرا اگر امت ۱ـ قرن ۹:۱۱؛ غلا ۶:۶
ها در نعمت های معنوی ایشان شرکت
نموده اند[j] باید به ایشان نیز در چیزهای
دنیوی خدمت کنند. ۲۸ پس، این را که
تمام کردم و ثمرهٔ [این اعانه] را به ایشان
تسلیم نمودم[k] با عبور از نزد شما به اسپانیا
خواهم رفت، ۲۹ و می دانم که با آمدن به
نزد شما با تمامیت برکت مسیح خواهم
آمد[l].
۳۰ ولی ای برادران، شما را تشویق
می کنم، بوسیلهٔ ما یسوع مسیح و بوسیلهٔ

c- بنابر یکی از خصوصیت های اعلام انجیل که رسمیت و قانونی بودن است، به عقیدهٔ پولس پس از اینکه انجیل در شهرهای بزرگ نوید داده شود، به همه اعلام گردیده است بنابراین مأموریت رسالت او پایان یافته (بند ۲۳) و وظیفهٔ ادامه و اشاعه کار خود را به شاگردان خود محول می نماید.

d- ترجمهٔ دیگر: بر روی پایه ای که کس دیگر قرار داده است.

e- اش۵۲:۱۵ (آخرین سرودِ خدمتگزار)، عبارتی پیامبرانه که پولس تا اندازه ای آزادانه نقل می کند.

f- این جمله ناتمام است.

g- منظور این است که او را در این مسافرت کمک کنند اعم از اینکه کسی را یا توشه راه و یا توصیه و سفارش و غیره به همراه او بفرستند.

h- مسیحیان اورشلیم حقّ مخصوصی داشتند که مقدسان نامیده شوند (۱-قرن۱۶:۱؛ ۲-قرن۸:۴ و ۱۲:۶) چونکه اعضای کلیسای مادر و نمایندهٔ باقیماندهٔ مقدس اسرائیل بشمار می آمدند سپس این عنوان از کلیسای اورشلیم به تمام مسیحیان اطلاق گردیده است (روم۱۵:۷؛ ۱۳:۱۲).

i- ترجمهٔ تحت اللفظی: همرائی کنند. با توجه به موضوع متن، کلمهٔ یونانی که در اینجا «اعانه جمع کنند» ترجمه می شود به معنی همبستگی برادرانه می باشد. پولس اهمیت زیادی برای جمع کردن اعانه قائل بوده است. ر.ک ۱-قرن۱۶:۱-۴؛ ۲-قرن۸-۹؛ غلا۲:۱۰.

j- ترجمهٔ تحت اللفظی: همرائی داشته اند. ر.ک بند ۲۶ i.

k- ترجمهٔ تحت اللفظی: «و پس از مُهر کردن این ثمره». این اصطلاح نشان می دهد که به نظر پولس جمع آوری اعانه اقدامی رسمی است و نشانهٔ بارز همبستگی دو جمعیت مسیحیان است: مسیحیانی که قبلاً یهودی بوده و مسیحیانی که مشرک بوده اند. بعضی از مفسران مفهوم این عبارت را چنین درک می کنند: و ثمرهٔ این اعانه را با امانت بدیشان تسلیم کردم.

l- این عبارت معنی مضاعف دارد: مسیح مسافرت پولس را برکت می دهد و پولس حامل این برکت برای رومیان است.

محبت روح [القدس] با دعاهای یکدیگر،
نزد خدا برای من کوشش کنید[m]، ۳۱تا از
اع ۳:۲۰؛ ۱۲:۲۱-۱۱؛ ۳۶-۱۷ بی‌ایمانان در یهودیه بگریزیم و خدمت[n]
من برای اورشلیم از طرف مقدسان
به‌خوبی پذیرفته شود. ۳۲تا با شادی نزد
شما بیایم و اگر خدا بخواهد در بین شما
۲ـ قرن ۱۳:۱۱؛ فی ۹:۴ بیاسایم. ۳۳و خدای صلح با همهٔ شما
باشد! آمین!

سلام‌های شخصی

۱۶ اع ۱۸:۱۸ ۱و به شما، خواهرمان فیبی را که
خادمه[o] کلیسا در کنخریه[p] است
توصیه می‌کنم. ۲که او را به طرزی شایستهٔ
مقدسان[q] در خداوند بپذیرید و در هرکاری
که به شما نیاز داشته باشد به او کمک
کنید زیرا همچنین حامی[r] بسیاری و خودم
بوده است.

اع ۲:۱۸؛ ۱۸، ۲۶؛ ۲ـ تیمو ۴:۱۹؛ ۱ـ قرن ۱۶:۱۹ ۳به پریسکا و آکیلا، همکاران من در
مسیح یسوع سلام کنید. ۴ که برای
[نجات] جان من، گردن خود را نهادند و
نه تنها من بلکه همه کلیساهای امت از
ایشان سپاسگزارند. ۵همچنین به کلیسای
در خانهٔ ایشان سلام کنید. اپینطس[s]
۱ـ قرن ۱۵:۱۶ محبوب من را سلام کنید که نوبر آسیا
برای مسیح[t] است. ۶ مریم را سلام کنید
که خیلی برای شما زحمت کشیده است.

m- ر.ک کول۲:۱ و ۱۴:۴: وظیفهٔ رسالت همچون مبارزه‌ای ست. این متن اهمیت نیایش را در توسعه و انتشار انجیل نشان می‌دهد.
n- کلمهٔ یونانی که خدمت ترجمه شده است هم به معنی کمک مادی و هم به معنی مأموریت حامل آنست. به نظر پولس وقتی که ایمانداران اورشلیم این کمک را می‌پذیرند نشانهٔ آن است که مسیحیانی که قبلاً مشرک بودند به‌طور قطعی در اتحاد با کلیسای مادر (اورشلیم) پذیرفته می‌شدند.
o- فیبحی که احتمالاً برندهٔ این نامه است، خادمه یا خدمتگزار نامیده می‌شود و همین عنوان در نوشته‌های عهد جدید به پولس، به آپولس، به ×تیخلس و ×بغراس داده شده است (ر.ک ۱-قرن۳:۵؛ ۲-قرن۳:۶؛ ۴:۶؛ افس۳:۷؛ ۶:۲۱؛ کول۱:۷، ۲۳، ۲۵). بعضی از مفسران با توجه به تفسیری که از ۱-تیمو۳:۱۱ می‌شود تصور می‌کنند این کلمه وظیفه شماس را تعیین می‌کند که زنی آن را برعهده دارد. مفسران ارتباط و شباهتی را که بین فصل ۱۶ نامه به رومیان و لحن و مسائلی که در نامه‌های رسولی وجود دارد یادآوری و تأیید می‌کنند و لذا گاهی منجر به تأیید این نظریه می‌شود که فصل ۱۶ در ابتدا جزو نامه به رومیان نبوده و بعداً به آن افزوده شده است. با این همه ر.ک اولین یادداشت فصل ۱۵.
p- کنخریه بندر شرقی قرنت است که پولس پس از دومین مسافرت انجیلی خود از آنجا به سوی سوریه عزیمت کرد (اع۱۸:۱۸). [لکایون بندر غربی کرنت بوده]
q- مقدسان: ر.ک روم۱:۷، پاورقی m و ۲۵:۱۵ h.
r- کلمهٔ یونانی که «حامی» ترجمه شده است در اصطلاح حقوقی کسی است که نمایندهٔ افراد خارجی بوده که تضمین قضائی نداشته‌اند، ولی در اینجا که سخن دربارهٔ زنی است این معنی منتفی است. فیبحی احتمالاً شخص عالیرتبه‌ای بوده و در موارد مختلف توانسته بود به نفع مسیحیان دخالت نماید و بدین وسیله از لحاظ مختلف سزاوار حق شناسی آنان بوده است.
s- در بندهای ۵ الی ۱۵ رسول نام بسیاری از اعضای جمعیت مسیحیان رُم را ذکر می‌کند. متأسفانه دقیقاً نمی‌توان گفت این افراد چه کسانی هستند، تنها چیزی که از این صورت اسامی می‌توان استنباط کرد تفاوت و اختلاف زیاد در وضعیت و اصل و نسب و تبار این افراد است: بعضی از این نخستین مسیحیان بدون شک اصلاً یونانی بوده‌اند (اپلس، ×۱۱اپنیط، ×نیرگسون، تریفنوس و تریفوسوس): بعضی دیگر از ریشهٔ رومی بوده‌اند (جولیه، روفوس، که شاید برطبق مر۱۵:۱۲ - پسر شمعون قیروانی بوده، اوربانوس). و بالاخره برخی دیگر از آنان یهودی بودند (اندرنیکوس، آکیلا، ارستبولس، یونیاس، مریم، پریسکا). بعضی از این مسیحیان ظاهراً شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ای بوده‌اند مثل اریستوبلس که ممکن است از خانوادهٔ هیرودیس بوده است. بعضی دیگر برعکس برده و یا بردهٔ آزاد شده بودند (آمپلیاتس، اسنکریطس، هرماس، هرودیون، نره، المپاس، پطروباس، پرسیس، فیلالُگس، فلیگون، استاخیس). به هرصورت تصویر گیرائی از تنوع کلیسا در اینجا ظاهر می‌شود که به وسیلهٔ ایمان واحدی بر همرائی یسوع مسیح گرد آمده بودند.
t- اپینطس حتماً یکی از نخستین گروندگان آسیای صغیر به مسیحیت بوده است و پولس به او به‌عنوان کلیه گروندگان ناحیهٔ آسیای صغیر سلام می‌کند.

۳:۹؛ ۲ـ قرن ۸:۲۳
[۷] اندرنیکوس و یونیاس، بستگان من[u] و رفقای من را در زندان سلام کنید که از رسولان[v] برجسته هستند که حتی پیش از من در مسیح بوده‌اند. [۸] امپلیاتس محبوب من را در خداوند سلام کنید. [۹] اوربانوس همکار ما در مسیح و استاخیس محبوب من سلام کنید. [۱۰] آپلیس آزموده شده در مسیح را سلام کنید. کسان آریستوبولس را سلام کنید. [۱۱] خویشاوند من هیرودیون را سلام کنید. کسان نارکیسوس را که در خداوند هستند سلام کنید. [۱۲] تریفَینا و تریفوسا را که در خداوند زحمت می‌کشند سلام کنید. پرسیس عزیزم که در خداوند خیلی زحمت کشیده است را سلام کنید. [۱۳] روفُس، برگزیدهٔ خداوند را، همچنین مادر او و مرا سلام کنید. [۱۴] آسنکریتس، فلیگون، هرمِس، پطروباس و هرماس و برادران با اَیشان را سلام کنید. [۱۵] فیلولوگوس و یولیا را نیریاس و خواهرش و اولمپاس و همهٔ مقدسان با ایشان را سلام کنید. [۱۶] یکدیگر را با بوسه‌ای مقدس سلام کنید. همهٔ کلیساهای مسیح به شما سلام می‌کنند.

مر ۲۱:۱۵

۱ـ قرن ۲۰:۱۶؛ ۲ـ قرن ۱۲:۱۳؛ ۱ـ تسا ۲۶:۵؛ ۱ـ پطر ۱۴:۵

اع ۳۷:۲۰؛ لو ۴۵:۷؛ ۴۸:۲۲

[۱۷] ای برادران، و توصیه می‌کنم شما را مواظب کسانی باشید که خلاف آموزشی که شما دریافت کرده‌اید اختلافات و موانع ایجاد می‌کنند و از ایشان روی‌گردان شوید. [۱۸] زیرا چنین کسانی نه خداوند ما مسیح را خدمت می‌کنند بلکه شکم خود را و با سخنان شیوا وستایش آمیز ساده دلان را می‌فریبند. [۱۹] زیرا فرمانبرداری شما به همه رسیده است لذا در مورد شما شادمانم. میل دارم برای نیکی هوشیار و در مورد بدی بی‌غل و غش باشید[w]. [۲۰] بزودی خدای صلح، شیطان را به زیر پاهای شما خرد خواهد کرد. فیض خداوند ما یسوع با شما باد!

۱۷:۶؛ مت ۱۵:۷-۲۰؛ تیط ۱۰:۳؛ ۲ـ یو ۷-۱۰

فی ۱۹:۳؛ کول ۴:۲؛ تیط ۱۰:۱-۱۴

۸:۱؛ ۱ـ قرن ۲۰:۱۴؛ ار ۲۲:۴؛ مت ۱۶:۱۰

فی ۹:۴؛ پید ۱۵:۳

[۲۱] همکار من تیموتاؤس به شما سلام می‌کند، همچنین لوکیوس، یاسون و سوسیپاتروس، بستگان من [به شما سلام می‌کنند]. [۲۲] من، طرتیوس[x] که این نامه را نوشته‌ام در خداوند به شما سلام می‌کنم.

اع ۱:۱۶-۳؛ ۲ـ قرن ۱۷:۴؛ اع ۱۱:۱۳؛ ۵:۱۷؛ ۴:۲۰؛ کول ۱۸:۴؛ ۲ـ تسا ۱۷:۳؛ غلا ۱۱:۶

u- آندرینیکوس و یوناس (که احتمالاً زن و شوهر هستند) یهودیانی می‌باشند که با پولس خویشاوندی دارند (مثل هیرودیون در بند ۱۱؛ یاسون و ×سوسپاتروس در بند ۲۱). کلمه‌ای که در اینجا بستگان ترجمه شده است همچنین به معنی خانواده، ایل و تبار و قوم و نژاد است (ر.ک روم۹:۳ j). در اینجا پولس نشان می‌دهد با بعضی از مسیحیان یهودی‌الاصل که در روم و قرنت می‌زیستند ارتباط شخصی خانوادگی دارد.

v- در اینجا اندرنیکوس و یوناس به عنوان «رسولان برجسته» معرفی شده‌اند زیرا جزو نخستین نسل پیروان مسیح بوده و در راه رسالت و انتشار انجیل با فعالیت شرکت می‌کردند و به همین سبب زندانی شده بودند. در اینجا مشاهده می‌شود که در ابتدا عنوان «رسول» مختص و منحصر به دوازده شاگرد مسیح نبوده است.

w- ترجمهٔ تحت‌اللفظی: دانا برای خوبی و پاکی (یا خالص) از بدی. ممکن است این عبارت مؤثر اشاره به سخنی باشد که یسوع گفته و در مت۱۰:۱۶ آمده است. از مسیحیان دعوت می‌شود مراقب بوده و همواره در اندیشهٔ نیکوئی گفتار و کردار خود باشند و برعکس از بدی احتراز نمایند.

x- برخلاف معمول، ×طرتیوس که منشی پولس است به جمعیت مسیحیان روم شاید او را می‌شناسد سلام می‌کند. در اینجا لازم به یادآوری است پولس نامه‌های خود را دیکته می‌کرده است و به همین سبب گاهی در شیوهٔ نگارش مهارت وجود ندارد، عبارتها پیچیده و مشکل و یا تکراری است. همچنین گاهی رشتهٔ کلام قطع شده و یا در یک عبارت موضوع سخن ناگهان تغییر می‌یابد.

۱ـ قرن ۱:۱۴؛ اع ۱۹:۲۲، ۲۹؛ ۲ـ تیمو ۴:۲۰

۲۳ غایوس، میزبان من[y] و تمام کلیسا به شما سلام می کنند. آراستوس، صندوقدار شهر به شما سلام می کند، همچنین برادر کوارتوس[z].

مدح و ستایش

افس ۳:۲۰؛ یهو ۲۴-۲۵؛ ۱ـ قرن ۲:۷؛ کول ۱:۲۶؛ ۲:۲-۳

۲۴ و به آن کس که قدرت دارد برطبق انجیل من و ندای یسوع مسیح شما را استوار کند، برطبق اظهار رازی که از مدت های جاویدان در سکوت نگهداری شده بود، ۲۵ ولی اکنون به وسیلهٔ نوشته های انبیاء و برطبق فرمان خدای جاویدان آشکار شده و به اطلاع همهٔ امت ها رسیده است تا [ایشان را] به اطاعت ایمان درآورد[a]؛ ۲۶ خدای، حکیم یگانه را، به وسیلهٔ یسوع مسیح به روزگاران شکوه باد! آمین[b]!

افس ۱:۹، ۳:۵-۹؛ مکا ۱۰:۷ ۲ـ قرن ۱۰:۵؛ ۱:۵؛ ۱۱:۳۳-۳۶؛ ۱-قرن۱:۲۴-۲۵ غلا ۱:۵؛ افس ۳:۲۱؛ فی ۴:۲۰؛ ۲ـ تیمو ۴:۱۸؛ مکا ۱:۶؛ ۱۲:۷

y- جمعیت مسیحیان قرنت ظاهراً در خانهٔ غایوس (که نام او در ۱-قرن۱:۱۴ آمده است) جمع می شده اند.

z- در بعضی از نسخَه های خطی پس از بند ۲۳ نوشته شده است: «لطف خداوند ما یسوع مسیح با همهٔ شما باد، آمین!» ولی در نسخه های خطی مهم این عبارت که تکرار قسمت آخر بند ۲۰ است وجود ندارد.

a- ر.ک روم۱:۵ k.

b- در بعضی نسخه های خطی بندهای ۲۵-۲۷ در جاهای مختلفی آمده است و در اصالت این عبارات زیبای مدح و ستایش جای بحث است. محتوای این بندها بیان تحسین و شگفتی کلیسا در برابر رازی است که نوشته های پیامبرانه (گواهی های عهد عتیق و عهد جدید) آن را تأیید کرده اند و در سراسر جهان منتشر شده است. اهمیت این بندها در کلمات «اکنون، آشکار شده» می باشد؛ کلیسا که به سوی گذشته می نگرد شادمان است در دورانی زندگی می نماید که نام یسوع مسیح اظهار شده و این نام از این پس کلید تاریخ جهان و سرنوشت بشریت است.